

۳۷۵۲۲  
۳۷۵۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# پیشوایان تقریب

آیت الله العظمی بروجردی و شیخ محمود شلتوت

مجموعه مقالات

کنکرة بين المللى بزرگداشت آیت الله العظمی بروجردی و شیخ محمود شلتوت

(تهران - دیماه ۱۳۷۹)

تهیه و تنظیم

معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

۱۳۸۳

کنگره بین المللی بزرگداشت آیت الله العظمی بروجردی و شیخ محمود شلتوت (۱۳۷۹: تهران).  
 پیشوایان تقریب: آیت الله العظمی بروجردی و شیخ محمود شلتوت: مجموعه مقالات کنگره  
 بین المللی بزرگداشت آیت الله العظمی بروجردی و شیخ محمود شلتوت (تهران - دیماه ۱۳۷۹) /  
 تهیه و تنظیم معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی - تهران: مجمع جهانی تقریب  
 مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی، ۱۳۸۳  
 ۲۳۲ ص.

ISBN 964-7994-39-7 ریال ۱۲۰۰۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. بروجردی، حسین ۱۲۵۲ - ۱۳۲۰ - کنگره ها. ۲. شلتوت، محمود، ۱۸۹۳ - ۱۹۶۲ م. Shaltut, Mahmud - کنگره ها. ۳. وحدت اسلامی - کنگره ها. ۴. تقریب مذاهب - کنگره ها. ۵. مجتهدان و  
 علما - کنگره ها.

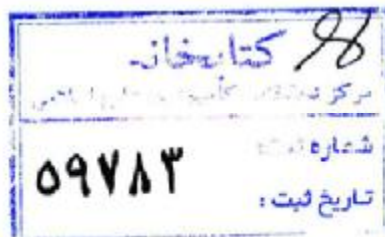
الف مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی. ب. عنوان

ک ۹ / ۵ / ۲۳۳ BP ۲۹۷/۴۸۲

۱۳۷۹

۵۱۶۹ - ۸۳ م

کتابخانه ملی ایران



مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

نام کتاب:	پیشوایان تقریب، آیت الله العظمی بروجردی و شیخ محمود شلتوت
نویسنده:	جمعی از اندیشمندان
تهیه و تنظیم:	معاونت فرهنگی مجمع جهان تقریب مذاهب اسلامی
ناشر:	مجمع جهان تقریب مذاهب اسلامی - معاونت فرهنگی
نوبت چاپ:	اول، ۱۳۸۳ هـ. ش
شمارگان:	۲۰۰۰ نسخه
شابک:	ISBN: 964-7994-39-7 ۹۶۴-۷۹۹۴-۳۹-۷
چاپخانه:	
قیمت:	۱۲۰۰۰ ریال
آدرس:	تهران - ص. پ. : ۶۹۹۵ - ۱۵۸۷۵ تلفنکس: ۸۸۲۲۰۳۲

حق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ

## فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۱	پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی
۱۵	سخنرانی آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی در جلسه پایانی کنگره
۲۱	آیت الله بروجردی
	فاطمه حسین بخش رحیمی
۷۱	رهش تقریبی و کلامی آیت الله العظمی بروجردی
	محمد رضا رجبی
۱۰۱	آثار علمی آیت الله العظمی بروجردی
	استاد واعظ زاده خراسانی
۱۳۹	آیت الله بروجردی و شیخ محمود شلتوت
	مولوی خلیل الله ریانی
۱۷۷	انقلاب اسلامی و تقریب مذاهب
	محمد تقی جمشیدی بروجردی
۲۰۷	علامه شلتوت مفسری واقع گرا
	سید محمد ثقفی
۲۲۷	بیانیه اختتامیه کنگره



## پیشگفتار

حوزه علمیه قم و جامع الازهر در دو سوی عالم اسلام جایگاه ویژه‌ای در تبیین و شکل دهی اندیشه اسلامی در ابعاد مختلف آن (فقه، اصول، کلام، تغییر تفسیر و...) و رهبری توده‌های مسلمان به سوی جامعه آرمانی اسلام دارند. هر گونه تحول و پیشرفت در افکار و اندیشه‌های حاکم بر این دو حوزه بزرگ مستقیم یا غیر مستقیم بر کل جهان اسلام اثر گذار بوده و منشأ تحولات خواهد شد. همچنانکه تحولات عظیم فکری حوزه علمیه قم عامل اصلی ظهور انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در آغاز قرن پانزدهم هجری است.

در این میان نقش رهبران فکری و اساتید بزرگ در ایجاد این تحولات بر کسی پوشیده نیست. تاریخ پرفراز و نشیب جوامع اسلامی و نقش علماء و مراجع بزرگ در ایجاد و ونهضت و حرکت‌ها و تحولات بزرگ سیاسی و اجتماعی نشان گویایی از این واقعیت است.

در دوران معاصر و در یکی از حساسترین مقاطع تاریخ، بعد از جنگ جهانی دوم و تفرقه و تشتت در جهان اسلام، سقوط دولت عثمانی، اشغال ایران، ایجاد دولت نامشروع اسرائیل و... ظهور دو مصلح بزرگ در میان امت اسلامی و در این دو حوزه بزرگ شیعه و سنی و طرح دیدگاههای مصلحانه و مترقی از جانب

آنان مخصوصاً توجه جدی آنان به اصل قرآنی، «وحدت امت اسلامی» و تبیین مبانی علمی آن براساس کتاب و سنت انظار مسلمانان را متوجه آنان ساخت.

آیت الله العظمی بروجردی مرجع عالیقدر و بلا منازع جهان تشیع و علامه شیخ محمود شلتوت، شیخ جامع ازهر با اقدامات (صلاحگراانه و وحدت بخش خویش در جهان اسلام به گونه‌ای که تا آن زمان سابقه نداشت تأثیر تعیین کننده‌ای در توجه مسلمانان به هویت مشترک اسلامی خویش و لزوم کنار گذاشتن اختلافات فرقه‌ای ناشی از جهل و تعصب یا دسیسه‌های حکام و استعمارگران بر جای گذاشتند.

فتوای معروف شیخ شلتوت در صحت تعبد و عمل به فقه شیعه به عنوان یک مذهب رسمی اسلامی و تأسیس «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» به دبیرکلی شیخ محمد تقی قمی در قاهره و عضویت علمای بزرگ فریقین در آن و حمایت مرحوم آیت الله العظمی بروجردی از آن از آثار این تحول بزرگ فکری در اندیشه‌های رهبران دینی مسلمانان است.

دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه در حیات پربار خود منشاء خدمات بسیار در شناخت متقابل علمای شیعه و سنی از یکدیگر شد. انتشار شصت شماره مجله «رسالة الاسلام» انتشار تفسیر کبیر مجمع البیان، مختصر النافع، حدیث الثقلین و... از آن جمله است.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی که پس از ۴۵ سال از تأسیس دارالتقریب به دستور رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای مدظله‌العالی در سال ۱۳۶۹ به دبیرکلی آیت الله واعظ زاده خراسانی در ایران



تأسیس شد. فلسفه وجودی خویش را استمرار راه آن بزرگواران دانسته و خود را ادامه وجودی دارالتقریب می‌داند.

این مجمع در چهلمین سالگرد رحلت آیت الله العظمی بروجردی اقدام به برگزاری «کنگره بزرگداشت آیت‌الله العظمی بروجردی و شیخ محمود شلتوت» نمود و به مدت ۳ روز از تاریخ ۱۹ تا ۲۱ دیماه ۱۳۷۹ در تهران و قم علما و اندیشمندان و مراجع بزرگ تقلید را از ایران و شیوخ و اساتید بزرگ الازهر را از مصر فرا خواند تا در یک همایش بزرگ و بی سابقه یاد این دو بزرگوار را گرامی داشته و با تبیین مبانی علمی اندیشه‌های مصلحانه آنان گامی تازه در راه وحدت اسلامی و تقریب مذاهب بردارد. حضور یک هیأت بزرگ علمی ۲۰ نفره از علمای بزرگ الازهر در ایران که شیخ محمود عبدالغنی عاشور قائم مقام شیخ الازهر شیخ فرید نصر و اصل مفتی وقت مصر، رؤسای دانشکده‌های الازهر روزنامه‌نگاران و اساتید بزرگ مصری از جمله آنان بودند. جلوه خاصی به این اجتماع بخشیده بود این هیأت مصری با مقام معظم رهبری و رئیس جمهور دیدار کردند. در نماز جمعه تهران حضور یافته و قائم‌مقام شیخ الازهر سخنرانی بسیار مهمی در آن ایراد کرد. همچنین در شهر مقدس قم با برخی از مراجع بزرگوار تقلید و فضلا و اساتید بزرگ دیدار و گفتگو کرده از مراکز مهم دیدن نمودند. در اهمیت این کنگره همین بس که یکی از روزنامه‌های مهم مصری نوشت در طول تاریخ پس از وقایع تأسف بار در صدر اسلام هیچگاه چنین اجتماع با شکوه مهمی از رهبران جهان تشیع و تسنن در یک جا تشکیل نشده بود. این کنفرانس در مطبوعات مصر، ایران و منطقه عربی نیز بازتاب گسترده و قابل توجهی داشت.

به هر حال کتاب حاضر مجموعه مقالاتی است، حاصل آن اجتماع بزرگی که برای اطلاع نسل جوان و فضیلابی محترم در حوزه‌ها و مراکز علمی و دانشگاهی توسط معاونت محترم فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و به همت برادر گرامی جناب حجت‌الاسلام والمسلمین اوحدی منتشر می‌شود. امید است امثال چنین همایشهای وحدت بخشی بازهم در تهران و قاهره و سایر بلاد اسلامی تکرار شده باعث گسترش بیش از پیش اندیشه تقریب مذاهب گردد.

سیدجلال میرآقایی

مسئول ستاد برگزاری کنگره بزرگداشت

آیت‌الله بروجردی و شیخ محمود شلتوت

**پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی**

**به کنگره بزرگداشت حضرت آیت الله العظمی بروجردی**

**وعلامه شیخ محمود شلتوت**



### بسم الله الرحمن الرحيم

خدای بزرگ را سپاسگزارم که به شما دست‌اندرکاران محترم این اجلاس توفیق تجلیل از دو بزرگمردی را عنایت کرد، که سهم آنان در آرزوی تقریب میان مذاهب اسلامی بسی بزرگ و فراموش نشدنی است.

این دو شخصیت برجسته و ممتاز یکی فقیه بزرگ دوران و مرجع اعلیٰ همه شیعیان جهان در زمان خود، و شخصیت کم‌نظیر روحانی در دورانهای اخیر حضرت آیت الله العظمی بروجردی و دیگر فقیه و مفتی بزرگ اهل سنت و رئیس شجاع و نواندیش الازهر شریف علامه محمود شلتوت می‌باشند.

تجلیل از این دو شخصیت بلندآوازه دنیای اسلام تنها تجلیل از دو انسان بزرگ نیست، بلکه خدمت با عظمتی که این دو به امت اسلامی کرده‌اند، هدف اصلی این بزرگداشت است.

امروزه دنیای اسلامی که در جهت ذخایر مادی و انسانی و فکری و تاریخی، یکی از بزرگترین مجموعه‌های جهان است، بیش از همیشه نیازمند وحدت و تقریب است. اگر متمرکز، و هم جهت ساختن تلاشها و توانها، و به جریان انداختن آن در سمت و سوی نجات امت اسلامی، هدف و آرزوی هر مسلمان خیر خواه و دلسوز است، باید دانست که این هدف جز در سایه نزدیک کردن دلها و فکرها و ایمانها دست یافتنی نیست.

این دو مرد بزرگ نزدیک به نیم قرن پیش این حقیقت روشن را دریافتند و برای آن تلاش کردند و اگر مردان علم و سیاست، این تلاش را به جد دنبال می‌کردند، شاید دنیای اسلام امروز شاهد نتایج غم‌انگیز اختلاف مسلمانان

نمی شد و شاید مصیبت فلسطین، و دیگر اوضاع رقت بار دنیای اسلام، اینچنین هولناک و دلخراش گریبان جهان اسلامی را نمی گرفت.

در آن روز همت، و عزم مرجع اعلای شیعه و شجاعت و حریت مفتی بزرگ مصر، گامی بلند و در خور نیاز زمان بود. امروز نیز بزرگان و اندیشوران، عالمان دین و روشنفکران، مفتیان و سیاستمداران، هر یک وظایف بزرگی در این راه بر دوش دارند.

مجمع تقریب مذاهب اسلامی در تهران، می باید امانت دار تقریب مذاهب اسلامی در قاهره، به کاری بزرگ و ماندگار همت گمارد. امواج تخریب روابط مذاهب و ملتها، از کانونهای فتنه در درون دنیای اسلامی و بیرون آن، تشتت روزافزون ملتها و مذاهب اسلامی را نشانه گرفته است. مجاهدت مخلصانه در برابر این امواج فتنه، وظیفه همگان، بخصوص آگاهان و هوشمندان است، با تمسک به قرآن و سنت قطعی نبوی (ص) مانند حدیث ثقلین و تبعیت از اهل بیت علیهم السلام، راه روشنی در برابر ما قرار می گیرد.

از خداوند متعال توفیق پیمودن این راه را برای خود و شما و همه علما و امت اسلامی مسالت می کنم.

در پایان لازم می دانم از زحمات دست اندرکاران این اجلاس تشکر کنم و برای روح مرحوم علامه شیخ محمد تقی قمی موسس دار تقریب طلب رحمت و مغفرت نمایم.

السلام علیکم ورحمه الله

سید علی خامنه ای

۱۸ دی ماه ۱۳۷۹

۱۲ شوال ۱۴۲۱

# سخنرانی آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

در جلسه پایانی کنگره بین المللی بزرگداشت آیت الله بروجردی و شیخ محمود شلتوت

قم - دیماه ۱۳۷۹





## بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وبه نستعين، وصلى الله على سيدنا محمد (ص) وعلى آله  
الطيبين الطاهرين وأصحابه المنتجبين.

ونريد أن نثن على الذين استضعفوا في الأرض وجعلهم أئمةً وجعلهم الوارثين  
برادران عزیز بسیار خوش وقتیم که بعد از حدود چهل سال چنین کنگره با  
شکوهی برای بزرگداشت دو شخصیت بسیار والا مقام دو عالم جلیل وکم نظیر  
یعنی آیت الله العظمی بروجردی وعلامه بزرگوار شیخ شلتوت که هر کدام در  
زمان خود نفوذ عمیقی در دلها داشتند و تحولی ایجاد کردند، برگزار می شود  
خوشحالیم که بعد از چهل سال خاطره آن بزرگواران را تجدید می کنیم و به مقام  
شامخ آنها احترام می گذاریم آنهایی که در عصر خود وظیفه و رسالت خود را به  
عالی ترین وجه انجام دادند واکتون نوبت ماست که ما هم رسالت خودمان را در  
این عصر و زمان با الهام گرفتن از برنامه و افکار آنها انجام دهیم بلکه گامهای  
تازه ای برداریم و برنامه های آنها را تکمیل کنیم.

حقیقت این است که این دو فقیه بزرگ و دو عالم کم نظیر، ویژگی های  
زیادی در علم، فقاقت، تقوا، روشن بینی و شجاعت داشتند که هر یک از اینها  
می تواند موضوع بحث مستقلی باشد، آنچه که امروز بیشتر در باره آن صحبت  
می کنیم افکار نورانی این دو بزرگوار در مسأله وحدت صفوف مسلمین است در  
زمانی که نیاز ما به مساله وحدت از هر زمانی بیشتر بود.

درباره این مسأله بحث فراوان داریم ولی من فقط دو نکته را خدمت شما  
عزیزان، بزرگواران، علما، مخصوصا و شخصیت های بزرگی که از خارج آمده اند  
بویژه علمای محترم مصر و الازهر شریف عرض می کنم: اول اینکه وحدت

صفوف مسلمین همیشه مهم بوده است در آن زمانی که اعداء اسلام از امروز نقشه‌های آنها ضعیف‌تر بود برنامه‌های آنها ساده‌تر بود در آن روز اسلام به مساله وحدت اهمیت فوق العاده‌ای داد و از همه مؤمنین انتظار داشت که مثل بنیان مرصوص در میدان حاضر شوند گرچه آیه در باره جهاد نظامی است ولی به طور مسلم و به تنقیح مناط همه زمینه‌ها را می‌گیرد. بنیان مرصوص در میدان جنگ، بنیان مرصوص در عالم سیاست، بنیان مرصوص در عالم فرهنگ و ثقافت اسلامی، بنیان مرصوص در تمام جهات، آن روز که هنوز توطئه‌های دشمنان مثل امروز نبود اسلام اتحاد را نشانه اسلام و اختلاف را نشانه زمان جاهلیت گرفت و به مسلمانان گفت: **کنتم اعداء یعنی عصر جاهلیت، فأصبحتم بنعمته اخواناً یعنی عصر اسلام.**

بنابر این عداوت نشانه عصر جاهلی است و اخوت نشانه عصر اسلام است هر قدر به اخوت اسلامی نزدیک‌تر شویم به اسلام نزدیک‌تر شده‌ایم و هر قدر از اخوت دور شویم به عصر جاهلیت نزدیک‌تر می‌شویم.

در آن زمان که هنوز توطئه‌های دشمنان مثل امروز نبود، اسلام اختلاف کلمه را در ردیف عذابهای آسمانی و زمینی شمرد، **قل هو القادر علی أن یبعث علیکم عذاباً من فوقکم أو من تحت أرجلکم أو یلبسکم شیعاً**، عذاب از آسمان صاعقه‌ها و عذاب از زمین زلزله‌ها و اختلاف در ردیف صاعقه‌ها و زلزله‌ها است. آن روز اسلام این را می‌گفت ولی امروز که نقشه‌های دشمن پیچیده‌تر خطرناک‌تر و وسایل و ابزار دشمن پیشرفته‌تر، قوت و شوکت آنها فزون‌تر است، در چنین شرایطی مسلماً ندای اسلام به سوی وحدت و دعوت به سوی اتحاد صفوف مسلمین از هر زمانی بیشتر است.

برادران و عزیزان، ما ثمره شیرین وحدت را در همین گذشته نزدیک در جنوب لبنان چشیدیم، هنگامی که شیعه و اهل سنت دست در دست هم دادند در مقابل اسرائیل غاصب جنایتکار ایستادند پیروز شدند، چرا ما این تجربه جنوب لبنان را در همه جا تکرار نکنیم، ما فراموش نمی‌کنیم لبنان در زمان جنگ داخلی به یک ویرانه تبدیل شده بود، شیعیان، اهل سنت و مسیحیان، همه با هم در حال جنگ بودند، اسرائیل هم مسلح بود اما وقتی که از اختلاف فاصله گرفتند و دست

به دست هم دادند، هم لبنان آباد شد و هم دشمن از لبنان بیرون رفت، (هل العلم التجربة) در طول تاریخ پر افتخار و پر از فراز و نشیب اسلام امثال این تجربه‌ها فراوان است و اما نکته دومی که در اینجا می‌خواستم خدمت شما عزیزان و سروران و متفکران جهان اسلام عرض کنم این است که سخن از فایده اتحاد گفتن از قبیل توضیح و اوضحات است فقط یادآوری (تذکر) آنچه که مهم است: تعریف اتحاد، ارکان اتحاد، عوامل اتحاد، موانع اتحاد، چه اموری اتحاد را قوی‌تر و بادوام‌تر می‌کند و چه اموری ضعیف و بی‌دوام می‌کند اینها مسائلی است که شما بزرگان علمای اسلام در باره آن بیندیشید، و حتماً اندیشیده‌اید، از میان این مسایل دو مسأله مختصر را من می‌خواستم خدمتان اشاره کنم و آن این است که در میان موانع اتحاد دو چیز مهم است که همه ما باید نسبت به آن حساسیت داشته باشیم: اول: یکی از موانع اتحاد به اتفاق کلمه، افکار تند و تعصب آمیز و افراطی گروهی از جاهلان نادان در درون ما است افرادی که اطلاعی از اسلام ندارند و تعصبات کور و کر خود را اسلام تصور می‌کنند آنها خودشان را گاهی بر علما تحمیل می‌کنند، علمای شجاع آگاه به مسائل مسلمین به مصداق **لا تأخذهم فی الله لومة لائم** و به مصداق: **من اصلح بینه و بین الله اصلح الله بینه و بین الناس بدون هیچ ملاحظه‌ای جلوی این تندروان می‌ایستند. همه ما این تندروان را داریم. باید آنها را ارشاد کنیم، راهنمایی کنیم، آنها خودشان را بر ما تحمیل نکنند، ما پیشرو باشیم دنباله رو آنها نباشیم، این یکی از مبادی وحدت است که در همه جاهست. و اما مانع دوم آنچه از بیرون و از طریق دشمنان بر ما تحمیل می‌شود که امروز زیاد و فراوان است. تا یکجا کشورهای اسلامی به هم نزدیک می‌شود مزدوران و عملای خود را به صحنه می‌فرستند برای ایجاد نفاق و اختلاف، مثال ساده‌ای عرض کنم بعد از آنکه انقلاب اسلامی به ثمر نشست و احکام اسلام در اینجا حاکمیت پیدا کرد و اسلام در مقابل کفر قد علم کرد، مزدوران بیگانه یا عوامل فریب خورده آنها در داخل و خارج شروع کردند بر ضد شیعه نوشتن، دوپست کتاب، بعضی از کتابها چندین جلد است و هزاران مقاله بر ضد شیعه و مکتب اهل بیت نوشتند، تا انقلاب اسلامی را از دنیای اسلام جدا کنند. کشور ما قبل از انقلاب با کمال تأسف اسرائیل را به رسمیت شناخته بود الان یکی از**

عزیزان در همین جلسه نامه‌ای از علامه بزرگوار شیخ شلتوت به دست من داد که خطاب به آیت الله بروجردی نوشته بود، ای عالم بزرگوار چرا در کشور شما صهیونیسم به رسمیت شناخته شده است؟ نفوذ شما، نفوذ ما باید دست به دست هم بدهد و جلوی این کارها را بگیرد. انقلاب آمد مساله حل شد، همه شما عزیزان می‌دانید پس از انقلاب اسلامی، ایران از کشورهایی است که در صف اول در مقابل اسرائیل ایستاده است.

بنابر این باید توطئه‌ها باشد تعجب نیست به شیعه و اهل سنت هیچ کدام رحم نمی‌کنند آیات شیطانی آنها نشان می‌دهد برای پیغمبر اکرم هم احترامی قایل نیستند آیات شیطانی را یک نفر نوشت اما تمامی غربی‌ها پشت سر همین یک نفر ایستادند چرا؟ برای اینکه ابهت اسلام را بریزند اگر دست به دست هم ندهیم بر هیچ کدام از ما رحم نخواهند کرد و همه را درهم می‌شکنند برادران و خواهران ما در اینجا نباید این مسأله را فراموش کنیم، مسلمین امکانات فراوان در اختیار دارند جمعیتی حدود یک میلیارد و دویست میلیون نفر باضافه مناطق سوق الجیشی قوی، به ضمیمه منابع زیرزمینی فراوان، به ضمیمه تاریخ و تمدن درخشان، همه اسباب پیشرفت در دست ما است اما فقط یک چیز لازم است وحدت و به هم پیوستگی دلها، من سخن بسیار دارم در اینجا عرایضم را کوتاه کنم، به سهم خودم از همه شما عزیزان، از علماء بزرگوار، از شخصیت‌های برجسته کشورهای اسلامی، مخصوصاً علمای کشور مصر صمیمانه تشکر می‌کنم، ایران و مصر دو قطب مهم در جهان اسلام‌اند نزدیک شدن اینها به هم برای دشمنان خوشایند نیست ولی ما به رغم دشمنان، باید گامهایی به سوی نزدیکی برداریم. علما بیایند و بروند. طلاب حوزه‌ها، دانشمندان، فضلا دانشجویان شخصیت‌های سیاسی اقتصادی دو کشور آمد و شد داشته باشند در سایه این تبادل‌ها انشاء الله الرحمن علامتهای وحدت صحت روز به روز قوی‌تر شود.

از همه برادرانی که دست‌اندرکار تشکیل این جلسه و این گونه جلسات بودند به سهم خود تشکر می‌کنم و به روح پاک عالم بزرگوار آیت الله العظمی بروجردی و شیخ شلتوت درود می‌فرستم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

# آیت الله بروجردی

(کنگره بزرگداشت آیت الله بروجردی و شیخ محمود شلتوت)

فاطمه حسین بخش رحیمی



## بسم الله الرحمن الرحيم

### مقدمه

یکی از زیباترین و والاترین واژه‌ها، واژه وحدت و برادری است، برادری و وحدتی که پیامبر رحمت در استمرار رسالت دیگر انبیاء عظام برای جوامع بشری به ارمغان آورد.

پیامبر اسلام (ص) مهاجرین و انصار را به میثاق اخوت و عقد برادری فراخواند و بدین سان گلبانگ وحدت برای نخستین بار، در فضای مدینه طنین افکند. و دل و جان قرون و اعصار را نوازش داد و عطر دل‌انگیز آن مسلمانان را مدهوش خویش ساخت.

سنگ زیرین بنای اتحاد و همبستگی اسلامی بنا نهاده شد و ارزشهای متعالی اسلامی و برادری و اتحاد، جایگزین ارزشهای پوچ و خیالی جاهلی گشت. پیامبر اسلام (ص) آیات شریفه «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» و «ان هذه امتکم امة واحدة وانا ربکم فاعبدون» جوامع اسلامی را به اعتصام بحبل الهی و پرهیز از تفرقه و تشکیل امت واحده در سایه عبودیت الله، دعوت کرد. مسلمانان در پرتو عمل به این دعوت و حرکت در طریق، وحدت، متحد شدند و بر دشمنان چیره گشتند و دیری نپایید که شاهد فتح و پیروزی را در آغوش کشیدند.

در مقابل نیز هرگاه بیراهه تفرقه و پراکندگی را در پیش گرفتند، به سستی و شکست گرفتار آمدند. پس از پیامبر(ص) نیز بزرگان اسلام و ائمه اهل البیت(ع) این دعوت را تداوم بخشیدند. و مسلمانان را به اتحاد و همبستگی فراخواندند. هرچند جوامع مسلمان به دلایل گوناگون نتوانستند از عهده پاسخگویی عملی شایسته این دعوتها برآیند و اسلام در عینیت جامعه به ضعف و سستی گرائید.

حیات برتر انسانها، در گرو اندیشه و دانش و ایمان و اخلاق است. فرزندگانی که در طول زندگی، مشعلی از دانش فرا راه انسانها افروخته‌اند، حق عظیمی بر بشریت دارند و حق سپاس و قدردانی بر ما دارند.

اگر بتوانیم قدرشناس و حق‌گذار آنان باشیم گامی کوچک در راه ادای تکلیف انسانی و اسلامی برداشته‌ایم. و با جاودانه ساختن نام و یاد آنان خدمتی به فرهنگ و دانش بشری و احترامی به قلّه‌های رفیع ایمان و معنویت کرده‌ایم.

تکریم و بزرگداشت عالمان و به جاودانگی سپردن سیره و فکر و روش آنان راه‌های گوناگون دارد. یکی از بهترین آنها، بیان و نشر مکارم اخلاق، فضایل انسانی، همت، بلند و تحمل تلخی‌ها و سختی‌ها در راه کسب دانش، خدمت به مردم، نشر علوم الهی و از خودگذشتگی‌ها و زنده نگهداشتن یاد و خاطره آنان است.

همواره در حوزه‌های علمیه، شخصیت‌های برجسته‌ای یافت می‌شوند که می‌توان ادعا کرد نظایر آنان در هیچ جای دنیا یافت نمی‌شود. اگر نظیری برای آنان متصور باشد تنها باید در حوزه‌های علمیه، از آنان سراغ گرفت. و این مکتب جوشان انسان‌ساز امام صادق(ع) را بر تربیت این همه فرهیختگان گرانمایه ستود. پس از چندی، بحث‌های علمی و تحقیقی عالمان و متفکران اسلامی از



محدوده حوزه‌های درسی به عرصه تحولات سیاسی و میدان قضاوت‌های عجولانه مردم عادی گام نهاد و تنزل کرد، و دشمنان که در اندیشه براندازی اصل اسلام بودند، آراء مذاهب اسلامی را به عنوان اختلاف و تشتت و تفرقه مسلمانان در اصول اساسی اسلام معرفی کرده و با ایجاد تفرقه و پراکندگی به ستیز با اتحاد و همبستگی پرداختند.

اما عالمان و مرزبانان راستین حریم دین در اندیشه نزدیک کردن آراء و نظرات مذاهب اسلامی برآمدند و تمسک به مشترکات مذاهب را نصب‌العین خویش قرار دادند و این حرکت با فراز و نشیب فراوان ادامه یافت.

انقلاب شکوهمند ایران به رهبری امام خمینی (ره) زمینه گسترش اندیشه تقریب و وحدت سیاسی جهان اسلام را پیش از پیش فراهم ساخت و رهنمودهای امام راحل (قدس سره) در تأکید بر حفظ همبستگی و اتحاد و عمل مردم ایران نمونه عملی و الگوی شایسته‌ای به جهانیان عرضه کرد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز با فرمان تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بر استمرار عملی این راه تأکید کرده و یکی از مهمترین آرمان‌های انقلاب را تحقق بخشیدند.

و این رساله نیز حاصل کوشش‌های بی‌دریغ مرکز تقریب مذاهب اسلامی است و نشان‌دهنده شخصیت عظیم و گران قدر یکی از منادیان تقریب مذاهب اسلامی، حضرت آیت‌الله بروجردی می‌باشد.

رساله فوق شامل ۶ فصل به قرار زیر می‌باشد:

۱- حیات و شخصیت آیت‌الله بروجردی

۲- آیت‌الله بروجردی «ولادت تا اجتهاد»

- ۳- بروجردی، حوزه، انقلاب اسلامی ایران.
- ۴- مزایا و خصایص اخلاقی آیت الله بروجردی
- ۵- شیوه علمی آیت الله بروجردی در فقه و اصول و حدیث و رجال
- ۶- آیت الله بروجردی و تقریب مذاهب اسلامی.
- امید است که این رساله در تنویر افکار مؤثر افتد و اگر خطایی و یا اشتباهی در آن می باشد بنده حقیر را ارشاد نموده و عذر بنده را پذیرا باشید.
- رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا، رَبَّنَا  
أَنْتَ رَؤُوفٌ الرَّحِيمِ

و من الله التوفيق

فاطمه حسین بخش رحیمی

پانیز/۷۹

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين واصلوه والسلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم مصطفى  
محمد (صلى الله عليه و آله) و آله الطيبين الطاهرين.

### فصل اول: حیات و شخصیت آیت الله العظمی بروجردی

کند و کاو در زندگی بروجردی صرفاً دیروزی نیست؛ بلکه امروزی و فردایی نیز هست. پرداختن به زندگی این متفکر و فقیه بزرگ، شاید بتواند، مدد اندکی برای برخی از حقیقت پژوهان نسل نو باشد.

نسل نو، برای پیمودن راههای پر فراز و نشیب و زدودن رادعها و عایقها، نیاز

شدید به گذشته پرتجربه دارد.

گذشتگان افت و خیز داشته‌اند، گه بر فراز بوده‌اند و گه بر فرود. نسل نو، اگر آهنگ آن دارد که همه گاه بر فراز باشد، باید عوامل فراز و فرود را، موشکافانه، بشناسد، و دستورالعمل زندگی پرمخاطره خویش سازد. کدام ملت و کدام آئین را سراغ دارید که بی‌پویش و حرکت، جان گرفته باشد و در کاوران بی‌ترحم زندگی در حرکت!

اسلام و امت پیرو هم، بر همین نستنی است، تافته جدا بافته نیست. سببانی را ماند که آن به آن، باید بر آن، آب تازه فشاند تا نپژمرد و عطر و عبیرش زایل نشود.

اسلام آئین جاودانه است و برای همیشه تاریخ، برنامه دارد؛ اما چگونه؟ عصر، عصر تکنیک است و صنعت و آن به آن، جهان در حال دگرگونی - باید با کدام اندیشه به اسلام مراجعه کرد و دستورات و فرامین آن را به بشر این عصر عرضه کرد؟

با اندیشه قرن حجر؟

یا اینکه باید با اندیشه امروز به آن مراجعه کرد؟

اسلام کهنه نمی‌شود. اندیشه و تفکر مراجعه‌کنندگان به آن چگونه؟ آیا یک فکر بدوی و عقب مانده همان برداشت را از اسلام دارد که یک فکر مترقی و آشنای به دانشهای روز؟

فقیهی که امروز چیزی جز سخن از گذشته ندارد که عرضه کند و دست نیاز به گذشتگان، گرچه موفق در عصر خود، دراز کرده است و درمان درد پیکر رنجور و بی‌تپش کنونی جامعه را، که منتظر طبیعی حاذق و آشنای به درد

امروزین اوست، از آنان می‌طلبد، چگونه توقع دارد زمانه او را پذیرا باشد و در صدد نشانندش!

زمانه بنا ندارد که با فقیهان نسازد و رام آنان نشود، بلکه دستها خالی است و در برابر زمانهٔ چموش و سرکش، ابزار و افزار رام‌کننده نیست؛ از این روی زمان، در کف اختیار آنان نخواهد بود.

بله! اسلام جاودانه است و دارای ارزشها و اصول ثابت، اما بی‌شک با اندک تدبیر در کتاب و سنت و برنامه‌های زمان پیامبر(ص) و علی(ع) بدست خواهیم آورد که: برای ادارهٔ زندگی مردمان هر دوره‌ای، مناسب آن دوره قوانین و برنامه‌های خاصی وجود دارد و با یک چوب نمی‌شود، هم عصر شتر را راند و هم عصر ماشین را.

ما نیز زندگی بزرگان را به بررسی می‌نشینیم و برای راه پر از سنگلاخ خود از آن الگو می‌گیریم. از جمله این بزرگان آیت‌الله بروجردی است. جامعه اسلامی به بروجردی نیاز داشت. بروجردی خود را به وسیلهٔ اعوان و انصار و مریدان و اطرافیان حرفه‌ای و ناآگاه، بر جامعه تحمیل نکرد. رساله به اطراف و اکناف نفرستاد.

قدسیان از عیسای زمان سخن گفتند و چهرهٔ او را برای مردمان زجر کشیده، تازیانهٔ استبداد را چشیده و زیر بار تحقیر فرومانده ترسیم کردند.

روحانیون در قعر غربت می‌زیستند همه جا پر بود از کنایه و سرزنش.

زمام اختیار از دستها به در رفته بود. زمام در اختیار باد بود. زندگی نکبت‌بار بود و غم افزا.

آنان که اندک غیرتی داشتند، مرگ را به مراتب گواراتر می‌دیدند از آن زندگی

ذلت‌بار.

عرصه بر روحانیون، یعنی فریادگران بیداری، تنگ شده بود. در کوی و برزن، حیثیت آنان در امان نبود. در سفر و حضر تحقیر بود که بر آنان یورش می‌برد. اسیرانی بودند وامانده از سپاه شکست خورده. مشروعه‌خواهان بر دار بودند و مشروطه‌خواهان در عزلت غمین.

همه جا سیاهی بود و سایه سنگین دیو استبداد.

اینجا بود که قدسیان زجر کشیده و زخم دیده بر آن شدند که بروجردی را که از هر حیث، شایستگی نجات این کشتی گرفتار در چنگ طوفان را داشت، براریکه تدریس بنشانند و جامه زعامت حوزه و مسلمین را بر قامتش بپوشانند. بروجردی سریع درخشید. بزرگان در درس او شرکت کردند. طلاب، چون پروانه بر گردش جمع شدند. آواز شهرتش همه جا را گرفت، از مرزها گذشت. قم جان گرفت و به خود تکانی داد و غبار از تن زدود. مردمان، از این شهر و دیگر دیار، برای دیدار و عرض ادب، به قم کوچیدند. طلاب، تشویق شدند و دست به کار تبلیغ و تتبع و تحقیق.

همه جا را عطر اسلام فراگرفت. نسیم دل‌انگیز این عطر حیات‌بخش، از مرزها گذشت: پاکستان، عربستان، مصر، عراق، حتی آلمان و آمریکا! حوزه‌ها عزت یافتند. بزرگان اهل اسلام، در حوزه اهل تسنن، بر نوشته زعیم حوزه بوسه زدند. علامه محمد تقی قمی می‌گوید:

«هرگاه نامه آیت‌الله بروجردی، را برای شیخ عبدالمجید سلیم، رئیس جامع‌الازهر، می‌بردم، ایشان بلند می‌شدند و نامه را می‌گرفتند و می‌بوسیدند، آنگاه می‌نشستند.» روحانیون، در دورترین نقطه جهان معزز شدند. همه جا احترام

و قدرشناسی بود که نثار آنان می‌شد. بروجردی، توان خود را برای ناخدایی این کشتی، از زوایای گوناگون، به اثبات رساند. گرچه دانش او هم بسان دیگر دانشوران، سقف داشت؛ اما سقفی بس بلند.

خود گفته بود:

«پا به عرصه هر دانشی که گذاشتم تا صاحب نظر در آن دانش نشدم، پا برون نگذاشتم. از اوان طلبگی بر کتابهایی که فرا می‌گرفتم حاشیه می‌زدم و اکنون از آن حاشیه‌ها بهره می‌برم.»

### نیاکان و اجداد آیت الله العظمی بروجردی

خاندان طباطبائی از دیرزمان در اکثر بلاد اسلامی و بالخصوص در ایران و عراق شهرت فراوان داشته و در میان آنها علما، بزرگان، دانشمندان نامی، ادیبان و شاعران بوده و نسل تمام آنها به امام حسن مجتبی علیه السلام می‌رسد.

نسل امام حسن علیه السلام از دوفرزندش بنام زید و حسن مثنی می‌باشد. و حسن مثنی داماد عموی خود (امام حسین علیه السلام) است. وی در واقعه کربلا مجروح گردید. او را در میان کشته‌ها گذاشتند و به هنگام جداکردن سرها متوجه شدند که وی زنده است. یکی از بستگان که از اهالی کوفه بود- او را که به کوفه برد و مداوا کرد و صحت و سلامتی به ایشان برگشت.

حسن مثنی فرزندان فراوان دارد و نسل وی از پنج فرزندش بنام عبدالله محض، ابراهیم غمر، حسن مثلث، جعفر و داوود می‌باشد. نسل ابراهیم غمر از فرزندش اسماعیل دیباج است و این نسلش از دو فرزندش بنام حسن و ابراهیم طبا است و تمام خاندانهای طباطبائی که در اطراف و اکناف جهان وجود دارند به

همین ابراهیم طباطبا می‌رسند. علمای انساب در کتب انساب و مشجرات به تفصیل نام‌های آنها را ذکر کرده‌اند.<sup>(۱)</sup>

نیاکان این خاندان پس از شکنجه و زندان از ظلم منصور عباسی به اصفهان مهاجرت کردند و در طول تاریخ از این خاندان علما، شعرا و بزرگانی در اصفهان وجود داشته است.

یکی از آنها مرحوم سید محمد بن عبدالکریم طباطبائی است. وی نسل بسیار پربرکتی دارد و از سه فرزندش نسل دارد. یکی از آنان سید مرتضی پدر بزرگوار علامه سید مهدی بحر العلوم است. و سید جواد جد مرحوم آیت الله العظمی بروجردی «قدس سره» است.<sup>(۲)</sup>

آیت الله العظمی بروجردی از سادات جلیل القدر «طباطبائی» بروجرد است و با سی واسطه به دومین پیشوای شیعیان حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام فرزند ارشد امیرمؤمنان علیه السلام و نوه بزرگ پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌پیوندد؛ بدین شرح:

حاج آقا حسین بن سید علی بن سید احمد بن سید علینقی بن سید جواد بن سید مرتضی بن سید محمد بن سید عبدالکریم بن مراد بن شاه اسدالله بن جلال الدین امیرین حسن بن مجدالدین بن قوام الدین بن اسماعیل بن عباد بن ابوالمکارم بن عباد بن ابوالمجد بن عباد بن علی بن حمزه بن طاهر بن علی بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد بن ابراهیم ملقب به طباطبائی بن اسماعیل دیباج بن ابراهیم عمر بن حسن مثنی بن امام حسن مجتبی بن علی ابن ابیطالب

(۱) سید مهدی رجائی.

(۲) شکوه قفاهت، به نقل از سید مهدی رجائی، ص ۱۲۷.

عليهما السلام.<sup>(۱)</sup>

آیت الله بروجردی گذشته از شخصیت علمی و دینی و موقعیت بسیار ممتازی که داشت از جانب پدران خود که داشت از جانب پدران خود و همچنین از طرف نیاکان مادری وارث مرجعیت و ریاست دینی می باشد؛ به این معنی که از چند قرن به این طرف همواره مرجعیت شیعه از خاندان پدری و مادری ایشان بیرون نرفته است.

سید محمد طباطبائی بروجردی جلد پنجم آیت الله بروجردی دخترزاده علامه مجلسی اول، و سید مهدی بحر العلوم عموی جد دوم آن مرحوم و سید جواد طباطبائی جد سوم وی، و حاج میرزا محمود بروجردی عموی جد نخست او همه از مراجع تقلید و پیشوایان مردم و فقها و دانشمندان بلند پایه عصر بوده اند. از طرفی سید محمد بروجردی نامبرده داماد میرابوطالب پسر ابوالمعالی کبیر، تنها داماد فقیه مشهور «ملا صالح مازندرانی» است که او نیز داماد علامه بزرگوار «ملا محمد تقی مجلسی» می باشد. در حقیقت سید محمد بروجردی شوهر دختر خاله خود بوده است.

به علاوه همسر میرابوطالب مذکور نیز دختر ملا عبدالله پسر دوم مجلسی اول و برادر علامه مجلسی دوم مؤلف کتاب بزرگ «بحار الانوار» است. بدین گونه خاندان آیت الله بروجردی از سه سوی به علامه مجلسی اول نسبت می رسانند و نواده دختری وی می باشند. و لذا دانشمندان این دودمان مانند علامه بحر العلوم و حاج میرزا محمود بروجردی و خود مرحوم آیت الله بروجردی از مجلسی اول به جد و از مجلسی دوم مؤلف «بحار الانوار» به خال (دائی) تعبیر می کنند.

(۱) علی دوانی، زندگانی آیت الله بروجردی ص ۷۲.



به طور خلاصه پدران و نیاکان و بستگان پدری و مادری آیت الله بروجردی اغلب از دانشمندان و فقهای شیعه و گروهی از آنان مراجع بزرگ عصر خود بوده‌اند. از این روست که باید گفت در حقیقت آیت الله بروجردی زعامت و مرجعیت در عالم تشیع را به ارث برده است.<sup>(۱)</sup>

استاد فقید علامه شیخ آقابزرگ تهرانی که خود استاد اجازه مرحوم آیت الله بروجردی است، در کتاب گرانقدر «اعلام الشیعه» ضمن شرح حال آیت الله العظمی بروجردی می‌نویسند: «خاندان وی، از خاندانهای بزرگ علمی است، و جایگاه والائی دارد، پدر وجد و عموی پدرشان، جد پدر، و جدجد و نیاکان او تا سید عبدالکریم همه از بزرگان و مشاهیر علمای عصر خود بوده‌اند، و آثار مهمی از خود باقی گذارده‌اند و بعضی از آنها منشاء حرکت علمی می‌باشند».<sup>(۲)</sup>

### پدر بزرگوار آیت الله بروجردی

سیدعلی کوچکتترین اولاد میرزااحمد، فاضلی متقی و موجه بود. در حدود سال ۱۲۵۲ متولد و در چهارم محرم الحرام سال ۱۳۲۹ وفات یافت. او پدر سید ابراهیم است که در زمان حیات پدرش به سن هیجده سالگی بلاعقب درگذشت. سید علی قدس سره این بنده حقیر فقیر، و سیداسماعیل و سیدمحمد و سیدمحمد تقی و دو دختر از خود باقی گذارد.<sup>(۳)</sup>

(۱) علی دوانی، زندگانی آیت الله العظمی بروجردی، ص ۷۲.

(۲) اعلام الشیعه، ج ۲، ص ۶۰۵.

(۳) بنابراین سلسله نسب آیت الله فقید تا سیدمحمد طباطبائی بروجردی چنین است:

سیدحسین بن سیدعلی بن سیداحمدبن سیدعلی تقی بن سیدجوادبن سیدمرتضی بن محمد بن طباطبائی اصفهانی بروجردی.

یکی از دخترها همسر سیدفخرالدین، و مادر اولاد اوست<sup>(۱)</sup> و دیگری همسر سیدعلی اصغر پسر سید عبدالواحد است که مادر اولاد او نیز هست. سیداسماعیل در مشهد رضوی وفات یافت و دارای دوپسر است. سیدمحمد هم از دنیا رفت و دارای دوپسر و دودختر است. سیدمحمد تقی نیز یک پسر و سه دختر دارد. اما کمترین بندگان خداوند: حسین<sup>(۲)</sup> سه دختر داشتم که دوتای آنها در خردسالی درگذشتند سوومی هم در جوانی بدرود حیات گفت و نسلش منقرض شد. رحمهاالله تعالی.

دوپسر هم در صغرسن درگذشتند. و هم اکنون من دارای دوپسر به نامهای محمدحسن و احمد و دو دختر می باشم.<sup>(۳)</sup> خدا آنها را حفظ کند، و از علماء عاملین قرار دهد و پایان کار من و آنها را ختم به خیر و خوبی گرداند.

(۱) مادر آقایان سیدشمس الدین و سیدجعفر.

(۲) منظور خود آیت الله فقید است که خود را «احقرالعباده» دانسته اند و در ایام مرجعیت خویش معروف بودند به حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی.

(۳) پسران آیت الله فقید آقا سیداحمد که کوچکتر بود در جوانی بدرود حیات گفت و آقا سیدمحمد حسن در میان سال به جهان باقی شتافت. و دو دختر ایشان در قید حیات هستند. و صاحب اولاد می باشند.

## فصل دوم:

## آیت الله بروجردی «ولادت تا اجتهاد»

آیت الله العظمی آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی «قدس سره» در ماه صفر سال ۱۲۹۲ هجری قمری در شهر تاریخی بروجرد واقع در استان غربی ایران دیده به دنیا گشود. از همان ایام کودکی مورد مهر و علاقه سرشار پدر دانشمندش بود، و در سایه توجهات او رشد نمود.<sup>(۱)</sup>

پدر در تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش او جهد کافی و سعی بلیغ مبذول می داشت. به همین جهت چون فرزند عزیزش هفت ساله شد، او را به مکتب فرستاد تا نزد معلم به تحصیل اشتغال ورزد.

معلم نیز که آن کودک پاک سرشت و اصالت خانوادگی و نجابت ذاتی او را به خوبی می شناخت در تعلیم وی بیش از حد معمول می کوشید نخستین سرمشقی که معلم به وی داد این بود: «هزار و دویست و نودونه». شاگرد تازه وارد تیزهوش از معلم پرسید: این سرمشق چیست؟ معلم گفت: این امسال است.<sup>(۲)</sup>

(۱) علی دوانی، زندگانی آیت الله بروجردی، ص ۹۳.

(۲) مرحوم آیت الله بروجردی در حالی که تبسم بر لب داشت به نویسنده فرمود: از معلم مکتب پرسیدم این چه سرمشقی است؟ گفت ۱۲۹۲ سال است و افزودند که این خود دلیل بود که تولد من ۱۲۹۲ است چون پدرم درست در هفت سالگی منرا به مکتب فرستاد.

کتاب جامع المقدمات و نصف کتاب «سیوطی» را که مشتمل بر علم صرف و نحو و قسمتی از منطق است، در مکتب نزد همان معلم دلسوز به خوبی آموخت، و در میان شاگردان امتیاز مخصوصی پیدا کرد، به طوری که ذکاوت و تیزهوشی و متانت وی زبانزد خرد و کلان بود.

چون پدرش پیشرفت سریع او را در امر تحصیل دریافت، در مدرسه علمیه نوربخش که از بنای جد مادری فرزندش (آیت الله بروجردی) بود و به نام او «نوربخش» خوانده می شد، اتاقی به وی اختصاص داد و همان معلم را که مرد دانشمند مهربانی بود به مدرسه آورد و مخارج او را به عهده گرفت تا بقیه علوم مقدماتی را به وی بیاموزد.

بدین گونه علوم مقدماتی یعنی: صرف، نحو، منطق، معانی، بیان، بدیع، و سطح فقه و اصول را نزد پدر دانشمندش و دیگر اساتید آن روز بروجرد آموخت، آنگاه در سن هیجده سالگی یعنی سال ۱۳۱۰ هجری به اصفهان که در آن روزگار حوزه علمی گرمی داشت رهسپار گردید.

در آن تاریخ وی در سایه استعداد قوی و شوق زیادی که به تحصیل داشت، به اصطلاح دانشجویان علوم دینی مقدمات و سطح را تا کتاب «ریاض المسائل» که از کتب مهم فقهی است، فراگرفته بود.

پس از فرود به اصفهان مدت چهارسال با جدیت و پشتکار مخصوص به خود در مدرسه صدر اصفهان، سرگرم تکمیل معلومات خود و کسب فیض از محضر استادان بزرگ فن شد، او از این فرصت و موقعیت استفاده ها کرد و از خرمن دانش آنان خوشه ها چید، و بر معلومات خویش افزود.

در سال ۱۳۱۴ که بیست و دو بهار عمر را پشت سر می گذاشت، پدرش

نامه‌ای به وی نوشت و او را به بروجرد احضار کرد. او گمان کرد پدرش می‌خواهد او را برای ادامه تحصیل به نجف اشرف که بزرگترین حوزه علمیه شیعه بود، بفرستد. ولی پس از ورود و دیدار پدر و بستگانش، مشاهده می‌کند که بعکس انتظار وی، مقدمات ازدواج و تأهلش را فراهم کرده‌اند.

او از این پیش‌آمد اندوهگین می‌شود، و چون پدرش متوجه می‌گردد و علت اندوه و تأثر را می‌پرسد و می‌گوید: من با خاطر آسوده و جدیت بسیار سرگرم کسب علم بودم، ولی اکنون بیم آن دارم که تأهل میان من و مقصدم حائل گردد و مرا از تعقیب مقصود و نیل به هدف باز دارد.

پدر به وی می‌گوید: اگر به دستور پدر رفتار کنی امید است که خداوند به تو توفیق دهد تا بتوانی به ترقیات مهمی که در نظر داری نائل شوی. احتمال این را هم بده که اگر ترتیب اثر به این آرزوی پدر ندهی، با همه جدیتی که در تحصیل داری، به جانی نرسی!

گفته پدر در وی تأثیر نمود و او را از تردید بیرون آورد و سرانجام پس از ازدواج به اصفهان برگشت و مدت پنج سال به تحصیل مشغول شد.<sup>(۱)</sup> در این دوسفر که جمعاً نه سال می‌شد، علوم فقه و اصول و فلسفه و ریاضی را از محضر فقها و حکمای نامی آن عصر همچون مرحوم میرزا ابوالمعالی کلباسی، سید محمد تقی مدرس، سید محمد باقر درچه‌ای، ملا محمد کاشانی و جهانگیر خان قشقانی حکیم مشهور تکمیل نمود و شخصاً نیز حوزه درسی تشکیل داد و به تدریس فقه و اصول و دیگر علوم می‌پردازد و در مدتی که در اصفهان بودند موفق شدند از اول قرآن تا آخر سوره برات را حفظ نمایند.

(۱) علی دوانی، زندگانی آیت الله بروجردی، ص ۹۵.

در سال ۱۳۱۹ مجدداً پدر وی را به بروجرد احضار کرد ولی این بار می‌گوید قصد دارم تو را به نجف اشرف بفرستم. دانشمند جوان هم با اشتیاق زایدالوصفی بار سفر بسته اصفهان را به قصد بروجرد ترک گفت.<sup>(۱)</sup>

بعد از ورود به بروجرد پدر وی را عازم نجف اشرف گردانید. آیت‌الله بروجردی در آن موقع که بیست و هفت سال داشته، مجتهد مسلم بوده و همه او را به نبوغ و احاطه در فقه و اصول و حکمت می‌ستودند، به طوری که از افاضل دانشمندان به شمار می‌آمد.

پس از آنکه وارد نجف اشرف می‌شود برای تکمیل فقه و اصول و تحکیم پایه اجتهاد، به حوزه درس مرحوم آیت‌الله آخوند ملامحمد کاظم خراسانی مصنف کتاب مشهور کفایه‌الاصول درآمده و نه سال تمام از محضر پرفیض آن فقیه بزرگ و علامه نامی مستفید می‌گردد. در این مدت در خدمت آیت‌الله شریعت اصفهانی (شیخ الشریعه) نیز که از مفاخر مجتهدین آن روز نجف بود، به تحصیل و تکمیل علوم فقه و رجال می‌پردازد.

و در همان نجف اشرف تألیفاتی از خود برجای می‌گذارد. آیت‌الله بروجردی پس از ۹ سال در حالی که از محضر استادانش آقایان آیت‌الله خراسانی و آیت‌الله شریعت اصفهانی به دریافت اجازه اجتهاد نائل گردیده بود، به طور موقت به دیدار پدر و فامیل آمد و شش ماه پس از آمدن ایشان به وطن پدر بزرگوارش بدرود حیات گفت و فرزند برومند و فقیه خویش را داغدار نمود.

و این داغ عظیم و اینکه سرپرست یک خواهر و برادر صغیر بود وی از برگشت به نجف اشرف بازداشت و بعد از فوت پدر، چند ماه بعد سال ۱۳۲۹

(۱) همان منبع، ص ۹۶.

آیت الله خراسانی استاد عظیم الشان که سخت به وی دل بسته بود و او را پدری مهربان و دلسوز می دانست؛ جهان فانی را وداع می گوید و بسر داغ آیت الله فقیه می افزاید.

ایشان در حدود سی سال در بروجرد ماندند و بعد عازم قم شدند. در آن سی سال مشغول تدریس بودند و در اوقات فراغت مشغول تألیف و تصنیف کتابهایی در فقه و اصول و رجال و حدیث بودند و تعداد قابل ملاحظه ای کتاب سودمند که هم اکنون از آن پیشوای عالیقدر بر جای مانده است یادگار آن زمان است.<sup>(۱)</sup> در اواخر سال ۱۳۶۳ هجری آیت الله فقیه به واسطه بیماری فتق که بدان مبتلا بودند از بروجرد به تهران مسافرت نموده و در بیمارستان فیروزآبادی واقع در شهری بستی شده، بیش از دو ماه تحت معالجه قرار گرفتند. و وقتی به شهر قم می رسید، در حال بیهوشی به سر می بردند و وقتی چراغهای شهر قم را می بینند به هوش آمده می پرسند اینجا کجاست؟ و در تهران نذر می کنند که اگر بهبود حاصل شد بقیه عمر را در کنار مرقد منور حضرت فاطمه معصومه (ع) دخت امام هفتم بسر برند. دعوتهای زیادی از ایشان از جانب مراجع تقلید قم به عمل می آید که در میان این علما از همه مشهورتر و سرشناس تر آیت الله العظمی روح الله موسوی خمینی بودند که بیش از دیگران در آوردن آیت الله فقیه اصرار می ورزیدند.<sup>(۲)</sup>

آیت الله بروجردی سرانجام در روز ۱۴ محرم سال ۱۳۶۴ مطابق ۹ دی ماه ۱۳۲۳ که مصادف با فصل زمستان بود در میان استقبال پرشور و زایدالوصف

(۱) علی دوانی، زندگانی زعیم عالیقدر آیت الله بروجردی، ص ۱۰۳.

(۲) همان منبع، ص ۱۰۶.

صدها تن از علمای اعلام و دانشمندان بزرگ و محصلین و مدرسین عالیمقام حوزه علمیه قم، که با جمعیت کثیری از تجار و کسبه و سایر اهالی قم که در نقاط بین راه تهران و قم به پیشواز آمده بودند، رهسپار قم شدند. و در منزل آقای حاج آقا محمدآزاده از سرشناسان قم، اقامت گزیدند.<sup>(۱)</sup> و ایشان ۱۶ سال در آن جا سکنی گزیدند و شهر قم را منور ساختند و در همین شهر نیز بدرود حیات گفتند.

آیت الله بروجردی بعد از ورود به قم شروع به تدریس فقه و اصول نمود. صبحها در مسجد عشقعلی فقه و عصرها در مدرسه فیضیه اصول درس می گفت؛ لیکن اصول ایشان بیش از شش سال دوام نداشت، و به واسطه گرفتاری و نداشتن وقت کافی اصول را ترک کرد، ولی تدریس فقه را تا پایان عمرها نکردند، و با اصرار و ابرام فوق العاده و بیش از حد توانائی در سرما و گرما آن را ترک نگفت.

و بعد از فوت بعضی از آیات عظام ریاست دینی و مرجعیت دینی برعهده آیت الله بروجردی قرار گرفت. و مرجعیت عامه ایشان در سال ۱۳۳۶ محرز و حوزه علمیه قم رونق کامل گرفت. و با توجهات مخصوص و روزافزون آن رهبر عالیقدر روز به روز بر اهمیت و اثرات عمیق آن افزوده شد. به طوری که در زمانی اندک راه صدساله پیمود.

(۱) همان منبع، ص ۱۰۷.



## فصل سوم:

### بروجردی، حوزه، انقلاب اسلامی ایران

امام خمینی رحمه الله علیه کم کم پیشنهاد اصلاحات حوزه علمیه قم را به آیت الله بروجردی رساندند و به فرمان آیت الله بروجردی، امام، مرحوم حاج آقا عبدالله آل آقا را، برای ریاست مدرسه فیضیه و سرپرستی حوزه معرفی کردند. آن روزها در حوزه می گفتند حاج آقا روح الله خمینی برای دگرگونی و تحول در برنامه های درسی حوزه فرمانی از آیت الله بروجردی گرفته است. و قرار است حاج میرزا عبدالحسین صاحب الداری بروجردی، رئیس مدرسه فیضیه و تقریباً سرپرست حوزه که پیرمردی با فکر و اندیشه قدیمی، بود و نسبت به مسائل و اوضاع روز آگاه نبود، کنار برود و ریاست حوزه بناست به حاج آقا عبدالله آل آقا که مورد توجه مرحوم آیت الله بروجردی و از دودمان استاد کل وحید بهبهانی بود و دوست صمیمی حاج آقا روح الله خمینی محسوب می شد سرپرست حوزه شود و زیر نظر آقای خمینی اصلاحات اساسی را در حوزه انجام بدهد.

بعضی از اطرافیان مرحوم آیت الله بروجردی آدمهای مناسبی نبودند و کارشکنی می کردند. بعضی هم از لحاظ علمی سطح بالایی نداشتند. امثال این افراد ذهن مرحوم آیت الله بروجردی را مشوب می کردند.

آنها می گفتند که حرکت آنها (حضرت امام و رفقای ایشان) مشکوک است. معلوم نیست حاج آقا روح الله خمینی (ره) نظرش چیست؟ و می خواهند چکار کنند!

در همین زمان، زمزمه‌ای پیچید که شاه می‌خواهد برای کسب قدرت بیشتر، مجلس مؤسسان تشکیل دهد. و اختیاراتی بگیرد. ضمناً می‌گفتند که می‌خواهند عنوان «مذهب اسلام» را در قانون اساسی تغییر دهند و راه برای به رسمیت شناختن فرقه ضالّه «بهائیت» باز شود.

اخبار وحشتناکی می‌رسید. همین امر موجب شد که امام خمینی (ره) از طرف آیت‌الله بروجردی مأمور شود که جلسه‌ای تشکیل دهند و به این امور رسیدگی کنند. به سفارش خود آقای بروجردی، امام نامه‌ای به ایشان نوشتند تا آقا جواب دهند و وضع روشن شود. از طریق مرحوم آیت‌الله بهبهانی خبر به شاه رسید. پس از آن به مرحوم بروجردی اطمینان دادند که در مجلس مؤسسان خبر حق انحلال مجلسین و بعضی از کارهای ارتش، اختیارات دیگری به شاه داده نمی‌شود و مسئله مذهب که موجب ناراحتی و نگرانی شده است، مطرح نیست. با بروز این واقعه امام مطرح شدند و از انزوا درآمدند.

به آیت‌الله بروجردی اطلاع دادند که شاه به تبعیت از سیاست آمریکا و تا حدی انگلیس، می‌خواهد پنهانی، کارهایی انجام دهد، مثل اصلاحات ارضی و دادن آزادی بی‌بندوباری به زنان و این که زمینهای مردم را به زور بگیرند و به این و آن بدهند و کارهایی که برحسب ظاهر، خلاف شرع است.

مرحوم آیت‌الله بروجردی، شاید دوباره به توصیه امام خمینی، نامه‌ای برای شاه نوشتند و به وسیله مرحوم آیت‌الله بهبهانی برای او فرستادند و خواستند که شاه رسماً بگوید چه نقشه‌های پنهانی دارد و می‌خواهد چه بکند. شاه در جواب نامه گفته بود: «به آقا بگوئید این کارها را عبدالناصر هم در مصر انجام داده است. آنجا علمای اهل تسنن حرفی نمی‌زنند، ولی ما که هنوز کاری نکرده‌ایم، آقا

ناراحت شده‌اند.»

مرحوم آیت‌الله بروجردی پیغام داده بودند که به شاه بگویند: در آنجا اول رژیم سلطنتی برچیده شد و بعد دست به این کارها زدند! که جواب دندان‌شکنی بود.

این واقعه هم با عقب‌نشینی شاه پایان یافت. شاه احساس کرده بود که قدرت آیت‌الله بروجردی به قدری زیاد است که اگر افشا شود که آنهاچه می‌خواهند بکنند، ممکن است ایشان عکس‌العملی نشان دهند و آن کارها عملی نشود.<sup>(۱)</sup> با این حال، کم و بیش دانسته می‌شد که کارهای خلافی انجام می‌شود. بهائیه‌ها فعالیت زیادی داشتند. طبیب مخصوص شاه، دکتر عبدالکریم ایادی، نیز بهایی بود. همین مسائل موجب شد که مرحوم آیت‌الله بروجردی به وسیله صدالاشرف یا قائم مقام و مرحوم بهبهانی به شاه پیغام دهند که: «رسماً حزب بهایی را غیرقانونی اعلام کنید و آنها را از پستهای حساس مملکتی حذف کنید که من احساس خطر می‌کنم، نامه‌ها و تلگرافهای زیادی آمده است که اینها جزو ارکان مملکت هستند و در همه جا رخنه کرده‌اند.»

در ماه رمضان همان سال، آقای فلسفی بالای منبر رفته و سخنانی در این زمینه ایراد نمودند. ایشان عنوان کردند که فرقه بهائیت چنین و چنان‌اند. و از طرف آنها احساس خطر می‌شود. آنها وابسته به بیگانگان هستند. ستون پنجم بیگانه هستند. آقای بروجردی مرجع بزرگ عالم تشیع از مقامات کشوری خواسته‌اند و من اینک اعلام می‌کنم که اینان باید محدود شوند. بعضی‌ها برای شاه نامه نوشتند که بعضی‌ها و یا عده‌ای بنام فرقه بهایی آزادی و امنیت ندارند.

(۱) علی دوانی، خاطرات ۱۵ خرداد، ج ۱، ص ۸۸

شاه هم دفع الوقت گذرانید. سخنان آقای فلسفی هم فروکش کرد و فرقه ضالۀ بهائی غیرقانونی اعلام نشد.

تا آن زمان، شاه گاهی اوقات برای ملاقات آیت الله بروجردی به قم می آمد. پس از پایان یافتن درس، مرحوم بروجردی (ره) می گفتند تا آقایان بیرون بروند. آقا در همان مجلس می ماندند. شاه هم آن زمان که زیاد خلاف شرع عمل نمی کرد می آمد ملاقات می کرد و می رفت.

وقتی شاه در برابر بهاییها کوتاه آمد، مرحوم آیت الله بروجردی گفتند که دیگر ایشان نیابند. یک روز ناگهان شاه به قم آمد. ولی آقا از شهر خارج شده بود. شاه جلوی صحن پیاده شد و وقتی فهمید آقا از شهر خارج شده است، با حالت قهر از قم رفت و دیگر نیامد.

شاه هم قصد مقاومت داشت ولی می دانست که در ایام حیات آیت الله بروجردی امکان انجام کارهای خلاف شرع نیست. در نتیجه گذاشتند تا آیت الله بروجردی فوت نمایند و بعد نقشه های خود را عملی کنند.

در شوال سال ۱۳۸۰ فروردین ۱۳۴۰ آیت الله بروجردی بدرود حیات گفتند، شاه برای مجلس ختم آمدند اما معلوم بود منتظر همین فرصت بودند.<sup>(۱)</sup>

بعد از رحلت آیت الله بروجردی، رژیم به تصور آن که مخالفت تمام شده است و در پی این خیال باطل، مسائلی مثل: توجه به نجف اشرف و زدن تلگراف تسلیت به آیت الله حکیم به منظور تثبیت مرجعیت ایشان را پیش آورد. ولی مراجع قم، تصمیم قاطعی برای نگهداری و حفظ حوزه علمیه قم گرفته بودند و

(۱) همان منبع، ص ۹۰.

به یاری خداوند موفق شدند.<sup>(۱)</sup>

پس از آن رژیم خیمه شب بازیهائی مثل لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی، اصول ششگانه انقلاب سفید و فرماندم را پیش کشید و در پی آن مخالفت علمای حوزه علمیه و مراجع قم پیش آمد. این وقایع در مجموع باعث شد که مراجع به مبارزه بر علیه رژیم برخاسته و به تمام نقاط ایران پیامهایی فرستادند.<sup>(۲)</sup>

بعد از فوت آیت الله بروجردی، در حوزه علمیه قم و در سطح ایران، اوضاع طوری شد که دولت خیال می کرد، در نبود ایشان شیعیان پناهگاهی ندارند و روحانیت برای مقابله با رژیم شاه و ایستادگی در برابر سلطنت، ناتوان است. به این ترتیب بعد از فوت آقای بروجردی، رژیم تصمیم گرفت، با استفاده از این فرصت، نقشه هایش را اجرا کند. غافل از اینکه هنوز چندین نفر از علمای مبارز در قم هستند.<sup>(۳)</sup>

دولت بعد از فوت آیت الله بروجردی، شروع کرد به دامن زدن به مسائل ضد مذهبی و ضد دینی:

مسئله انجمنهای ایالتی و ولایتی پیش آمد و رژیم سوگند به کتاب آسمانی را جایگزین سوگند به قرآن کرد و شرایط ذکوریت را برای انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان برداشت. البته اینها همگی بهانه ای برای مقابله با اسلام و مذهب بود.<sup>(۴)</sup>

(۱) خاطرات ۱۵ خرداد، حجت الاسلام عیسی امری ص ۶۴.

(۲) همان منبع، امری، ص ۶۴.

(۳) خاطرات ۱۵ خرداد، حجت الاسلام بخشایشی، ص ۱۲۰.

(۴) همان منبع، ص ۱۲۲.

### خدمات آیت الله العظمی بروجردی

آقای علی دوانی به نقل از آقای مردوخ کردستانی در کتاب زندگانی زعیم عالیقدر جهان تشیع آیت الله بروجردی آورده است که ایشان در سخنانشان اظهار داشته‌اند: «موفقیتی که حوزه علمیه قم تحت توجهات آن مرد بزرگ به دست آورد، می‌توان از خدمات فراموش نشدنی و گران قیمت آن بزرگوار دانست و همچنین ایجاد مساجد و مدارس دینی و خدمات دیگر ایشان نمودار شخصیت بارز و علاقمندی و دلسوزی آن بزرگوار به عالم اسلام و تشیع بود.»<sup>(۱)</sup>

### دانشگاه مذهبی قم

«دکتر مجتهدی، پیرامون شخصیت و مقام روحانی حضرت آیت الله بروجردی اظهار داشته است: دانشگاه مذهبی قم که یادگار خدمت آن مرد بزرگ روحانی است، از جمله دانشگاه‌های بزرگ دنیاست که مقام و موقعیت خاصی در محافل دینی جهان دارد، وظیفه ماست که این یادگار را حفظ کنیم و روز به روز در توسعه این دانشگاه مذهبی بکوشیم و نگذاریم که خدمات و نیات آن مرد بزرگ بی‌نتیجه بماند.»<sup>(۲)</sup>

### تألیفات آیت الله بروجردی (ره)

آیت الله فقید در طول عمر طولانی و پرارزش خود آثار قلمی و کتب و رسائل بسیاری نوشته‌اند. کتابهای آیت الله بروجردی از نظر لفظ و معنی بسیار پرمغز و

(۱) علی دوانی، زندگانی آیت الله بروجردی، ص ۱۳۸.

(۲) علی دوانی، همان منبع به نقل از روزنامه کیهان، یکشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۴۰.

استوار به قلم آمده است و همه مشحون از مطالب عالیه علمی و نکات مهم فقهی و اصولی و رجالی و غیره است.

از جمله تألیفات ایشان: حاشیه کفایه - حاشیه نهاییه شیخ طوسی - کتاب بزرگی در علم فقه - حواشی و مستدرکات فهرست شیخ متجب الدین رازی - حواشی کتاب «مبسوط» شیخ طوسی - رساله راجع به سند صحیفه سجاده - تجرید اسانید کتاب معروف کافی - تجرید اسانید کتاب تهذیب تجرید اسانید کتاب رجال کشی - تجرید اسانید کتاب امالی - و...

از جمله دیگر خدمات آیت الله فقید تأسیس و توسعه کتابخانه‌ها می‌باشد که از جمله این کتابخانه‌ها:

۱- کتابخانه مدرسه فیضیه ۲- کتابخانه مدرسه آیت الله بروجردی نجف ۳- کتابخانه مدرسه آیت الله بروجردی کرمانشاه ۴- کتابخانه مدرسه آیت الله بروجردی قم ۵- کتابخانه مسجد اعظم قم.

و از جمله آثار خیریه و ابنیه تاریخی که از آیت الله بروجردی برجای مانده است:

۱- مسجد اعظم قم که این مسجد در روز یازدهم ذی القعدة سال ۱۳۷۴ مطابق ۲۱ تیرماه ۱۳۳۳ شمسی، سالروز ولادت با سعادت حضرت امام رضا(ع)، طی مراسم باشکوه و جنب و جوش مخصوصی اولین کلنگ بنای آن بدست آیت الله بروجردی به زمین زده شد و بلافاصله شروع به کار ساختمان آن کردند.

۲- مدرسه آیت الله بروجردی در قم

این مدرسه واقع در ضلع شرقی میدان آستانه حضرت معصومه(ع) جنب گذر خان است، و یکی از جالبترین بناهای قم است که خود بر زیبایی بنای مزبور

افزوده و مخصوصاً برای کسانی که محل قلبی آن را دیده‌اند، بسیار جالب و دیدنی است.

۳- ساختمان حسینیه و حمام سامره ۴- ساختمان مدرسه علمیه در کربلا ۵- تجدید بنای مدرسه بقعه در کربلا ۶- تعمیر مدرسه رضویه در قم ۷- مسجد ایرانشهر ۸- بنای یک مسجد آبرومند در طرابلس لبنان ۹- ساختمان یک مسجد بزرگ در ایستگاه شاهرود ۱۰- مسجد بزرگ بندر هامبورگ ۱۱- قبرستان وادی السلام در قم ۱۲- تعمیر مسجدشاه بروجرد ۱۳- بنای مسجدی در شهر بیروت لبنان و...<sup>(۱)</sup>

از جمله خدمات دیگر آیت‌الله فقید: تأمین نان و شهریه طلاب عراق - ایجاد مرکز نمایندگی شیعه در مدینه - تکفل نان و شهریه و بهداشت دانشجویان قم - تأمین و کمک به شهریه طلاب مشهد کمک و تأمین متوق طلاب اصفهان و هزاران خدمات دیگر که در مجال این مقاله نمی‌گنجد.

(۱) علی دوانی - زندگانی آیت‌الله بروجردی ص ۲۴۰.



## فصل چهارم:

### مزایا و خصایص اخلاقی آیت الله بروجردی

#### آیت الله بروجردی از نگاه دیگران

از امتیازات مرحوم آیت الله بروجردی - اعلی الله مقامه - موقعیت خاص ایشان در نزد بزرگان اهل سنت و جماعت است. تعبیری که از آنان درباره معظم له بیان شده حاکی از عمق نفوذ و شخصیت والا و درخشان آن بزرگوار در روح و جان آنان می باشد و ما در اینجا چند نمونه را ذکر می کنیم:

۱- مرحوم شیخ محمود شلتوت رئیس دانشگاه الازهر در صدر نامه اش به ایشان از وی به عنوان «امام» یاد کرده و با جمله «سلام الله علیکم و رحمه الله» سلام می کند و بعد می گوید:

«قبل از هر چیز سلامتی گرانبهای آن برادر ارجمند جويا بوده و دعا می کنم که آن بزرگوار همیشه مصدر و منبع برکات برای مسلمانان و وحدت کلمه آنان باشد. خداوند عمر شما را طولانی و پیروزی و موفقیت را نصیب شما گرداند...»<sup>(۱)</sup>

۲- شیخ حسین باقوری - دانشمند معروف و رئیس اوقاف مصر - از چهره هایی است که در قم با آن بزرگوار ملاقات کرد. وی پس از بازگشت به مصر در پاسخ آن دانشمندی که پرسید: آیت الله بروجردی پیشوای شیعیان را

(۱) مجله حوزه، ش ۴۳، ۴۴، سال ۱۳۷۰.

چگونه یافتی؟ گفت:

اعظم شخصیه رأیه فی عمری؛

او بزرگترین شخصیتی بود که من در عمرم مشاهده نمودم.<sup>(۱)</sup>

جورج جرداق مسیحی نویسنده و دانشمند سخار مسیحی لبنانی، کتابی ارزشمند و خواندنی درباره مولای ما حضرت علی(ع)، تألیف کرد و ضمن اهداء این کتاب به آیت الله بروجردی در نامه‌ای برای آن بزرگوار این چنین نوشته است:

... من دریغ داشتم چنین شخصیتی (علی علیه السلام) در شرق باشد و حق و قدرش مجهول بماند. از این رو این کتاب را نوشتم و چون من مسیحی هستم، کس نمی‌تواند مرا به تعصب متهم کند. آنگاه نوشته است:

«من شما را شایسته‌ترین شخصیتی یافته‌ام که این کتاب را به او هدیه نمایم  
لذا آن را به شما هدیه می‌نمایم...»<sup>(۲)</sup>

### آیت الله بروجردی از دیدگاه علمای شیعه

موقعیت رفیع آن بزرگوار در میان دانشمندان بزرگ و علمای شیعه به حدی است که به آسانی نمی‌توان آن را استیفا و استقصا کرد؛ چه آن که رجال بزرگ و علمای طراز اول شیعه و مراجع گرانقدر عصر آن بزرگوار که هر کدام استوانه‌ای از فضیلت و رکنی از ارکان دیانت به شمار می‌آمدند.

همگی در برابر مقامات عالی علمی و عملی آن بزرگوار متواضع بودند که

(۱) شکوه فقاہت، ص ۱۳.

(۲) لطف الله، صافی، حوادث تاریخی، ص ۲۴۵-۲۴۴.

نمونه اعلای آنان را می‌توان در نجف آیت‌الله العظمی سیدعبداله‌هادی شیرازی قدس سره و در قم به مرحوم امام (ره) و آیت‌الله العظمی گلپایگانی اشاره نمود. مرحوم امام (ره) تا مدت‌ها درست مانند یکی از اصحاب و اطرافیان آیت‌الله العظمی بروجردی در بازگشت ایشان از درس به سوی خانه، وی را همراهی می‌کردند و تا در منزل با ایشان می‌رفتند و آنگاه باز می‌گشتند و در تحقق مرجعیت آن بزرگ مرد، گام‌های بلندی برداشتند به گونه‌ای که در نامه‌ای که به یکی از علمای بزرگ تهران در آن عصر نوشتند از ایشان خواستند که توجه مردم را به آقای بروجردی معطوف کنند.

مرحوم آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره) از آغاز ورود آن بزرگوار به قم تا پایان زندگی آن بزرگوار در اعزاز و اجلال آن بزرگ مرد کوشش داشتند و در مراعات احترام ایشان چنان بودند که حتی از این که لفظ «آیت‌الله» روی رساله علمیه‌شان در زمان آن زعیم بزرگ نوشته شود ابا و امتناع ورزیدند.<sup>(۱)</sup>

### ویژگی‌های اخلاقی آن بزرگوار

#### اظهار تأسف آن بزرگوار:

مرحوم آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره) نقل کردند: مرحوم آیت‌الله بروجردی بسیار اظهار تأسف می‌کردند، به سبب اینکه با فراهم شدن زمینه شهادت این فیض بزرگ را درک نکردند و به مقام شهادت نایل نشدند.<sup>(۲)</sup>

(۱) شکوه فقاقت، دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۱۵.

(۲) همان منبع، ص ۲۸.

### تنفر از روحیه تملق‌گویی:

از خطرات بسیار عظیمی که حاکمان و نیز زعما و رهبران دینی را تهدید می‌کند، میدان دادن به تملق‌گویان و چاپلوسان است. این موضوع هم برای تملق‌گوینده خطر دینی دارد و هم برای شخص حاکم یا زعیم دینی و جامعه؛ چه آنکه خود او با گفتن مطالب خلاف، از شخصیت انسانی‌اش می‌کاهد و از مقامات معنوی و قرب به خدا سقوط می‌کند و حاکم و زعیم را کم‌کم بدعادت کرده و متوقع می‌سازد که از دیگران نیز انتظار همین‌گونه سخنان خلاف و مدیحه‌سرایی‌هایی دروغین را داشته باشد و سرانجام منجر به دوری بندگان خدا می‌شود و ضمناً جامعه نیز با خلاف‌گویی و ذلت و زبونی بار می‌آیند. مرحوم آیت‌الله بروجردی با درایت خاص خود اهمیت این موضوع، خطرناک را دریافته بود.<sup>(۱)</sup>

### جود و سخاوت کم مانند

از مکرمات‌های عالی و انسانی مرحوم بروجردی کثرت جود و احسان آن بزرگوار است. مطلبی که بارها از ایشان شنیده شده این است که برای کمک به نیازمندان دست در جیب مبارک برده و هرچه که بدستشان می‌آمده بیرون می‌آورد و می‌بخشیدند. این طرز عمل از کسی امکان‌پذیر است که مال و ثروت در نظر او ارزش و بهایی نداشته باشد و دنیا را به کلی فاقد اعتبار بداند. و آن بزرگوار جلداً این چنین بوده است.

بالاخر آن که او نیاز به درخواست نداشته که اگر خود حس می‌کرده است که

(۱) همان، ص ۲۹.

شخصی نیازمند است و گرفتاری دارد به سرعت در رفع حاجت او کوشش می‌کرد و نیازمندی‌های او را مرتفع می‌ساخت و حتی در مواردی قرض اشخاص را ادا فرموده است. علمایی که از بلاد عرب و ممالک خارج از عراق، سوریه و لبنان بر او وارد شده‌اند، همه او را به جود و سخای فوق‌العاده و احسان و انعام فراوان ستوده‌اند.

### زهد و پارسایی

از مزایای مسلم و غیرقابل انکار مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی که در حدّ بالایی تجسم و تبلور داشت زهد آن مرد بزرگ است.

رسیدن به آن مقامات عالی علمی و درک مدارج کمال و معرفت رهین زهد اوست؛ یعنی نپرداختن به خورد و خوراک و شهوات جسمانی؛ چه آن که دل بستن به این امور مانع رسیدن انسان به کمالات است.

ولی آنچه که مهم است این که ایشان زمانی به مقام زهد دست یافت که ریاست تامّه و زعامت عامّه امت اسلام را به عهده داشت. زمانی که او در رأس حوزه علمیه قم و همه حوزه‌های جهان شیعه قرار داشت و برای احدی کم‌ترین تردیدی در مقامات بسیار برجسته علمی و عملی و قابلیت‌های ذاتی و سمو روح و مدیریت و مدبّریت او نبود، همان زمان حکام و عمالان آنها کسب اجازه می‌کردند که به محضر شریفش بیایند و اگر معظم‌له آنان را برای چند لحظه می‌پذیرفت به خود می‌بالیدند. آری، در همان زمان، زهد و پارسایی کامل از خود نشان داد و در سطح بسیار عادی مانند مردمان معمولی زندگی کرد، لباس او از بافته‌های وطنی و ایرانی و غذای او مانند غذای خانواده‌های متوسط یا معمولی‌تر

از متوسط بود و این مطلب تقریباً از مسلمات است که طعام منزل ایشان بدون داشتن مهمان، هیچ‌گونه تشریفات و تجملاتی نداشته است. مسئله زهد به شکل عالی و به بهترین وجه آن، در زندگی آن زعیم بلندپایه تجسم داشت که با آن همه امکانات و عظمت و جلال و توجه فوق‌العاده مسلمانان از اقطار جهان، ایشان روش زاهدانه خود را عوض نکرده و همچنان مانند فردی از اوساط ناس، زندگی می‌کردند.<sup>(۱)</sup>

### حالت مکاشفه آن بزرگ مرد

مرحوم آیت‌الله بروجردی در مقامات عرفان و عمل و سلوک الی‌الله و تهذیب نفس قدم صدق و سابقه درخشان و عهد معهودی داشته‌اند. و از این رو هیچ بعدی ندارد که دریچه‌هایی از جهان عالم غیب بر روی آن انسان فرهیخته ممتاز باز شود و در این عالم ماده، چشم بصیرت و دید عناصر روحانی و معنوی پیدا کنند و یا احیاناً ندهای بیدارکننده و توجه‌دهنده‌ای از عالم غیب در گوششان ایجاد گردد و الهامات خاصه به ایشان بنماید. چنانکه یکی از تلامذه درگذشته ایشان - رضوان‌الله تعالی علیه - که شربت شهادت نوشید، گفته است:

من خود از ایشان شنیدم که فرمود: گاهی صدایی می‌شنیدم راهنمایی‌ام می‌کرد که قائلش را نمی‌دیدم و این صداها زیاد تکرار می‌شد تا آن اواخر هم بود.<sup>(۲)</sup>

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی در گفتگویی که مجله حوزه با ایشان انجام

(۱) شکوه فقاقت، دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۳۲.

(۲) یادنامه شهید قدوسی، ص ۲۰۷.

دادند درباره مزایا و خصایص اخلاقی آیت الله فقیه فرمودند:

از بهترین و پربارترین سالهای عمر من، سالهایی بود که در درس آیت الله العظمی بروجردی، شرکت داشتم. در این مدت هم علم و دانش از او می‌آموخیم و هم ادب و اخلاق. بدون شک او عالمی بزرگ بود. می‌دانیم که علم به تنهایی دلیل بر شخصیت نیست. آنگاه علم دارای عظمت است که آمیخته با اخلاق شایسته آن مقام علمی باشد. چه جالب است که استاد هم علم و دانش بیاموزد و هم اخلاق و تقوا را.

#### سعه صدر

حضرت آیت الله بروجردی سعه صدر فوق العاده‌ای داشت، مخصوصاً این ویژگی در مسائل علمی که جایگاه حساس این مطلب است، بروز بیشتر داشت. هنگامی که مسأله‌ای را عنوان می‌نمود، با کمال بی‌طرفی، اقوال و نظریات علمای بزرگ را با متانت و با استدلال کامل، بدون تعصب، تشریح می‌کرد.

برخی از افراد نظرات مخالفان را به گونه‌ای ضعیف نقل می‌کنند که جواب آن در آن نهفته باشد، ولی ایشان چنین نبود؛ بلکه در تأیید نظرات دیگران آنچنان جدی استدلال می‌کرد که شاگردان، قبل از پایان بحث، نمی‌توانستند بفهمند که ایشان با کدام نظر موافق است.<sup>(۱)</sup>

#### علاقه به نظافت و پاکیزگی

نظافت نشانه ایمان و کلید محبوبیت و دلیل شخصیت است، مخصوصاً برای

(۱) مجله حوزه - ص ۲۶۳.

شخصیت‌های روحانی. آیت‌الله بروجردی، به نظافت و پاکیزگی، اهمیت خاصی می‌داد، حتی در موقعی که روزهای آخر عمرش را در بستر بیماری می‌گذراند و پروفیسور «موریس»، متخصص قلب، از پاریس برای معالجه ایشان به قم دعوت شده بود، وقتی آمد خدمت ایشان، چنان تحت تأثیر جذبه ظاهری و معنوی آن مرد بزرگ قرار گرفت که گفته بود:

«هیچ مقام روحانی تاکنون، مرا این اندازه تحت تأثیر قرار نداده است.»  
 بعضی از اصحاب ایشان نقل می‌کردند: قبل از اینکه پروفیسور موریس، به خدمت ایشان بیاید، با این که به شدت از ناراحتی قلب رنج می‌بردند، فرموده‌اند:  
 «شانه‌ای بیاورید تا من محاسن خودم را مرتب کنم، زیرا پیشوای مسلمین نباید نامنظم باشد.»<sup>(۱)</sup>

ویژگی‌های اخلاقی آن بزرگوار بسیار زیاد است و در مجال این مقاله نمی‌گنجد و ما به همین چند مورد بسنده می‌کنیم.

(۱) مجله حوزه، ص ۲۶۷.



## فصل پنجم:

### شیوه علمی آیت الله بروجردی در فقه و اصول و حدیث و رجال

مرحوم آیت الله بروجردی - اعلی الله مقامه - انسانی محقق و مدقق در رشته های مختلف علوم بود. تحقیقات او در اصول را می توان از تقدیرات اصول ایشان و از جمله آن مباحثی که از ایام توقف آن بزرگوار در بروجرد به یادگار مانده و به قلم مرحوم آیت الله شیخ بهاء الدین حجّتی - رضوان الله تعالی علیه - نگاشته شده است استفاده کرد.

تحقیقات آن بزرگوار در فقه را می توان از درس های ایشان درباره صلوات، صلوات جمعه، صلوات مسافر، خمس و قضا به صورت چاپ شده یا مخلوط باقی مانده مشاهده کرد. به حق که مباحث فقهی ایشان برای فقها راه گشا بوده و احتیاطات ایشان یادآور نکات و مطالبی قابل توجه است و در عین اختصار و جازت، بسیار عمیق و ارزشمند و حاوی نکات و مطالبی بود که جنبه ابداع و ابتکار داشت.

شگفت انگیزتر آن که در فن درایة الحدیث و معرفت روات و رجال حدیث نیز تحقیقاتی شایان استفاده داشت که پیش از این با قسمت های متفرقی از آن بحث ها که در خلال مباحث فقهی خود بیان داشتند برخورد می کردیم؛ ولی اخیراً به صورت کتاب های مدوّن درآمده است.

تسلط این بزرگ مجتهد کم نظیر، بر حالات راویان و این که فلان راوی مثلاً نمی تواند از امام صادق (ع) بی واسطه نقل کند مگر به نحو ارسال و فلان راوی

چند روایت در ابواب فقهی دارد و تقسیم‌بندی همه روایات و رجال اخبار به طبقات مختلف و گوناگون و نقل هر طبقه‌ای از طبقه‌ی ماقبل خود نه از طبقه‌ی بعدی و یا از طبقه‌ی فوق ماقبل خود همه این مطالب و ظرایف را به بهترین شکلی تحقیق و تنظیم فرموده است.<sup>(۱)</sup>

از باب نمونه: رساله‌ای مختصر از آن بزرگوار بنام الأحادیث المقلوبه و جواباتها چاپ شده، موضوع این رساله مختصر و نفیس، ده سؤال است که راجع به معنای ده حدیث می‌باشد و در هر سؤالی از این سؤالات و از این روایات، قلب و جا به جانی و تصحیف و تغییرهایی در سلسله سند واقع شده اسم یکی از روایات سلسله سند مثلاً با اسم پدرش جا به جا شده و امثال این تغییرات و تصحیفات زیاد دارد.<sup>(۲)</sup>

مرحوم آیت‌الله بروجردی در جواب هر یک جدا جدا اولاً، به ذکر اشکالات سند و تصحیفات و اغلاط واقع در آن پرداخته و سپس در مقام تبیین معانی آن برآمده‌اند.

مثلاً راجع به حدیث اول، نه مطلب را پیرامون سند آن ذکر کرده‌اند که هر کدام اشکال جداگانه‌ای در باب سند حدیث به نحو مذکور در کلام راوی است. و در جواب از حدیث دوم، ده اشکال را راجع به سند ذکر فرموده و بعد معنای آن را بیان کرده‌اند.

و در پاسخ از حدیث سوم هفت مطلب را به عنوان اشکال بر سند به نحو مذکور ذکر فرموده‌اند. و در جواب از حدیث چهارم هفت اشکال سندی و درباره‌ی

(۱) شکوه فقاہت، دفتر تبلیغات، ص ۳۶.

(۲) همان منبع، ص ۳۷.

حدیث پنجم هشت اشکال، و راجع به سؤال ششم که آیا جمله «العلم علمان علم الأدیان و علم الأبدان» حدیث مروی است، یا نه؟ صریح فرموده‌اند: «من این کلام را در هیچ مصدری نیافتم و از شیخ بهانی نقل شده که از بعضی از عامه نقل کرده؛ لکن خود او این را از موضوعات و احادیث ساختگی شمرده است...»  
و راجع به حدیثی که در سؤال هفتم جواد داده، پنج اشکال بر سند آن وارد فرموده است.

و به هنگام جواب دادن از سؤال هشتم چهار ایراد سندی بر روایت به نحو منقول در سؤال وارد نموده‌اند.

و در پاسخ از سؤال نهم، هفت نکته را در مقام ایراد برسند روایت ذکر فرموده است و بالاخره پیرامون جواب از روایت دهم، هفت اشکال از جهت سند وارد کرده‌اند.

عجیب این است که کل این سؤالات راجع به معانی و مفاهیم آن روایات و احادیث بوده و در کلام مسائل هیچ‌گونه پرسشی راجع به سند آن‌ها نیست و جریان طبیعی جواب این بوده که آن چه راجع به معانی است ذکر بکنند و بگذرند و اصلاً به ذهنشان نیاید که در سند گیر و اشکالی هست.

از اینجا استظهار می‌شود که به مجرد اینکه نامۀ سؤال را باز کرده و هر حدیثی را با سند دست خورده آن مشاهده کرده‌اند، در اثر احاطه به علم رجال و شناخت بالایی که نسبت به راویان و سلسله روات و طبقه‌بندی آنها داشته‌اند، همانجا متوجه اشکالات عدیده نسبت به سند هر یک از آن احادیث شده‌اند و در مقام جواب به ذکر آنها مبادرت ورزیده‌اند.<sup>(۱)</sup>

(۱) شکوه فقاقت، دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۳۸.

### آیت الله فقید برای فقه اهمیت مخصوصی قائل بود

در تمام مدت نسبتاً طولانی که در قم بودند، در تابستان گرم و زمستانهای سرد و در حین ریزش برف و باران با همه اشتغالاتی که داشتند تدریس فقه را ترک نکردند. اگر گاهی به واسطه بیماری، یکی دو روز تعطیل می شد، بلافاصله پس از بهبودی ادامه می دادند، بالنتیجه در این شانزده سال جمعاً کتاب های زیر را به ترتیب در فقه درس گفتند: کتاب اجاره، کتاب غضب، کتاب وصیت، کتاب ارث الزوجه کتاب صلوة جمعه، کتاب صلوة مسافر، بقیه مباحث صلوه که نه سال طول کشید، منجزات مریض، خلل حج، خمس، طهارت و قضاء و شهادت که آخرین کتابی بود که ایشان درس گفتند.

آیت الله بروجردی (ره) مکتب خاصی در فقه داشت، و در این مکتب مخصوص افراد بسیاری تربیت فرمودند. تربیت کردن افراد طبق این روش علمی یکی از آثار بزرگ آن فقیه عالیقدر به شمار می رود. امتیاز مکتب فقهی ایشان را می توان در امور زیر خلاصه کرد:

۱- برای بدست آوردن حکم مسئله، در انتخاب و ابتکار ادله مسبک مخصوصی داشتند به این معنی بعضی از دلیل ها را که تقریباً حشو و زوائد به نظر می رسید و صرف وقت در آنها را بی نتیجه می دانستند، صرف نظر می نمودند، و اوقات گرانبهای خود و شاگردان را در این نوع دلیلهای نمی گذرانند. تنها ادله محکمی را که پایه و اساس مسئله بود با دقت و متانت خاصی، مورد بررسی قرار می دادند، و بسیار می شد که از میان ده دلیل یکی دودلیل که ریشه اصلی مسئله بود انتخاب کرده بحث را در آن متمرکز می نمودند و در بسیاری از مسائل مورد بحث که احادیث زیادی برای آنها ذکر شده بود ایشان آن احادیث را دسته بندی

می‌کردند به این معنی هر چند حدیثی که یک مضمون را در بر داشت مجزا کرده و این دسته‌های مجزا را با دقت هر چه تمامتر با یکدیگر مقایسه می‌نمودند و بسیاری از مشکلات به این وسیله حل می‌شد و همیشه سعی کافی مبذول می‌داشتند که تا ممکن است احکام را از احادیث استفاده کنند.

۲- هر یک از مسائل دینی که موضوع بحث قرار می‌گرفت، در آغاز توجه عمیقی به سند تاریخی آن مسئله می‌نمودند. یعنی آن مسئله را از ریشه و پایه مورد بررسی و دقت قرار می‌دادند که پیدایش آن از چه زمانی بوده و در طول زمان چه نشیب و فرازهایی را پیموده است.

مسئله را از این نظر مورد دقت قرار دادن در اکتشاف بعضی از خصوصیات دخالت شایانی داشت.

۳- برای اقوال علماء اهمیت خاصی قائل بودند و لذا در مسائل مورد بحث، اول به اقوال علمای سنی توجه نموده، آنها را از منابع اولیه سنی‌ها یا از کتاب خلاف «شیخ طوسی» و «تذکره الفتهاء» و «منتهی» علامه نقل می‌نمودند سپس اقوال و نظریه‌های علمای شیعه از کتابهای آنها نوعاً بدون واسطه نقل و مورد دقت قرار می‌گرفت.

در نقل اقوام علماء با مهارت مخصوصی تاریخ صدور اقوال را مورد نظر قرار می‌دادند و بسیاری از علماء که در یک مسئله بر حسب تعدد تألیفات یا تعدد موارد، دارای نظریه‌های متعدد بودند به تاریخ همه اینها نوعاً توجه شایانی بذل می‌شد و در نتیجه معلوم می‌شد که هر یک از این نظریه‌ها در چه زمانی بوده و بالنتیجه کدام متقدم و کدام متأخر است و در چه شرایطی این نظریه‌ها صدور یافته و استحکام هر یک از آنها تا چه حد است.

۴- سپس به مدارک اقوال توجه می‌شد که این فتاوی و اقوال روی چه پایه‌ای قرار گرفته است، در این مورد برای بررسی به مدارک اصلی، آیات قرآن مورد دقت عمیقی واقع می‌شد.

مخصوصاً به شهرت قدما اهمیت مخصوصی می‌دادند و احادیث را تا آنجا که امکان داشت از منابع و مدارک اولیه اخذ کرده و توجه دقیقی به سندهای احادیث می‌نمودند. طبقات روات احادیث را با احاطه کامل و مخصوصی که در علم رجال داشتند مورد دقت قرار می‌دادند و از این نظر صحت و سقم احادیث را به طور روشن معین و مشخص می‌نمودند.

این روش فقهی استاد معظم که به علم «فقه» رونق و روح مخصوصی بخشیده بود، در کلیه درسهای فقه اساتید قم، تأثیر خاصی بخشید.<sup>(۱)</sup>

### مکتب رجالی آیت الله بروجردی

یکی از علومی که پایه مهم اجتهاد و استنباط به شمار می‌رود «علم رجال» است. این علم برای شناسایی راویان احادیث بسیار لازم و همواره مورد توجه علماء بوده است. زیرا به وسیله همین علم صحت و سقم احادیث تشخیص داده می‌شود. و لذا در این فن کتاب‌ها نوشته شده و تحقیقات شایانی به عمل آمده است.

یکی از میراث‌های علمی حضرت آیت الله بروجردی تألیفاتی است که برای بدست آوردن خصوصیات و مزایای اساتید به کار برده‌اند. ایشان برای این منظور یک راه ابتکاری پیش گرفته‌اند که از حسن قریحه و ذوق سرشار و در ضمن از

(۱) علی دوانی، زندگانی آیت الله بروجردی، ص ۱۵۲.

زحمات بسیار آن پیشوای عالیقدر و مبتکر حکایت می‌کند.<sup>(۱)</sup> آن راه ابتکاری این است که سندهای احادیث کتاب کافی و تهذیب و استبصار و حضال و علل الشرایع و امالی صدوق و غیر اینها را از متون آنها مجزا کرده مورد دقت و مطالعه قرار داده و از این راه چند فایده اساسی بدست آورده‌اند.

مثلاً برای هر یک از اسانید «محمد بن یعقوب کلینی» که مجموعاً در حدود سی و شش نفر می‌باشند به ترتیب حروف تهجی فصل علیحده‌ای منعقد کرده و در آن فصل هر سندی که در اصول و فروع کافی راجع به احادیث آن اسناد بوده با رعایت حروف تهجی در جمیع طبقات اسانید تا معصوم علیه‌السلام ایراد فرموده‌اند که از مطالعه آنها فواید زیر استفاده می‌شود:

### ۱- تعداد روایت راویان و شخصیت‌های آنان

به وسیله مطالعه در کلیه اسانید معلوم می‌شود که هر یک از روایت‌چند روایت نقل کرده‌اند، و از این راه درجه معلومات آن راوی و اهمیت مقام علمی وی بدست می‌آید.

### ۲- بدست آوردن حذف واسطه

وقتی که اسانید کتاب کافی را از آغاز آن مطالعه کردیم و دیدیم که معمولاً فلان، راوی از فلان اسناد بدون واسطه نقل حدیث می‌کند و از راوی دیگر باواسطه نقل می‌کند، از آن پس اگر در مواردی یا موارد معدودی ببینیم همین

(۱) همان منبع، ص ۱۵۷.

راوی از اسناد دیگری که اغلب با واسطه نقل می‌کرد اکنون در این مورد بدون واسطه نقل می‌کند، از اینجا به احتمال قوی بدست می‌آید که این حدیث مرسل است، یعنی: واسطه‌ای در بین بوده و حذف شده است. و البته حدیث مرسل، با حدیث مسند (حدیثی که سند آن بر تمام وسائط مشتمل است) هرگز یکسان نخواهد بود.

### ۳- تمیز مشترکات

این موضوع با یک مثال روشن می‌شود. هنگامی که اسانید روایات را مورد نظر قرار دادیم و دیدیم که معمولاً فلان راوی از حسن بن یحیی مثلاً نقل می‌کند، سپس در موردی یا موارد معدودی ببینیم که از حسن نقل کرده است و ندانستیم که این شخص آیا حسن بن یحیی، یا حسن بن عیسی است، به قرینه مواردی که معمولاً دیدیم این مشکل حل می‌شود. یعنی به احتمال قوی می‌فهمیم که منظور از حسن، حسن بن یحیی است، زیرا این راوی معمولاً از حسن بن یحیی نقل حدیث می‌کند، نه از حسن بن عیسی، (البته تمیز مشترکات با این طرز، در میان بزرگان رجال تا حدودی سابقه داشته است).

### ۴- معلوم شدن تحریف و تصحیف

از ترتیب اسانید احادیث و پشت سر هم واقع شدن آنها، به دست می‌آید که فلان راوی معمولاً مثلاً از ابن ابی جنیب یا عاصم بن حمید نقل می‌کند. با توجه به این مطلب وقتی که در یک مورد یا موارد معدودی ببینیم از ابن ابی جنیب یا عاصم بن حمید نقل کرده است، می‌فهمیم که در رسم الخط اشتباهی رخ داده است و صحیح ابن ابی جنیب و عاصم بن حمید است.



### ۵- تعیین طبقات

از جمله مطالبی که بسیار قابل توجه و مهم است به دست آمدن طبقات روات است. به این معنی که از ملاحظه سندهای روایات، اساتید و شاگردان هر یک از روایات معلوم و مشخص می‌شود، و منظور از طبقاتی که ایشان اصطلاح فرموده و در این امر مبتکر هستند طبقه‌بندی روات است به ترتیب شاگردی و استادی که اصحاب پیغمبر اکرم (ص) طبقه اول و شاگردان آنها طبقه دوم و همچنین... این راه ابتکاری برای شناسایی مقام راویان احادیث و فوائد دیگری که ذکر شد بسیار مهم و پرارزش است، و هم اکنون این آثار درخشان علمی در دست است.<sup>(۱)</sup>

(۱) علی دوانی، زندگانی آیت‌الله بروجردی، ص ۱۵۷.

## فصل ششم:

### آیت الله بروجردی و تقریب مذاهب اسلامی

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون

از آن هنگام که خورشید فروزان اسلام بر سرزمین سرد و تاریک جاهلیت دمید و سپیده صبح امید، افق زندگی جاهلی را گرمی و روشنایی بخشید، نور امید و رهایی در دل بردگان تابیدن گرفت. و دیدگانشان به فروغ درخششی جاودانه نشست.

نعمه توحید، کران تا کران را در نوردید و قومها و قبیلههای پراکنده و متفرق را با دعوت به اعتصام به حبل متین الهی، متحد و منسجم ساخت. این همه به برکت وجود، پیام آور توحید، رسول وحدت، حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) بود که با بعثت خویش، شعار برادری و پیمان اخوت را برای جوامع بشری به ارمغان آورد.

اکنون که بیش از ۱۴۰۰ سال از آن روزهای پرشکوه و به یاد ماندنی می گذرد، هنوز هم آن نعمه شورانگیز، قلب و اندیشه مؤمنان را به یکدیگر نزدیک ساخته و آنان را به گزینش برترین راه رهایی که توحید کلمه و کلمه توحید است فرا می خواند.

افسوس که خواسته یا ناخواسته برخی از رویدادهای روزگاران گذشته موجب تفرقه مسلمانان گشت و مستکبران و استعمارگران همواره با نقشهها و توطئههای شوم خویش و به وسیله مزدوران خود در کشورهای اسلامی، مانع شکل گیری

وحدت سیاسی جوامع مسلمانان شده و با مطرح ساختن فرقه‌های ساختگی به ستیز با اندیشه وحدت و تقریب برآمدند.

اما به لطف خداوند متعال، انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره) بار دیگر اندیشه تقریب بین مذاهب و وحدت سیاسی جوامع اسلامی را احیا کرد و با دعوت همه مسلمانان به اتحاد، سربلندی و عزت مؤمنان را در جهان فراهم آورد.

قدرتها و حکومت‌های جهانی نمی‌توانند به انسانها مطابق دلخواه خودشان شخصیت فرهنگی و اعتقادی بدهند، بلکه سرکوب و شکنجه و ایجاد جو خفقان توسط قدرتهای جهانی در کشورهای اسلامی در طول تاریخ موجب واکنش مسلمانان شده و گاهی نیز موجب سرنگونی همان قدرت می‌شود.

با توجه به این مطالب این نتیجه را می‌گیریم که مسئولیت ایجاد وحدت در جهان اسلام یعنی تکیه روی مشترکات مذاهب اسلامی، وظیفه و مسئولیت حکومتها نیست. بلکه این وظیفه برعهده علما و روحانیون است.

و از جمله این علما و روحانیون آیت‌الله فقیه بروجردی(ره) بودند که نسبت به وضع مسلمانان با دلسوزی وصف‌ناپذیر اهتمام می‌ورزیدند.

پیشوای فقیه قلبی لبریز از صفا و صمیمیت داشت و دارای عواطفی بسیار شدید بود. از آرامش وضع مسلمانان و آسایش آنها لذت می‌برد، و از گرفتاری آنها و بدرفتاری حکام و اولیای امور به آنان بیش از حد متقلب و ناراحت می‌گردید.

یکی از دانشمندان محترم که در حوزه علمیه مقامی ارجمند دارد<sup>(۱)</sup> و از

(۱) آقای شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی.

نزدیکان ایشان بودند، در پاسخ سؤالی که از ایشان شده بود، می‌نویسند: «دلسوزیهای ایشان برای اسلام و مسلمین و علاقه‌ای که به حفظ جهات اسلامی و دینی داشتند، یکی از امتیازات بسیار بارز ایشان بود.»<sup>(۱)</sup>

بدون شک یکی از علل محبوبیت فوق‌العاده ایشان میان تمام طبقات همین دلسوزی و علاقمندی آن مرحوم نسبت به مصالح اسلامی است. بزرگترین صدمه روحی و ناراحتی فکری برای ایشان موقعی بود که می‌شنیدند در فلان ناحیه برای جمعی از مسلمین اتفاق ناگواری روی داده یا به مقدسات اسلامی بی‌ادبی شده، یا نسبت به فلان روحانی و اهل علم، اسائه ادب شده یا می‌خواهند فلان تظاهر ناروا و خلاف اخلاق بنمایند یا فرضاً می‌خواهند زنها و دختران مسلمان را به رژه ببرند، یا به فلان فرقه ضاله که بر ضد مصالح اسلام و مملکت عمل می‌کند آزادی عمل داده شده و یا به وسائل مختلفی زمینه تفرقه‌افکنی و اختلاف بین مسلمین را فراهم نمایند.

این صدمات از همه چیز برای ایشان دشوارتر و غیرقابل تحمل بود. این مطالب را می‌توان از احترام ویژه‌ای که علمای اهل سنت به طور مثال «شیخ شلتوت» برای ایشان قائل بودند اثبات نمود. در خلال مقاله بازگو نمودم که شیخ شلتوت از علمای اهل تسنن در طی نامه‌ای برای آیت‌الله فقیه، میزان علاقه خویش را به ایشان اعلام داشتند.

و یا اینکه در کلاس درس، گونه‌ای صحبت نمی‌شد که باعث اختلاف بین مسلمانان گردد بلکه همواره جانب احتیاط را رعایت می‌نمودند و همواره به همبستگی و اتحاد مسلمانان با یکدیگر سفارش می‌نمودند.

(۱) علی دوانی، زندگانی آیت‌الله بروجردی، ص ۱۶۸.

این بود شمه‌ای از زندگانی و حیات آیت‌الله بروجردی و شیوه علمی ایشان در دروس حوزه و همچنین نقش ایشان در تقریب مذاهب اسلامی.

### رحلت آیت‌الله بروجردی

صبح روز پنجشنبه ۱۳ شوال ۱۳۸۰ مصادف با ۱۰ فروردین ماه ۱۳۴۰، هنگامی که مردم از منزل بیرون آمدند و شاه کارهای خلافت را آغاز کرده بود. پرچم‌های رنگین همه برچیده شده و پرچم‌های سیاه در هر طرف به چشم می‌خورد و این پرچم‌ها گویا خبر از حادثه جانکاه و دردناکی را می‌دهند. صدای تلاوت قرآن از بلندگوهای شهر به گوش می‌رسد و آیه‌ها تلاوت شده بیشتر آیات مربوط به مرگ و روز رستاخیز است. اما به زودی معلوم شد که شیعیان جهان بزرگترین رهبر روحانی خود را در حدود ساعت هفت و پنج دقیقه از دست داده‌اند!

هیجان زیادی در جمعیت شهر به چشم می‌خورد و این هیجان وقتی به اعلی درجه خود رسید که بدن حضرت آیت‌الله را در منزل غسل داده و از آنجا به حرکت درآوردند.

خبر رحلت پیشوای بزرگ شیعیان فوراً به وسیله خبرگزاریهای مهم جهان به تمام دنیا مخابره شد. در خارج از ایران هم در تمام محافل خبری منعکس گردید و بعنوان یک حادثه مهم روز در جرائد معروف جهان انتشار یافت.

روحش شاد و یادش گرامی باد

## کتابنامه

- ۱- علی دوانی - زندگانی زعیم بسزرگ عالم تشیع حضرت آیت الله بروجردی (ره) - انتشارات مطهر
- ۲- علی دوانی - خاندان آیت الله بروجردی (ره) - انتشارات انصاریان
- ۳- مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی - شکوه فقاقت - دفتر تبلیغات اسلامی
- ۴- مجله حوزه (شماره ۴۴-۴۳) - مدیرمسئول: محمد واعظ عباسی خراسانی - حوزه - انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
- ۵- مدیرمسئول: محمد مهدی احمدی - نامه قم (شماره ۶ و ۵) - انتشارات اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۶- علی باقری - خاطرات ۱۵ خرداد ج ۱ - انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی
- ۷- علی باقری - خاطرات ۱۵ خرداد ج ۲ - انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی
- ۸- اعلام الشیعه، ج ۲ «نقاء البشر فی القرن الرابع عشر».
- ۹- حوادث تاریخی، لطف الله صافی گلپایگانی
- ۱۰- یادنامه شهید قدوسی.

**روش تقریبی و کلامی**  
**آیت الله العظمی بروجردی**

محمد رضا رجبی





## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخچه تقریب بین مذاهب اسلامی در بعد علمی و فرهنگی به اواخر قرن سوم به بعد بازگشت می‌کند.<sup>(۱)</sup> این مسئله حاکی از آن است که همواره در طول تاریخ پر فراز و نشیب جهان اسلام، یکی از دغدغه‌های مهم عالمان دینی تلاش در راه وحدت بین مسلمین بوده است. فرهیختگانی که با نبوغ و نوآوری‌های خود و با بصیرتی ژرف، سعی در اجراء اهداف متعالی دین داشته و هیچ‌گاه خود را در قید وابستگی‌های قومی، قبیله‌ای و نژادی گرفتار نکردند و همواره با تعصبات جاهلانه و عوام‌زده مبارزه نمودند.

از جمله وارستگانی که در این عرصه، شایسته بررسی است مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی(ره) می‌باشد. او به لحاظ گستره علمی و نوزایی در نظریات و تغییر قالبها و شیوه‌های کهن در علوم مختلف بحق از زمره نخبگان شیعی است و به لحاظ گستره عملی در بعد فرهنگی و اجتماعی و تلاش در راه تقریب بین مذاهب اسلامی بی‌گمان از طلایه‌داران وحدت بین مسلمانان؛ در عصر خویش است.

او به خوبی دریافته بود که دین و دینداری در این روزگار بیش از پیش محتاج گفت‌وگوهای شفاف و روشن‌گرایانه است و با گفتگوهای خیالی و انتزاعی نمی‌توان سایرین را گمراه و ناراست‌اندیش تلقی کرد لذا همواره با

---

(۱) برای اطلاع بیشتر از تاریخچه تقریب و پیشگامان آن رجوع کنید به کیهان اندیشه،

اراده‌ایی استوار و عظمی راسخ در پی راهکارهای تقریبی بین مذاهب بود و برای رسیدن به این هدف با دنیای اهل سنت آشنا شد؛ کلامشان را شنید؛ از بزرگانشان به نیکی یاد کرد و در مواقع لزوم عالمانه آنها را نقد نمود.

بی‌گمان یکی از مشخص‌ترین و عریان‌ترین آثار وجودی معظم‌له، احیاء مکتب تشیع است، مکتبی که تا قبل از ایشان کاملاً در بین مذاهب اسلامی جایگاه کمی داشت، هویتی نوین بخشید و آن را از انزوا و غربت خارج ساخت و به صورت یک مکتب توانا در جهان امروز و عصر حاضر معرفی کرد او به لحاظ مطالعات پر دامنه خود درکی تاریخی و فرهنگی از دنیای اسلام داشت، لذا با سلیقه‌ایی تحسین برانگیز مشترکات اعتقادی را نمایاند و بر آن تکیه نمود و در سایه آن تفکر اصیل شیعی را در مواقع گوناگون تبیین کرد و توانست در دوران زعامت خود و با تدابیری حکیمانه و ربانی موجبات تأمل و درنگ اندیشمندان دیگر فرق اسلامی را مهیا نماید، چون به حقانیت مکتب خود ایمان داشت و می‌دانست کسی که با عدل و انصاف و به دور از تعصبات، این مذهب را مطالعه کند به اصالت و اعتبار آن اقرار خواهد کرد، و سرانجام نیز چنین شد.<sup>(۱)</sup>

او تا آخرین لحظات عمر شریفش دغدغه تقریب بین مذاهب را داشت<sup>(۲)</sup> و از این می‌هراسید که نکند کاخ بلند وحدت مسلمین که ثمره خون دل خوردن صدها و بلکه هزاران، عالم دینی بود توسط برخی متعصبان کج‌اندیش فرو ریزد.

(۱) اشاره به فتوای تاریخی شیخ شلتوت مبنی بر رسمی بودن مذهب شیعه در کنار سایر مذاهب اسلامی است.

(۲) ایشان در حادثه قلبی اخیر که منجر به فوت ایشان شد بعد از حمله قلبی اولی که عارض شد و مدتی بی‌هوش بوده‌اند و بعد که به هوش آمدند قبل از آنکه توجهی به حال خود بکنند، موضوع تقریب و وحدت اسلامی را طرح می‌کنند و می‌گویند من آرزوها در این زمینه داشم. (به نقل از استاد مرتضی مطهری - شکوه فقهاست ص ۱۶۴-۱۶۵).

و افکار و اهدافش دنبال نگردد.<sup>(۱)</sup>

در این مقال نظر داریم برای تبیین تفکرات تقریبی آن بزرگ مرد، در میان شیوه‌های گوناگون از روش و شیوه بررسی موردی استفاده کنیم به این معنا که بیشتر بر خط‌مشی‌ها و موضع‌گیری‌های ایشان در موانع متعدد توجه کنیم و از آن الگو بگیریم.

### رویکردی جدید در شیوه استنباط مسائل فقهی

امروز در محافل علمی تحقیقی علوم اسلامی به ضرورت و اهمیت فقه مقارن<sup>(۲)</sup> پی برده شده است و به آثار و ثمرات آن توجهی خاص گردیده است.

(۱) مرحوم محقق که از طرف آیت‌الله بروجردی به آلمان گسیل شده بود و بعد از فوت آقای بروجردی در ایران بازگشت و نظر به اینکه مرکزیت واحدی در روحانیت نبود و برنامه منسجمی که اهداف ایشان را دنبال کند، لذا در همین ایران ماند و موفق نشد به کار خود ادامه دهد و ضرورت معیشت او را وادار کرد که در قم به شغل کتابفروشی پردازد و در همان وضعیت به درود زندگی گفت و بسیار از این نابسامانیها شکایت می‌کرد.

(خاطرات واعظ‌زاده خراسانی - ص ۷۲-۷۳ جزوه‌ایکه چاپ نشده).

(۲) پیدایش فقه مقارن با شیوه رایج در حوزه‌های علمیه شیعه به قرن پنجم هجری باز می‌گردد براساس تحقیقات نخستین کسی که در این خصوص کتاب نوشته ابوالقاسم علی بن الحسین الموسوی (م ۴۳۶) مشهور به (سید مرتضی علم‌الهدی) است دو کتاب مهم او در این زمینه (الانتصار) و (الناصریه) می‌باشد. گفتنی است که برخی به استناد کتاب (الاعلام فیما انفقت الامامیه علیه من الاحکام فیما انفقت العامه علی خلائهم فیہ) تالیف شیخ مفید، معتقدند که نخستین کسی که روش مقارنه را در شیعه به کار گرفته ایشان می‌باشد ولی با عنایت به مباحث کتاب نمی‌توان شیخ مفید را پیشگام چنین روشی دانست (ابراهیم جناتی-مقاله- فقه تطبیقی و پیشگامان آن- کیهان اندیشه شماره

اگر چه عده‌ایی این پدیده را شیوه نویی در حوزه فقه تلقی کرده‌اند ولی اندکی تأمل در پیشینه علوم اسلامی به خوبی روشن‌گر آن است که این روش در زمانهای پیشین رواج داشته به طوری که ابن خلدون (م ۸۰۶م) در مقدمه کتاب خویش<sup>(۱)</sup> از آن به عنوان علم و دانش مستقل به نام خلافت‌یات نام می‌برد و می‌نویسد: «این علم بسی پرفایده و سودمند است و مبانی پیشوایان در فقه در ضمن آن شناخته می‌شود.

ولی این شیوه در عصر آیا در مجموعه جهان اسلام یا فقط تشیع حاضر تقریباً به فراموشی سپرده شده بود و عملاً در شیوه‌های اجتهاد از آن بهره‌ای گرفته نمی‌شد ولی با ظهور آیت الله العظمی بروجردی (ره) بار دیگر این متد بازگشت و مجدداً تتبع و تحقیق در کتب روانی و متون فقهی گذشتگان احیاء گردید. آیت الله العظمی بروجردی برای رسیدن به حکم واقعی و فهم اسرار نهان کلمات معصومین (ع) به تاریخ بسیار اهمیت می‌داد معتقد بود که احادیث را باید در تاریخش مطالعه کرد و با تاریخش شناخت، برای هر حدیثی به دنبال شأن نزولی بود که زمینه را برای فهم بهتر حدیث مهیا گرداند لذا روایاتی را که از ائمه اطهار (ع) صادر گردیده، ناظر به فتاوی‌ای عالمان اهل سنت و فقه حاکم آن عصر می‌دانست همواره می‌فرمود باید محیط صدور هر روایتی را به خوبی بررسی کرد در این بین فقط به آنچه در مکتب تشیع عرضه شده بود بسنده نمی‌کرد، لذا نه تنها بر اقوال ائمه اربعه آنان تسلط داشت که بر نظریات صحابه و دیگر فقهای آنان چون اوزاعی، ثوری، لیث و ... محیط بود.

این تسلط به طوری بود که برخی از فقهای اهل سنت در ملاقات با ایشان آن

(۱) مقدمه ابن خلدون، ص ۴۵۶.

مرحوم را از خودشان بر اقوال و نظریات عامه مسلط‌تر می‌دیدند.<sup>(۱)</sup> طبیعی بود که در مسائل اختلافی بین شیعه و سنی بدبینانه عمل نکند، لذا تلاش می‌نمود تا علت اختلاف فتوا را عالمانه و بی‌تعصب، تبیین کند<sup>(۲)</sup> و به همین خاطر این تفکر عوامانه را که اهل سنت از ابتدا در پی تحریف احکام بوده‌اند را به شدت رد می‌نمود و منشاء این اختلافات را شبهات علمی و اجتهادات می‌دانست معتقد بود که اهل سنت فقهی دارند که از کتاب و سنت مروی به طرق خودشان اخذ شده لذا باید با دقت به نظرات و ادله ایشان توجه کرد و در صورت نیاز آن را نقد نمود.<sup>(۳)</sup>

ایشان به لحاظ مطالعات وسیع و اعجاب‌آور تاریخی و فقهی، فقه شیعه را به منزله حاشیه‌ای بر فقه اهل سنت دانست، و این مطلب را نه بعنوان یک منقصدت که بالعکس بعنوان یک نقطه قوت برای مکتب شیعی قلمداد می‌کرد. ایشان

(۱) مراجعه کنید به مجله حوزه شماره ۴۳-۴۴ مصاحبه با حضرات آیات سبحانی، فاضل، واعظزاده، منتظری و همچنین مجله نور علم دوره سوم شماره ششم ص ۱۵.  
 (۲) بعنوان نمونه: خواندن نماز اول وقت در نزد اهل سنت واجب شمرده می‌شود و تأخیر آن را بدون عذر جایز نمی‌دانند و برخی از اهل سنت تأخیر در نماز را از اول وقت بدون عذر موجب قضا می‌دانند. آقای بروجردی در این خصوص می‌فرمودند که فتوای اهل سنت به فعل پیامبر (ص) تمسک کرده‌اند و چون آن حضرت امام جماعت بوده و لذا همیشه اول وقت برای نماز حاضر می‌شدند لذا اهل سنت خیال کرده‌اند که نماز اول وقت واجب است در حالی که در بعضی مواقع بدون عذر نماز را از اول وقت تأخیر می‌انداخت و اتمه اطهار (ع) به این نکته توجه داشتند لذا نتیجه می‌گیریم که نماز اول وقت واجب نیست و تأخیر آن جایز است. (واعظزاده- مجله حوزه ۴۳-۴۴-۱۶).

(۳) واعظزاده مجله حوزه ۴۳-۴۴ صفحات ۲۱۷ الی ۲۲۰.

می فرمودند که فقه اهل سنت در صدر اسلام یک فقه حاکم بر جامعه بوده و جامعه بر طبق نظریات فقهی آنان اداره می شده است و این نظرات فقهی به حدی رایج بود که حتی در ذهن شاگردان ائمه شیعی نیز گاه همین نظرات به عنوان یک نظر شیعی مطرح بود و همین باعث می شد که معمولاً سئوالهای اصحاب ائمه (ع) از چنین زمینه‌هایی مطرح شود از طرفی خود امامان معصوم (ع) نیز مواردی که خلاف نظر شیعه می دانستند به شدت طرح ورد می نمودند.<sup>(۱)</sup> و همین امر باعث شده بود که فقه شیعه همواره فرعی نقادانه و کاوشگرانه نسبت به فقه اهل سنت باشد و این بود که آشنایی با فقه و احادیث اهل سنت را قرینه مفصل برای فهم نظریات فقه شیعه بر می شمرد (منتظری - واعظ زاده مجله حوزه ص ۲۰۸ تا ۲۵۰) و معتقد بود به دو دلیل باید روایات عامه و فتاوی آنها مورد تأمل و بررسی قرار گیرد:

(۱) روایت دیگری از محمد بن مسلم داریم که از امام صادق (ع) درباره مسافر سؤال می کند. قال سألته عن التفسیر قال فی برید، قلت: فی برید؟... مرحوم آیت الله بروجردی در صلاة مسافر در حدود یک هفته در این زمینه بحث کرد که چرا محمد بن مسلم با تعجب از امام سؤال می کند که آیا یک برید حد تقصیر است؟ می فرمودند: چون محمد بن مسلم در کوفه زندگی می کرده و فقه عامه هم در آنجا حاکم بوده و آنها حد تقصیر را (مرحلتان) یعنی شانزده فرسخ می دانند و وقتی که حضرت می فرماید حد تقصیر چهار فرسخ است برای او جای تعجب بود لذا حضرت می فرماید منظورم یک برید رفت و یک برید برگشتن است نه در مجموع هشت فرسخ می شود.

(روایت در ج ۵ وسائل الشیعه ص ۴۹۶ به نقل از آیت الله منتظری - مقاله مبانی اجتهادی آقای بروجردی - کتاب یادنامه خاتمی اردکانی - ص ۱۴۵) - چاپ موسسه معارف اسلامی امام رضا - چاپ اول ۱۳۷۶.

۱- به جهت متاثر شدن افرادی چون زراره و محمد بن مسلم از فقه عامه<sup>(۱)</sup>  
 ۲- برای تشخیص جهت صدور روایت. (منتظری- یادنامه خاتمی ص ۱۴۶).  
 آیت الله بروجردی توجه خاصی به انظار عالمان گذشته داشت و آنها را دقیقا  
 مطالعه و بررسی می کرد و در همین راستا در زمان مرجعیت ایشان بسیاری از  
 کتابهای پیشینیان مثل (مفتاح الکرامه و الجوامع الفقهية - خلاف و...) که بدست  
 فراموشی سپرده شده بود به زیور طبع آراسته شد و دوباره رونق مجدد یافت.<sup>(۲)</sup>  
 او مسائل فقهی را در یک تقسیم بندی کلی به دو گونه می دانست و برای هر  
 کدام جایگاه و نقش خاصی قائل بود.

۱- اصول کلی که مستقیما از جانب ائمه معصومین علیهم السلام القا شده،  
 آنها را اصول منلقات می نامید، آن را بسان بغچه ای سر بسته می دانست که سینه به

(۱) از باب نمونه رجوع کنید به روایات فروع کافی ج ۷ ص ۹۴-۹۵ باب میراث الولد مع  
 الابوين روایت ۲- و تهذیب ج ۹ ص ۲۷۱ کتاب الفرائض و الموارث شماره ۹۸۳.  
 خلاصه روایت اینست که زراره مسائل ارث را مطابق فقه عامه یاد گرفته بود لذا خود  
 را محتاج نمی دید که از ائمه (ع) مسائل ارث را بیاموزد لذا وقتی فتوای امام (ع) را در  
 این باره شنید ابتدائا بی اعتنایی کرد چون بر خلاف معلومات او بود لذا امام (ع)  
 عصبانی شد و فرمود من مسائل ارث را از روی کتاب امیر المؤمنین به تو ارائه دادم.  
 اینجا بود که زراره از خواب غفلت بیدار می شود و می فهمد که معلومات او در زمینه  
 ارث بی اساس بوده است. (آیست لله منتظری - مبانی اجتهادی آقای بروجردی -  
 یادنامه خاتمی اردکانی ناشر مؤسسه امام رضا (ع) ص ۱۴۱) و مثل مسئله عول و  
 تعصب در ارث و نماز تراویح که اهل سنت قائل بودند به جماعت باید برگزار شود  
 ولی امامان ما روایات زیادی در رد این دو مطلب دارند - واعظ زاده - منتظری -  
 مجله حوزه شماره ۴۳-۴۴ صفحات ۲۱۵-۲۴۹ و ۲۵۰.

(۲) حضرت آیت الله سبحانی حوزه شماره ۴۳-۴۴ ص ۱۷۶.

سینه در بین اصحاب ائمه (ع) و علماء دین چرخیده و به دست ما رسیده بی آنکه تصرف و یا اجتهادی در آن صورت گرفته باشد و لذا در اینگونه مسائل نه تنها اجماع منقول را راهگشا می‌دانستند و بدان تکیه می‌کردند بلکه حتی شهرت را نیز در این مسائل حجت می‌شمرد.

۲- مسائل تفریعی که با الهام از کلیات مطرح شده از جانب ائمه اطهار (ع) به وسیله فقهاء اجتهاد شده که در این موارد حتی اجماع را نیز بی‌فائده می‌شمردند.<sup>(۱)</sup>

معظم‌له همانند اکثر فقهای شیعه خیر واحد ثقه را طبق بنای عقلا حجت می‌شمرد، نه به خاطر عدالت راوی، لذا چنانچه راوی حدیثی بنابر مبنای شیعه وثاقتش به اثبات رسید همین مقدار در حجیت روایت او کافی است اعم از اینکه راوی امامی باشد یا اهل سنت چون منتهی الیه روایت باید معصوم باشد (مجله نور علم دوره سوم شماره ۶ ص ۱۶) و لذا در موارد زیر استناد به احادیث اهل سنت بلامانع است:

۱- اگر راوی حدیث بنابر مبنای شیعه نقد باشد حدیث قابل استناد است، راوی چه شیعه باشد و چه سنی.

۲- اگر روایت به ائمه اثنا عشریه (ع) متصل شود و روایت در نزد شیعه تلقی به قبول شود و بدان عمل شد مباشر مثل احادیث حفص بن غیاث - نوح بن دراج یاسکونی و...

۳- در موقع فقدان نص در این موارد به روایت عامه از امیرالمؤمنین (ع) تکیه می‌شود.

۴- وقتی روایتی از عامه صادر شود و موافق با روایات ما باشد در این موارد

(۱) منتظری حوزه ۴۳-۴۴-ص ۲۵۰-۲۵۱ و واعظزاده خراسانی.



اگر معارض اقوی نداشته باشند بدان عمل می‌شود آقای بروجردی هم طبق این مبنا در خلال ادله خاصه برای تایید مطلوب خود به روایات منقوله از مصادر عامه استناد می‌جستند مخصوصا اگر این روایات موافق با قول مشهور بود و حتی اگر هیچ دلیلی جز احادیث عامه وجود نداشت باز بدان تمسک می‌کردند مثل قاعده ید (علی الید ما اخذت حتی تودی) می‌فرمودند در احکام معاملات می‌توان از آن بهره جست اگر چه در مصادر حدیثی ما از آن خبری نیست. و هر چه هست اعم از روایات مسند و مرسل از ترمذی - ابی داود و... می‌باشد.<sup>(۱)</sup>

مرحوم آیت‌الله بروجردی درباره حدیث (الناس مسلطون علی اموالهم وانفسهم) نیز می‌فرمودند این حدیث مشهور در بین فقهاست در حالی که اثری در بین احادیث شیعه و سنی از آن نیافتیم.<sup>(۲)</sup>

و همین می‌رساند که در نظر آقای بروجردی اگر این روایت از کتب عامه نقل شده بود موثر واقع می‌شد. ایشان با همه تبجری که در اصول فقه داشت کم‌تر مسائل فقهی را بر مسائل شکی اصولی مبتنی می‌کرد و هرگز گرد مسائل فرضی نمی‌رفت.<sup>(۳)</sup>

همچنین بر رجال حدیث تسلط کامل داشت و طبقات روات و محدثین را کاملا می‌شناخت و برای خود یک طبقه‌بندی مخصوص کرده بود طبقه اول صحابه پیامبر (ص) طبقه دوم تابعین، طبقه سوم کسانی که از تابعین نقل کرده‌اند

(۱) التقریرات الثلاثة، الغصب ص ۱۲۸ به نقل از سیدمحمدرضا حسینی جلالی - المنهج

الرجالی ص ۱۱۸

(۲) التقریرات الثلاثة، الغصب ص ۱۸۱ نقل جلالی حسینی ص ۱۱۸ منهج الرجالی.

(۳) استاد مرتضی مطهری - مقاله مزایا و خدمات آیت‌الله بروجردی - چاپ شده در کتاب

بحثی درباره مرجعیت و روحانیت - چاپ ۱۳۴۱ شمسی.

طبقه چهارم رجال امام باقر<sup>ع</sup> طبقه پنجم رجال امام صادق<sup>ع</sup> و... ملاک در طبقه بندی را استاد و شاگردی می گرفتند و مدت آن را سی سال محسوب می کردند لذا شیخ طوسی را طبقه دوازدهم و شهید ثانی را طبقه بیست و چهارم و خودشان را در رأس طبقه سی و ششم قرار می دادند.<sup>(۱)</sup>

و با این روش به راحتی می توانست احادیث ضعیف را از احادیث معتبر شناسایی کند.<sup>(۲)</sup>

در پایان این بخش برای اینکه بیشتر با روش و سبک اجتهاد و نحوه تدریس آیت الله بروجردی آشنا شوید توجه شما را به توصیف شیوه و کیفیت تدریس ایشان از زبان یکی از بهترین شاگردان ایشان جلب می کنم. معرفت رجال حدیث شیعه و سنی از یک طرف و اطلاع بر فتاوی و فقه سایر فرق اسلامی از طرف دیگر موجب می شد که گاه حدیثی طرح می شد و ابتدا یک معنا و مفهوم از آن به نظر می رسید ولی بعد معظم له تشریح می کرد که این شخص که این سؤال را از امام کرده اهل فلان شهر بوده یا فلان منطقه بوده و در آن جا مردم تابع فتوای فلان فقیه از فقهای عامه بوده اند و فتوای آن فقیه این بوده است و چون آن شخص در آن محیط بوده و آن فتوا در آن محیط شایع بوده پس ذهن وی مسبوق به چنان سابقه ای بوده پس مقصود وی از سؤال این بوده که سؤال کرده و جواب شنیده. وقتی که معظم له این جهات را تشریح می کرد و به اصطلاح روحیه راوی را تحلیل می کرد، می دیدیم که معنا و مفهوم سؤال و جواب عوض می شود و شکل دیگر به خود می گیرد و یا کلمه ای در حدیث بود که در عرف عام امروز

(۱) منتظری - مجله حوزه ۴۳-۴۴ ص ۲۵۲.

(۲) کافی است برای اطلاع از احاطه رجالی ایشان به کتاب الاحادیث المقلوبه و جواباتها مراجعه کنید.

یک معنای معین داشت ولی با اظهارات معظم له معلوم شد که این کلمه در محیط خاصی که در آن وقت محل پرورش سؤال‌کننده حدیث بوده معنای دیگری داشته.<sup>(۱)</sup>

### «تلاش در راه وحدت مسلمین جهان»

شاید همیشه برای پیشبرد اهدافمان صرف شناخت و معرفت از موضوع مورد نظر، کافی نباشد گاهی شرایطی پیش می‌آید که علاوه بر علم و دانش عناصر دیگری لزوماً برای حل مشکل مورد نیاز است بعنوان نمونه در مسئله تقریب بین مذاهب اسلامی در شرایط موجود به نظر می‌رسد صرف اطلاع از مبانی علمی و مجموعه اعتقادات هم‌دیگر، چاره‌ساز نبود، و نیست اینکه در مواجهه و تعامل با افکار و مذاهب مختلف ابتدا چه مسائلی طرح شود؟ شیوه طرح مسأله و نمود و قالب آن چگونه باشد باشد؟ روی چه نکاتی تکیه شود؟ اصول ثابت و متغیر دستورات و قوانین مذهب خود و طرف مقابل چه چیزهایی هستند؟ نقاط اشتراک ما در کجاست؟ و انعطاف‌پذیری هر یک از این گزازه‌ها تحت چه عواملی است؟ و دهها مورد دیگر همه و همه از جمله نکاتی است که شاید با مطالعات صرف کتابخانه‌ایی بدست نیاید بلکه این همگامی و همسوئی بیشتر به بینش دینی ژرف و حسن سلیقه محتاج است تا به مبانی علمی.

آیت‌الله العظمی بروجردی علاوه بر غنای علمی دارای ذوقی سلیم و حسن سلیقه بودند لذا از بسیاری از نکات تشنج‌آفرین که ثمره عملی نداشت دوری می‌کردند ایشان تأکید می‌کرد که برای ایجاد وحدت از پرداختن به مسائلی که

(۱) استاد شهید مرتضی مطهری مزایا و خدمات مرحوم آیت‌الله بروجردی (ره)، مقاله چاپ

شده در کتاب بحثی درباره مرجعیت و روحانیت - چاپ ۱۳۴۱ شمسی

جزء ضروریات دین نیست اجتناب ورزند و خودشان هم به دقت به این سفارش عمل می‌کردند لذا دیده نشد که ایشان در جلسات عمومی و یا خصوصی در درس و یا غیر درس در مورد خلافت بحث کنند و حتی صراحتاً می‌فرمودند مسأله خلافت امروز مورد نیاز مسلمانان نیست که ما با هم دعوا کنیم امروز چه نتیجه‌ای به حال مسلمین دارد که بدانیم چه کسی خلیفه بوده؟ آنچه که امروز به حال مسلمانان مفید است این است که بدانند احکام و معارف اسلامی را باید از چه مأخذی اخذ بکنند لذا حتی یکبار هم دیده نشد که ایشان با علمای جهان اسلام حدیث غدیر را مطرح کنند چون حدیث غدیر مسئله خلافت بود ولی بعکس در مسأله مرجعیت علمی اهل بیت بسیار تکیه می‌فرمودند و معتقد بودند که می‌شود اهل سنت را حداقل با مرجعیت علمی ائمه «ع» قانع کرد و در همین راستا بر حدیث ثقلین عنایت بسیار داشتند و حتی دستور داده بودند که نقل‌ها و سند‌های این روایت جمع‌آوری شود و روی آن بحث گردد.<sup>(۱)</sup> که همین فعالیتها باعث شد که غبار از چهره حدیث ثقلین زدوده شود و بالاخره بعدها نیز این مجموعه کارها که بر روی سند و متن حدیث ثقلین صورت گرفته بود توسط دارالتقریب مصر به چاپ رسید.<sup>(۲)</sup>

از طرف دیگر ایشان با این که خیلی نسبت به اهل بیت «ع» ارادت داشت ولی

(۱) مصاحبه با آقای واعظزاده - مجله علوم حدیث ص ۱۸۹ شماره و آیت‌الله سبحانی حوزه ۴۳-۴۴- ص ۱۸۰ با کمی تغییر.

(۲) این تلاش در پی گزارشی بود که شنیده شده بود اهل سنت حدیث را (کتاب‌الله و سنتی) نقل می‌کنند لذا آقای آیت‌الله بروجردی به مرحوم وثنوی دستور داد تا سندها و مدارک این حدیث را مبنی بر (کتاب‌الله و عترتی) جمع‌آوری کرده و چاپ کند. استاد مطهری - مجموعه آثار ج ۳.

به خاطر حفظ وحدت اجازه نمی‌داد کسی به مقدسات اهل سنت اهانت کند از باب نمونه یکی از علمای قم به نام آقای وکیلی منظومه‌ای در دو جلد در فقه نوشته بود و زحمت زیادی هم متحمل شده بود و از اول فقه تا آخر آن را خیلی خلاصه به نظم درآورده بود... آقای آیت‌الله بروجردی وقتی شروع به مطالعه این کتاب کردند، دیدند که مؤلف در بیت دهم و یازدهم به خلفاء توهین کردند. فرمودند این بیت شعر را حذف کنید آن گاه مجدداً چاپ کنید مخارج آن هم با من (فاضل مجله حوزه ص ۱۵۲) و فرمودند نشر این کتاب حرام است (منتظری ص ۲۵۲)

همچنین از سخنرانیهای مرحوم علامه امینی در اصفهان که به طور طبیعی تعریض نسبت به خلفا بود، اظهار ناراحتی کردند و فرمودند در این وقت که اسرائیل به مسلمانان حمله کرده است و آنان را قتل عام می‌کند راه انداختن جنگ بین شیعه و سنی چه معنی دارد این کار درستی نیست (منتظری ص ۲۵۳ حوزه ۴۳-۴۴)

همچنین مکرر در هنگام تشریف به مکه معظمه که حجاج خدمت ایشان می‌رسیدند آنها را نصیحت می‌فرمود که از انجام کارهایی که رعایت آنها از نظر مذهب لزومی ندارد ولی موجب تحریک دیگر فرق اسلامی می‌شود جدا خودداری کنند حتی فتوی داده بودند که اگر ثبوت ماه هلال ذی‌الحجه در نظر بزرگان شیعه مسلم نباشد و علمای اهل سنت فتوی به ثبوت داده باشند و قرینه هم برخلاف نباشد لازم است که شیعیان از نظریه بزرگان عامه پیروی کنند و اگر می‌شنید کسی با اعمال خود موجب نفاق و تفرقه شده است در هر کجا و هر مقامی بود مورد توبیخ ایشان قرار می‌گرفت (داماد - سیدمحمد حسین علوی خاطرات آیت‌الله بروجردی)

و در همین راستا شنیده شد که مرحوم آیت الله بروجردی (ره)، از طبع کتاب بحارالانوار خیلی استقبال نمی کرد و گویا به توصیه ایشان جلد (فتن و محن) بحارالانوار، در آن هنگام منتشر نگردید<sup>(۱)</sup>

و شاید به خاطر همین خصیصه بود که به خود اجازه نمی داد تا از جاده عدل و انصاف خارج شود و موضعی تعصب آلود اتخاذ نماید. او اگر کلام و یا عملکرد حقی را می دید می ستود و بر آن صحنه می گذاشت و کاری با مذمت جاهلان نداشت. از او شنیده شده بود که از شیخ عبدالمجید سلیم رئیس جامع الازهر مصر به نیکی یاد می کرد و به روحش رحمت می فرستاد و می گفت: هرگاه صحبت از فاجعه عاشورا می شد عبدالمجید سلیم بسیار متأثر می گشت و می گفت این فاجعه لکه ننگی است بر دامان اسلام که به هیچ وجه نمی شود آن را پاک کرد.<sup>(۲)</sup>

همچنین از محمد عبده به خاطر شرح نهج البلاغه اش تجلیل می کرد.<sup>(۳)</sup>

### آیت الله بروجردی (حکمت و فلسفه)

تسلط و گستره پردامنه دار فقهی ایشان از یک سو و فضای جمود و یکسویگری از طرف دیگر سبب شده بود که دیگر ابعاد این شخصیت برجسته شیعی نمایان نگردد و این در حالی بود که آیت الله بروجردی تجربه های حکمت و فلسفه خود را در حوزه اصفهان نزد بزرگانی همچون جهانگیرخان قشقایی و

(۱) واعظزاده- مجله حوزه ۴۳-۴۴ ص ۲۲۴.

(۲) واعظزاده- خاطرات بروجردی ص ۳۵۶، جزوه چاپ نشده.

(۳) واعظزاده- مجله حوزه ۴۳-۴۴ ص ۲۲۴

ملا محمد کاشی گذرانده بود.<sup>(۱)</sup>

آیت الله بروجردی خود گفته بود که پا به عرصه هر دانشی که گذاشتم تا صاحب نظر در آن نشدم، پا برون نگذاشتم. از اوان طلبگی بر کتابهایی که فرا می گرفتم حاشیه می زدم و اکنون از آن حاشیه ها بهره می برم.<sup>(۲)</sup>

لذا وقتی وارد مباحث معقول شد همین شیوه را ادامه داد و تا صاحب نظر نشد از آن دست نکشید و حتی در این حوزه بر اسفار ملاصدرا تعلیقه ایی نوشت.<sup>(۳)</sup> و شعرهای منظومه را به خوبی حفظ کرده بود<sup>(۴)</sup> لذا گاهی که سر درس وارد مباحث معقول می شدند خیلی جالب مانند یک فیلسوف متبحر در معقولات بحث می کردند (فاضل - ص ۱۴۴ حوزه ۴۳-۴۴) حتی ایشان یک وقت که جریان ملا امین استرآبادی و استدلالهای او را بر ضد عقل را نقل می کرد فرموده بود که این نهضت مقارن است با نهضت ضد عقل و ضد فلسفه ایی که در اروپا بر اساس حسی گری و تجربه گری پیدا شد که از دکارت و بیکن و غیره شروع شد آنها هم به گونه دیگری با منطق و تعقل مخالفت کردند ولی براساس معتبر شناختن حس. ایشان معتقد بود که ملا امین تحت تاثیر افکاری که در دنیای اروپا پیدا شده بود قرار گرفته بود (مرتضی - مطهری - تعلیم و تربیت در اسلام به نقل از روزنامه اطلاعات شماره ۱۸۶۹۷ یکشنبه ۷ اسفند ۶۷).

(۱) خاطرات سید جواد علوی داماد آقای آیت الله بروجردی - مجله حوزه ۴۳-۴۴ ص ۳۱۵

(۲) مجله حوزه ص ۱۰ شماره ۴۳-۴۴

(۳) این تعلیقه بر نسخه چاپی کتاب اسفار، موجود در کتابخانه شخصی خودشان بوده است فقهای نامدار شیعه ص ۴۵۲ به نقل از آیت الله استادی مجله حوزه ۴۳-۴۴ ص

۳۰۰

(۴) شیخ علی صافی . گلپایگانی ص ۱۱۲ مجله حوزه شماره ۴۳-۴۴.

### ابعاد پنهان معظم له در پرتو تألیفات:

شاید بتوان با تألیفاتی که در حوزه‌های مختلف علوم انسانی از خود به یادگار گذاشته بیشتر با ابعاد پنهان معظم له آشنا شد.

۱- رساله‌ایی راجع به سند صحیفه سجادیه که این رساله به اشکالهایی که به سند صحیفه کامله شده پاسخ داده و ضمناً، اجازات روایتی ایشان از مشایخشان در این رساله گرد آمده است.

۲- بیوت الشیعه: که احتمالاً رساله‌ایی در معرفی خاندانهای علمی شیعه می‌باشد.

۳- رساله‌ایی در المنطق.

۴- تعلیقه‌ایی بر اسفار ملاصدرا شیرازی.

۵- حاشیه بر منهج الرشاد حاج شیخ جعفر شوشتری.

۶- المهدی علیه السلام فی کتب اهل السنه.

۷- الآثار المنظومه: در اعیان الشیعه آمده است (کان ادینا فی العربیه و الفارسیه و له فیهما نظم و قصائد).

به غیر از اینها در باب رجال - فقه و اصول و ... کتابهای زیادی تألیف کرده‌اند.<sup>(۱)</sup>

### آیت الله بروجردی و جریان غلو

در میان مباحث شیعی صحبت راجع به امامان معصوم علیهم السلام بخش

(۱) اطلاعات داده شده راجع به این تألیفات و باقی تألیفات آقای بروجردی که بالغ بر

پنجاه تألیف می‌باشد در مقاله‌ایی توسط حضرت آیت الله استادی در مجله حوزه

۴۳-۴۴ ص ۲۸۸ به بعد آمده برای اطلاع بیشتر به آنجا مراجعه کنید.



ویژه‌ایی را به خود اختصاص داده است سخن راجع به ولایت ائمه (ع)، محبت به آنها و مقامات آن بزرگواران و دهها موضوع دیگر از جمله تعالیمی است که بحثهای گسترده‌ایی را به خود اختصاص داده است و در این میان شناخت حدود و مرزهای اصیل اعتقادی و انتخاب راه میانه و دچار نشدن به آفات و انحرافات کار هرکسی نیست بسیار بوده و هستند کسانی که ناخودآگاه دچار غلو شده‌اند و تعصب‌آلود و گزاف‌گویان به طبل اندیشه‌های پوچ خود می‌کوبند و پیکر مکتب شیعه را به رنجوری و لاغری می‌کشانند و در مقابل کسانی به زعم پیروی از عقل و با ترفند اصلاح اندیشه‌های دینی، روشنفکر مآبانه دچار تقصیر شده و خود و پیروانشان را به ضلالت و بدبختی سوق می‌دهند.

آیت‌الله بروجردی از جمله اسلام شناسانی بود که در این عرصه نیز راه اعتدال را برگزید و همواره با جریانهای انحرافی مقابله می‌کرد. او از طرفی با برگزاری مراسم ذکر و یاد اهل بیت (ع) و همچنین شرکت فعال در اینگونه مجالس در برپایی شعار مذهبی اصرار داشت و محبت و ارادت خود را به این خاندان به هر نحو ابراز می‌داشت. در منزل خود عزاداری اباعبدالله الحسین (ع) را برگزار می‌کرد و از گلی که عزاداران بر سر و روی خود می‌مالند، برای رفع امراض خود، استشفای طلبید و شفا می‌گرفت.<sup>(۱)</sup>

ولی از طرف دیگر با شدت در مقابل خرافات و غلو در حق اهل بیت (ع) می‌ایستاد و شدید برخورد می‌کرد. مکرر دیده شده بود که از خواندن اشعاری که جملات و مطالب غلو آمیزی درباره ائمه در آنها بود جلوگیری کرده و می‌فرمودند: افراد مسلمان باید مردم معتدلی باشند ائمه اطهار را تا حد امامت و

(۱) سیدمحمدحسین علوی - داماد آقای بروجردی کتاب خاطرات آقای بروجردی ص ۹۴-

و آیت‌الله فاضل مجله حوزه ۴۳-۴۴ ص ۱۵۲ و واعظزاده خراسانی در مجله حوزه

پیغمبر را تا سر حد پیغمبری احترام کنند ولی بدانند که یک صفاتی مختص به ذات لایزال پروردگار است و فراموش نکنند که خود پیغمبر در هر روز در صلوات خمس مکرری فرمودند و اشهد ان محمدا عبده و رسوله. لذا صفات ربوبی را برای انبیاء و پیغمبران قائل شدن خروج از حد اعتدال است و از مطالبی است که خود ائمه «ع» و پیغمبران از او منع فرموده‌اند (ص ۹۵ خاطرات داماد) حتی یک روز یکی از مداحان که ایشان نگذاشته بود اشعار غلوآمیز خود را ادامه دهد گفته بود مگر روایت نداریم که (نزلونا عن الربوبية و قولوا فينا ما شئتم) آیت الله بروجردی با عصبانیت فرموده بود آقا این سند ندارد و دروغ است.<sup>(۱)</sup>

#### آیت الله بروجردی و برخورد با عقائد شیخیه:

یکی دیگر از اقدامات آیت الله بروجردی در راه اعتدال عقائد شیعی و مبارزه با جریان غلو برخوردی است که با تفکرات و عقائد شیخیه داشت. این فرقه که یکی از انشعابات مذهب شیعه معرفی شده است، (در دوران زعامت ایشان رو به گسترش بود که با برخورد به موقع ایشان این اتفاق نیفتاد).

جریان از این قرار بود که ابوالقاسم خان (رئیس وقت شیخیه کرمان) در پاسخ به درخواست خطیب توانا جناب آقای فلسفی مبنی بر پاسخ دادن به بیست و پنج سؤال اعتقادی راجع به معارف شیعی، جوابهایی را برای تبیین عقائد شیخیه و دوری از تهمت‌ها و رفع سوء تفاهم‌ها، مرقوم داشته بود و قرار بود که این جوابها به خدمت حضرت آیت الله العظمی بروجردی داده شود و در صورت مطابقت این عقائد با مکتب امامیه، ایشان نامه‌ای مبنی بر تأیید این سخنان مرقوم دارند تا به واسطه آن فاصله‌ایی که بین این فرقه و شیعیان افتاده برداشته شود

(۱) مصاحبه اختصاصی با نوة آیت الله بروجردی (مصاحبه مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب).

سؤالهایی که مطرح شده غالباً اعتقادی بوده و از توحید و صفات پروردگار و نبوت پیامبر اکرم (ص) و مسأله معاد و معراج آن حضرت و راجع به رکن رابع و انمه اطهار (ع) و... سؤال شده است.<sup>(۱)</sup> در این جا به مناسبت بحث غلو از سؤالات و جوابهایی که راجع به انمه اطهار (ع) ردوبدل شده به طور اختصار می آوریم:

در بخشی از سؤالات از ابوالقاسم خان - سؤال شده (اگر کسی بگوید باحب آل محمد (ص) ترک فرایض و واجبات مثل نماز و روزه و زکات و ارتکاب محرمات از قبیل قتل نفس و زنا و شرب خمر ضرری ندارد و مانع سعادت نمی شود درباره چنین کسی شما چه می گوید؟

ابوالقاسم خان جواب مفصلی از این سؤال داده که در این بخش به چکیده ای از آن اشاره می شود.<sup>(۲)</sup>

او می گوید: کسی که تارک همه فرایض و مرتکب محرمات کبیره است و به طوری که فرموده اید مدعی حب آل محمد است، وجود همچو کسی محال است ولی معذک اگر از روی عمد و انکار چنین کارهایی را می کند، کافر است و به دروغ دعوی ولایت می کند. حضرت صادق فرمود کذب من زعم انه یحبنا وهو متمسک بفرع غیرنا.

اما اگر ادعای دوستی اهل بیت «ع» را دارد ولی از باب جمالت یا فراموشی و خطا یا غلبه شهوتی از شهوات این کارها را انجام می دهد این شخص قطعاً اهل

(۱) رجوع کنید به کتاب فلسفیه (در جواب سؤالات جناب مستطاب آقای فلسفی واعظ) به قلم ابوالقاسم خان ابراهیمی، چاپخانه سعادت کرمان سال ۱۳۳۵.

(۲) برای تفصیل مطلب رجوع کنید به کتاب فلسفیه (در جواب جناب مستطاب آقای فلسفی واعظ) به قلم ابوالقاسم خان ابراهیمی چاپخانه سعادت کرمان. ص ۱۵۶-۱۵۷.

نجات است و او را می آموزند و او را شفاعت خواهند کرد.

ولی فرض شما این بود که، اصلاً آن شخص عمل صالح انجام دهد؛ (باید عرض کنم که) اولاً چنین فرضی ممکن نیست، زیرا این شخص هرچه باشد بالاخره در عمر خود یک عمل صالح ولو کوچک انجام داده است هرچند به قدر این که قسمی به حق علی «ع» خورده باشد یا یک دوستدار علی «ع» را دستگیری کرده باشد و یا به او محبت نموده باشد. وانگهی خود ولایت و دوستی عملی است که فوق همه اعمال است و اصل آنهاست و سایر اعمال صالحه همه شاخ و برگ همان عمل است و به همین جهت در اخبار متواتره و آیات متکثره آمده است که اعمال منافقین و دشمنان اهل بیت «ع» قبول نمی شود و آیه شریفه (و قدمنا الی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا) درباره همانهاست چون عمل آنها اصل و ریشه و مأخذ ندارد و حال کسانی که در واقعه کربلا امام را نکشتند ولی ولایت او را نداشتند هم همین حکم را دارد مگر اینکه جاهل قاصر باشند و هیچ وقت هم دشمنی آنها را نیز نکرده باشند، در این صورت ممکن است بجهنم نروند ولی اهل بهشت هم قطعاً نخواهند بود زیرا بهشت را خدا از نور سیدالشهداء صلوات الله علیه خلقت فرموده و کسی آنجا می رود که نور او در قلبش باشد و به نماز و روزه تنها - بدون ولایت فائده نخواهد داشت ولی ولایت آل محمد «ع» بدون عمل زیاد هم ممکن است اسباب نجات باشد زیرا ولایت اصل است مثل درختی که ریشه دارد اما شاخ و برگ آن را قطع کرده باشند. و مثل این را خداوند در قرآن زده است (الم تر کیف ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء تزیی أكلها كل حين یأذن رهما یضرب الله الامثال للناس لعلهم یتذکرون... و مثل كلمة خبیثة كشجرة خبیثة...).

و از حضرت صادق (ع) نقل شد، که فرموده اند این ثمر را خداوند برای اهل

بیت و دشمنان ایشان زده است.

و بالاخره آنچه در اخبار و روایات ائمه اطهار و آیات قرآن آمده است این است که با وجود بودن ولایت خداوند همه گناهان را می‌آمرزد اما نفرموده‌اند هر چه می‌خواهید گناه بکنید و همان ولایت کافی است حالا اگر بعضی سوء تعبیر نموده‌اند یقین غرض خاصی داشته‌اند و یا مطلب را نفهمیده‌اند... و این که بعضی خیال کرده‌اند امر ولایت و دوستی یک فریضه است و سایر فرایض هم هر یک فریضه‌ایی دیگر این اشتباه است، امر ولایت اصل است و سایر فرایض فرع اوست... ولایت اگر نباشد هیچ عمل خیری نیست.

س. آیا به نظر شما جایز است کسی بگوید پیغمبر و امام وجه‌الله هستند و جایز است آنها را سجده کنند و خلاصه به نظر شما پرستش کردن پیغمبر یا امام جایز است یا نه؟

جواب. اما پرستش و بندگی پیغمبر یا امام یا هر که باشد و دعوی ربوبیت در حق ایشان نمودن کفر است و شرک.

... عبادت غیر خدا به استقلال کفر است و با شرکت دیگری شرک. و اما سجده کردن برای پیغمبر و ائمه اطهار(ع) هم ولو بعنوان توسل باشد در اخبار نهی فرموده‌اند. ابوالقاسم ابراهیمی در ادامه درباره اینکه جایز است کسی بگوید پیغمبر و امام وجه‌الله هستند یا نه، طی یک مقدمات طولانی مبنی بر اینکه خدا بسیط است و همه موجودات مرکبند می‌گوید (... عادت قرآن و کلام خدا بر همین است که هر مخلوقی که می‌پسندد به خود نسبت می‌دهد و پیغمبر خود را به همین خاطر عبدالله خوانده است... حتی پیغمبران و آل محمد(ص) را نیز عین‌الله یا لسان‌الله یا جنب‌الله نامیده است. لذا اگر در قرآن برای خدا روحی قائل شده یا دستی قائل شده یا پهلوئی قائل شده هیچیک هم ذات خدا نیست بلکه

مخلوق خدایند حال اگر محمد و آل محمد(ص) را خدا تشریفاً وجه خود خوانده است به این مناسبت که خلق هم امر و نهی خدا را از وجه ایشان و جهت ایشان می‌گیرند، چه عیبی دارد جانی که عیسی روح خدا موسی هم زبان خداست، ابراهیم دوست خداست، خانه کعبه بیت خداست، ایشان (ائمہ اطهار«ع») هم وجد خدا باشند و کفر و شرکی اگر بنا بود لازم بیاید از همه آن الفاظ لازم می‌آمد... در تفسیر صافی هم از حضرت سجاد(ع) نقل شده که فرمود (نحن وجه الله الذی یوتی منه) و در مناقب این شهر آشوب است که در تفسیر (ویقی وجه ربک) فرمود (نحن وجه الله)... در دعای ندبه هم آمده است که... این وجه الله الذی الیه یتوجه الاولیاء. و بالاخره اخبار بخصوص در مورد این لفظ و در کلیه این الفاظ و معانی از حد تواتر لفظی و معنوی بلکه از حد احصاء خارج است و همه موافق قرآن و مضمون آنها در عقل و حکمت ثابت است و عمل شیعه هم بر خواندن همین دعاها و زیارات است لذا مانعی نیست که آل محمد«ص» و پیغمبر«ص» را وجه خدا بخوانیم و در موارد استشفاء و توسل به ایشان توجه نمائیم از این جهت که بندگان صالح و مقربان درگاه خدایند و ضرری از هیچ جهت به توحیدمان وارد نمی‌آید زیرا ایشان را نه شریک خدا (نعوذ بالله) می‌دانیم و نه وکیل بلکه بندگانی که به وسیله ایشان تقرب بخدا می‌جوئیم از این جهت که راه دیگر نداریم و عقیده این حقیر فقیر با ادله فوق و غیر اینها عقیده بر این است که هیچ عمل و عبادتی جز با ولایت ایشان و از راه ایشان قبول نمی‌شود.<sup>(۱)</sup>

(۱) با تلخیص و کمی تغییر. برای دیدن متن کامل جواب مراجعه کنید به کتاب فلسفه - ابوالقاسم خان ابراهیمی - ص ۸۶ کتاب چاپخانه سعادت کرمان.

آقای فلسفی در ادامه سئوالات دیگری را مطرح می‌کنند<sup>(۱)</sup> و ابو القاسم خان ابراهیمی شیخی، با مبانی مکتب خود همه را پاسخ می‌گوید در نهایت این سئوالات و جوابها برای مطالعه و اظهار نظر به خدمت حضرت آیت الله بروجردی برده شد. معظم له پس از مطالعه جوابهای ابو القاسم خان شیخی فرموده بودند (این حرفها مطابق با روش امام صادق «ع» نیست<sup>(۲)</sup>) مع الاسف بعدها این سؤال و جوابها توسط خود ابو القاسم خان به صورت یک کتاب چاپ شد که در مقدمه به دروغ نوشته شده بود: این کتاب از شرف مطالعه حضرت آیت الله العظمی آقای بروجردی ادام الله برکاته نیز گذشته است و با حدس صائب تصور می‌کنم که مورد قبول و تصدیق آن حضرت واقع شده است و اشکالی نفرموده‌اند<sup>(۳)</sup>.  
وقتی صحت این قضیه از معظم له سنوالت<sup>(۱)</sup> شد ایشان صراحتاً به طور

(۱) سئوالات از این قرار است: س. اگر کسی بگوید افعال خدا صادر از صفات خدا که همان آل محمدند (ص) آیا صحیح است؟ و اگر کسی بگوید عالم به تخیلات و تصورات امام قائم است آیا صحیح است؟ چرا تولی و تبری را رکن نامیده‌اید؟ معاد رکن دین و ضروری است یا نه؟ و... (کتاب فلسفیه).

(۲) کتاب خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی - ص ۳۸۶ - انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ اول ۱۳۷۶..

(۳) رجوع کنید به مقدمه کتاب فلسفیه - تألیف ابو القاسم خان بن زین العابدین ابراهیمی کرمانی - کرمان چاپخانه سعادت کرمان.

(۴) سؤال کننده مرحوم سید محمد حسین شریعت اصفهانی (ره) بودند - که در کتاب خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی ص ۳۸۶ موجود است - ضمناً این قضیه را آیت الله اشتهازی نیز در مصاحبه اختصاصی مرکز ادیان و مذاهب نیز به طور مکتوب مرقوم داشته‌اند.

چندین سال بعد یکی از نویسندگان شیخی اعتراف کرد که مرحوم آقای ابو القاسم خان هیچ یک از گفتهای پیشتان خود را تغییر نداده و مطالب ایشان در کتاب فلسفیه عیناً همان مطالبی است که در سایر کتب علماء شیخیه نوشته شده و در کتابخانه های عمومی کشور موجود است. نامه ها و اظهارنامه ها، عیسی ضیاء ابراهیمی. مجله وحید سال ۱۵ شماره ۱۱ شهریور ۵۶ صفحه ۸ به نقل از کتاب خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی ص ۳۸۶.

مکتوب مرقوم فرموده بودند که:

(بسمه تعالی)

این مطلب دروغ و حدس مذکور غیر صائب است. حسین الطباطبائی. نقل می‌کنند آیت‌الله بروجردی در حال ورود به حرم حضرت رضا<sup>(ع)</sup> بود که مشاهده کرد یک روحانی به عنوان احترام به حضرت رضا<sup>(ع)</sup> به سجده افتاده ایشان با دیدن این صحنه شدیداً ناراحت شدند و عصای خود را محکم بر پشت آن روحانی کوفتند و گفتند: این چه کاری است با این عملت دوگناه مرتکب شدی اول اینکه سجده بر غیر خدا کردی و دوم اینکه روحانی هستی و این کارت الگوی دیگران می‌شود.<sup>(۱)</sup> و این به خاطر این بود که ایشان سجده را از عناوین قصدیه نمی‌شمردند و لذا اگر کسی به حالت سجده بیفتد و قصد سجده هم نداشته باشد ایشان باز هم جایز نمی‌دانستند لذا وقتی از ایشان سؤال شد که ابو حمزه ثمالی وقتی خدمت حضرت سجاد<sup>(ع)</sup> رسیدند خم شدند و قبل علی یدیه و رجليه و اگر سجده از عناوین غیر قصدیه باشد سجده محسوب می‌شود پس چرا ایشان سجده کرده است؟ ایشان بعداً فرموده بودند نه خیر سجده از عناوین قصدیه است و لذا سجده برای غیر خدا جایز نیست.<sup>(۲)</sup> ظاهراً ایشان این روایت را قبول نداشتند.

نقل شده که روزی بعد از نماز جماعت شخصی شروع به خواندن تعقیبات نماز کرد و در اول آن گفت (اللهم بحق محمد و آله علیک) همین معظم‌له این جمله را شنید و برآشفت و فرمود (علیک) را نخوانید، محمد(ص) و آل او حقی برگردن خدا ندارند.<sup>(۳)</sup>

- (۱) به نقل از مجله حوزه شماره ۴۳-۴۴ ص ۱۴ همچنین حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمودند که ایشان از بوسیدن عتبه منع می‌فرمودند تا اینکه کسی شبهه و تهمتی به تشیع نزنند (به نقل از کتاب الگوی زعامت - محمدعلی آبادی - ص ۱۱۷).
- (۲) خاطرات شیخ مجتبی عراقی - الگوی زعامت - محمدعلی آبادی ص ۱۱۴
- (۳) نقل از حجت‌الاسلام ادیب.



## تقیه کردن آیت الله بروجردی (ره)

معظم له بر آن بود که تا حد امکان زمینه را برای تتبع و تحقیق فراهم نمایند تا در سایه آن طلسم جمود و تعصب یکسونگری و احتیاطزدگی شکسته شود لذا همیشه سعی می کرد در فتوای خود واقعیت های موجود را در نظر گیرد و اما حتی او نیز گاهی مجبور بود به لحاظ فضای تعصب آلود در نظرات خود راه تقیه را پیش گیرد.

خود می فرمود: در اول مرجعیت من گمان می کردم که از من استنباط است و از مردم عمل هرچه فتوا بدهم عمل می کنند ولی در جریان بعضی از فتواها دیدم مطلب این طور نیست. <sup>(۱)</sup> لذا مرحوم محققى که نخستین نماینده آیت الله بروجردی در آلمان بود نقل می کرد که در یک سفر که از آلمان به قم آمده بودم از ایشان پرسیدم ما در آلمان با مسیحیان رفت و آمد داریم و ناگزیر از دعوت آنها و بازدید از آنهایم، در مسئله طهارت و نجاست چه کنیم؟ ایشان فرمودند: آیت الله اصفهانی قائل به طهارت اهل کتاب بودند. گفتم مردم مقلد شمایند نظر شما چیست؟ فرمودند سخت نگیرید.

همچنین آیت الله انگلی نقل می فرمود که به آیت الله بروجردی گفتم چرا شما خرید و فروش رادیو را منع کردید؟ آیا واقعا اشکال دارد؟ فرمودند اشکال ندارد ولی من از این عرقچین به سرها می ترسم. <sup>(۲)</sup>

(۱) خاطرات استاد مطهری به نقل از کتاب الگوی زعامت ص ۱۰۷ - مؤلف محمدعلی آبادی - انتشارات اسلامی یعقوبی.

(۲) این دو خاطره را از آقای محمدجواد حجتی کرمانی نوشته شده در روزنامه اطلاعات شماره ۱۸۵۸۲ - یکشنبه ۱۷ مهرماه ۶۷ نقل کرده ام.

### مبدأ و منشاء تفکرات آیت الله بروجردی (ره)

در اینکه آیت الله بروجردی اندیشه‌های تقریبی و همچنین توجه به فقه عامه را مسلماً از فرد یا افرادی خاص اخذ کرده و یا اینکه خودجوش به این نتایج رسیده است مدرک معتبری در دست نیست ولی قدر مسلم این تفکرات را در زمان قبل از حضور در حوزه نجف به دست آمده است زیرا در بین علمای نجف این شیوه به هیچ وجه یافت نمی‌شود صاحب‌نظران احتمال می‌دهند که فضای حاکم در حوزه اصفهان باعث تولد چنین افکاری در معظم‌له شده باشد.

البته وجود فرهیختگانی همچون سید محمد باقر درجه‌ای - حاج آقا رحیم ارباب و مرحوم شریعت اصفهانی در این حوزه و دلبستگی و علاقه وافر آیت الله بروجردی به این بزرگان و استفاده از محضر این بزرگان، این نظر را تقویت می‌کند زیرا هر یک از این بزرگان کم و بیش دارای چنین افکار بلندی بوده‌اند.<sup>(۱)</sup> به هر حال مهم اینست که این تفکر در آیت الله بروجردی به اوج خود رسید و با تمام سختی و ناهمواریهایی که وجود داشت لباس عمل پوشید و نقطه عطفی در تاریخ تقریب بین مذاهب شد سالها برای به ثمر رسیدن وحدت مسلمین کوشید و آرزوهای بزرگی را در این راه دنبال می‌کرد قبل از رحلت خود و درست در ثانیه‌های آخر عمر خود به اطرافیان گفته بود که من آرزوها در این زمینه داشتم<sup>(۲)</sup> و در همان حالت کسالت فرموده بود وقتی شیخ محمد تقی (رابط

(۱) مراجعه کنید به حضرات آیات جعفر سبحانی در ص ۱۸۰ مجله حوزه ۴۳-۴۴-  
واعظزاده خراسانی - ص ۲۲۰ - مجله حوزه ۴۳-۴۴ حیدرعلی محقق مجله حوزه ۵۳-  
ص ۵۷ و ...

(۲) به نقل از استاد شهید مرتضی مطهری - شکوه فقها ص ۱۶۴.

بین ایران و مصر در مسأله تقریب بین مذاهب که در آن موقع در مصر بود) آمد به او بگوید پیغام مرا به شیخ شلتوت برساند و بین ایران و مصر را اصلاح کند می‌ترسم زحمات چندین ساله‌ام از بین برود.<sup>(۱)</sup> او نه علاقمند به تقریب بلکه عاشق و دلباخته تقریب بود و حتی از سهم امام «ع» هم برای این راه مصرف می‌کرد<sup>(۲)</sup> اما هزار اما که تا سالها پس از رحلت آیت‌الله بروجردی نه تنها در ایران بلکه از مصر نیز همتی جدی نجنبید و تفکری ضرورت این میراث را در نیافت و باز رشد این نهال نوپا رو به افول نهاد.<sup>(۳)</sup> تا اینکه به برکت انقلاب اسلامی و با نفس مسیحایی رهبر کبیر انقلاب، بار دیگر از طرف ایران ندای همکاری و همدلی بلند شد و امید تازه‌ایی را در دلها دمید. به امید روزی که همه ما چون این بزرگان زیبا فکر کنیم، زیبا بگوییم و زیبا از حریم اسلام و تشیع دفاع نماییم.

والسلام وعلیکم ورحمه‌الله

(۱) سیدجعفر احمدی مجله حوزه ۴۳-۴۴ ص ۸۲

(۲) مصاحبه اختصاصی مرکز ادیان بانوه مکرم ایشان جناب آقای علوی.

(۳) آیت‌الله علوی بروجردی نقل نمودند که بارها شیخ محمدتقی قمی پیش من گریه می‌کرد و از اینکه علماء راه آیت‌الله بروجردی را ادامه ندادند گله‌مند بود، حتی بعد از انقلاب مجبور شدند به خاطر همین مسائل به کشور دیگری مسافرت نمایند.



# آثار علمی آیت الله العظمی بروجردی

(ترجمه مقاله آثار علمیة للامام البروجردی از کتاب

الامام البروجردی (ره) اثر استاد واعظ زاده خراسانی)



## بسم الله الرحمن الرحيم

### مقدمه

در آخرین مراحل علم حدیث و رجال در روزها و قرن‌های گذشته، ما شاهد دو موسوعه بزرگ در قرن چهاردهم بودیم:

۱- موسوعه حدیثی به نام مستدرک الوسائل که متعلق به محدث برجسته حاج میرزا حسین نوری طبرسی (متوفای ۱۳۲۰ هـ- ق) می‌باشد. در این موسوعه آنچه را که مرحوم شیخ حرعاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴) در کتاب ارزشمند (تفصیل و مسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة) از احادیثی که نیآورده بود، در کتاب مستدرک نگارش نمود. و موسوعه دیگری بر همین منوال بنام مستدرک بحارالانوار که توسط میرزا محمد عسکری تهرانی مقیم سامرا (متوفای: ۱۳۷۱ هـ) نگاشته شده و مکمل کتاب بحارالانوار علامه محمدباقر مجلسی (ره) (۱۰۳۷-۱۱۱۰) می‌باشد گرچه تاکنون آن را ندیده‌ایم.

۲- موسوعه رجالی بنام (تنقیح المقال فی علم الرجال) اثر علامه شیخ عبدالله مامقانی (متوفای ۱۳۵۱ هـ) که کتاب قاموس الرجال به نگارش علامه مرحوم محمدتقی شوشتری در ده جلد به آن ملحق شد و هم چنین کتاب (معجم رجال الحدیث) در بیست و پنج جلد اثر فقیه زمان آیت‌الله سیدابوالقاسم خوئی (متوفای: ۱۴۱۳ هـ) به آن ملحق شد.

اما موسوعه‌های دیگری مانند (الذریعه الی تصانیف الشیعه) که متعلق به علامه بزرگ و شیخ مشایخ زمان خویش آغا بزرگ تهرانی (متوفای: ۱۳۸۹هـ- پیش از ۹۰ سال عمر) می‌باشد و او در این موسوعه فضلاء را در کنار بزرگان از علماء آورده و ما و آنان را به اجازه حدیث شرافت داد و نیز کتاب (اعلام الشیعه) اثر اوست و کتاب (اعیان الشیعه) اثر علامه فقید سیدمحسن امین عاملی (۱۲۹۲- ۱۳۷۰) می‌باشد. این کتاب‌ها و مانند آن گرچه مشتمل بر تبیین زندگینامه رجال و حدیث است، اما هدف اصلی آن جرح و تعدیل (و یا رد و تأیید) راویان نیست (که هدف همه کتب رجالی است)، بلکه غرض اساسی از کتاب (الذریعه الی تصانیف الشیعه) همان طوری که از نام آن پیداست، بیان تألیفات و آثار مؤلفان شیعه امامیه است ولی در کتاب (اعلام الشیعه) از زندگینامه علمای شیعه بحث کرده است. کما اینکه در کتاب (اعیان الشیعه) همین‌طور است که در این کتاب به آشنائی گسترده با زندگینامه شخصیت‌های معروف این طایفه بزرگ اسلامی اعم از علماء و سایر شخصیت‌های اسلامی از وزراء، امراء، پادشاهان، فرماندهان و هر کسی که دارای شأن و منزلت و اثر قابل ذکر است، پرداخته است.

و این چنین است شأن سایر موسوعه‌ها از کتب تراجم مختصر یا مفصل مثل کتاب (الکنی واللقاب) اثر محدث زبردست شیخ عباس قمی (۱۲۹۴-۱۳۵۹هـ) و سایر کتاب‌هایی که بر این منوال است که تعداد آنها بسیار است بخصوص که به زبانهای فارسی و عربی و زبان‌های مختلف اسلامی نوشته شده است.

و در کنار تمام آنچه گذشت، خداوند در جهان معاصر علم و علماء شمرانظی را تهیه کرد تا اینکه امام اکبر و پیشوای بزرگ استاد مرحوم آیت‌الله بروجردی که



از خاندان بزرگ و ریشه‌دار علم و شرف و فضیلت است، کار بزرگی در علم حدیث و رجال به انجام رساند و شایسته است که آن را یک انقلاب در تاریخ دو علم حدیث و رجال بنامیم.

این پیشوا با توجه به تخصص در فقه و اصول و سایر علوم اسلامی در سطح بسیار بالا که موجب رهبری جهان تشیع برای ایشان شد، قسمت بزرگی از عمر خویش را صرف در علم حدیث و رجال نمود و طرح‌های نوینی در آنها ارائه داد که موجب شد تا یکی از حلقه‌های برجسته حرکت پیش رونده این دو علم باشد. و دو امر در این راه یا رای ایشان بود:

۱- همان طوری که قبلاً شرح دادیم ایشان مدتی از عمر تحصیلی خویش را در اصفهان گذراند. حوزه عملیه اصفهان در آن زمان براساس روش قدما پیش می‌رفت که در آن اهمیت بسیاری به علوم نقلی در کنار علوم عقلی داده می‌شد و دارای مردان بزرگ و آشنای به حدیث و رجال بود و برخی از علوم که در حوزه‌های دیگر در حال فراموشی سپرده شد یا در حال فراموش شدن بود در حوزه شکوفای هزارساله اصفهان خصوصاً در عصر صفویان و ما بعد آن که با وجود علمای آشنای به همه فنون اسلامی آباد بود و از جمله علم رجال و حدیث تدریس می‌شد و بهترین شاهد آن است که ابونعیم اصفهانی (جد بزرگ خاندان مجلسی) کتاب (حلیة الاولیاء و غیر از آن را از هزار قبل برای ما برجای گذاشت و علامه سیدمحمد باقر روضاتی کتاب ارزشمند (روضات الجنات فی تراجم الفقهاء والسادات) را پیش از صد سال در این شهر (اصفهان) به تألیف رساند.

این جو علمی اثر خود را بر این دانش پژوه (که از بروجرد با آن همه

استعدادی که داشت آمده بود) گذاشت.

آری از آن پس اثرش را بر خط و مشی فکری و روش علمی او مشاهده کردیم و گزافه نیست اگر بگوئیم آرای ایشان تداوم بخش فرهنگ اصفهان بود (با توجه به اینکه فرهنگ حاکم آن زمان حوزه نجف گرایش به فقه و اصول داشت) که گرایش عقلی آن بیش از نقلی است.

۲- استاد پس از آنکه بهره کافی از نظر علمی و عملی خود را از علوم مختلف بخصوص فقه و اصول در نجف بدست آورد، بسوی وطن خویش که همانا بروجرد است، بازگشت. و در کتابخانه مخصوص خود که دارای کتاب‌های گران سنگی بود، به تحقیق و بررسی قریب به چهل سال (از ۱۳۲۸ تا ۱۳۶۴) مشغول شد. آنگاه به شهر مقدس قم منتقل شد و از جمله علوم مورد اهتمام او علم رجال بود.

ضمن تدریس، بحث و تألیف هر آنچه را که علمای اسلام در این خصوص بطور گسترده بیان کرده بودند، مورد تجدیدنظر قرارداد بدون آنکه نظر خویش را در دیدگاه مذهب امامیه منحصر کرده باشد.

سپس در آن مقطع زمانی دیدگاه و مکتب خاصی در دو علم رجال و حدیث که بهم مرتبطند، بوجود آورد.

آنگاه به شهر قم (شهر اجتهاد، قیام و شهادت) منتقل شد. شهری که در آن بزرگترین دانشگاه‌های اسلام و خانه‌های علم و دانش مستقر است.

او که در سینه خویش علوم فراوان و آرزوهای بزرگ و عزم قاطع را حمل می‌کرد در مقابل خود چشم‌انداز وسیعی از نشانه‌های اصلاح را دید که این چشم‌انداز منحصر به مذهب و کشور خود نبود بلکه شامل تمام جهان اسلام بود.

سپس رهبری جهان تشیع از آن او شد و با علم سرشار خود افاضه می‌کرد و با دیدگاه حکیمانانه‌اش ارشاد و تعلیم و تربیت می‌نمود تا اینکه مکتب جدیدی را بین علما و دانش‌پژوهان بوجود آورد. ملاک‌ها و موازین علمی را بر هم زد و انظار را بسوی قدیم و قدماء و سنت‌های فراموش شده نزد فقها، بازگرداند و مسائل مستحدثه و آرای نوین علوم اسلامی را بخصوص در دو زمینه فقه و اصول مورد توجه قرار داد همان‌گونه که قبلاً شرح دادیم.

آنچه که در این جا مهم است پرده‌برداری از دیدگاه ایشان در دو علم حدیث و رجال است به عنوان پیش مقدمه جهت آشنائی با آثار رجالی گسترده و موسوعه ایشان در این سخن کوتاه اشاره می‌کنیم.

#### خلاصه کلام:

پس از بررسی‌های طولانی در کتب رجال و حدیث و مراجعات مکرر در این کتاب‌ها و مقایسه روش و مسلک طائفه امامیه و کتاب‌های آنان با آنچه که از کتب اهل سنت بدست ما رسیده بود و روش ایشان در حدیث و رجال، سرانجام دیدگاه ایشان بدانجا رسید که مؤلفان طائفه امامیه به متتهای مقصود و مراد در این دو علم از حیث حجم عمل و کمیت آن رسیده‌اند بدین گونه که آنان احادیث را جمع‌آوری و ضبط نموده و به ذکر اسامی رجال و زندگینامه آنان، که مشتمل بر سایر علمای غیررجال و حدیث می‌باشد، پرداختند و موسوعه‌های بزرگی را تألیف نمودند که به مرور زمان مفصل و مبسوط گردید و به جانی رسید که بسیار دشوار است برای دیگران که بخواهند مطلبی یا چیزی را که فقیه بدان نیازمند است، بر آن اضافه نمایند.

بنابراین بحث‌های ایشان (استاد) کامل بوده و از نظر حجمی و کمی به منتهی‌الیه نیاز رسید ولی از جهت کیفی، با توجه به خبری که استاد به دست آورده بود، بر این باور بود که بایستی کار نو و ابتکاری را در راه شکوفائی دوعلم و پیشرفت آن ایجاد نمود که زمینه بسیار گسترده در آن وجود دارد از این روی، عزم را جزم نمود تا فعالیت مثبتی با استعانت از خداوند متعال در این زمینه انجام دهد و ما اکنون مکتب نوین رجالی ایشان را شرح می‌دهیم.

#### مکتب نوین استاد و اثرش در این دو علم (حدیث و رجال)

استاد با تفصیل و اجمال در حلقات درسی علم رجال و حدیث، برای شاگردان خصوصی خود، و درس‌های عمومی خود که مشتمل بر فقه و اصول بود، چنین می‌فرمود: (البته به طور خلاصه عرض می‌کنم) آنچه که مورد نیاز فقیه است از احادیث در کتاب (وسائل الشیعه) جمع‌آوری شده است ولی کتاب مستلاک چیز زیادی در آن نیست که فقیه به تنهایی به آنها استناد نماید.

زیرا بیشتر آنچه که در این کتاب (مستلاک) آمده به عنوان مؤید روایاتی است که در وسائل آمده است با اینکه عمده آنچه که در وسائل آمده است، روایاتی است که از کتب اربعه مشهوره گرفته شده است و آن روایات نیز در کتاب الوافی اثر فیض کاشانی (متوفای: ۱۰۹۱هـ) که با روش ابتکاری و مختص ایشان جمع‌آوری شده است، وجود دارد بخصوص اینکه در تلفیق اسناد روایات و ضبط موارد اختلاف، نیاز به تحقیق دقیق دارد.

این احادیث عمده مورد اعتماد در فقه امامیه است همان طوری که این کتب اربعه به عنوان صحیح‌ترین، قدیمی‌ترین و مشهورترین کتب حدیسی نزد امامیه

می‌باشد و نسخه‌های قدیمی صحیح بسیاری وجود دارد که بر اساتید بزرگ خوانده شده است و به طریقه‌های متعدد و غیرقابل شمارش به تألیف‌کنندگانش یعنی مشایخ ثلاثه بزرگ (کلینی - صدوق - طوسی) می‌رسد.

اما سایر کتاب‌های حدیثی طائفه شیعه به این منزلت نمی‌رسد. پس با توجه به آنچه که گذشت روشن می‌شود که روایات فقهیه شیعه امامیه نزد حضرت استاد (بروجردی) از حیث صحت اعتماد بر آن و نیاز فقیه به آنها بر سه گروه است:

۱- احادیث کتب اربعه از بیشترین اعتماد در نزد ایشان برخوردار می‌باشد با توجه به اینکه هر آنچه که در آنها هست، صحیح مصطلح نیست و به آنها صحاح اطلاق نمی‌شود همان طوری که اهل سنت به کتب شش‌گانه خودشان اطلاق می‌کنند و به آنها صحاح لسته می‌نامند.

۲- احادیثی که در غیر کتب اربعه آمده است و شیخ حرعاملی آنها را در کتاب الوسائل آورده است که بخش زیادی از آنها مؤیدات مکرر نسبت به آنچه که در کتب اربعه آمده است، می‌باشد و بخش کوچکی از آنها روایاتی است که فقیه به تنهایی به آنها اعتماد نمی‌کند مگر آنکه در مسائل شاذ و کمیاب باشد.

۳- روایاتی که محدث نوری در مستدرکش و علامه مجلسی در بخش احکام در بحار الانوار و یا غیر این دو کتاب مذکوره آورده‌اند. این احادیث، علاوه بر آنکه در وسائل از نظر متن و سند و مأخذ تکرار شده است، کمتر حدیثی در آنها وجود دارد که در دو گروه اول و دوم وجود نداشته باشد.

پس روشن که تلاش‌های زیادی از قدمای محدثین و هم‌چنین متأخرین جهت جمع‌آوری و تتبع احادیث مبذول گشته است تا اینکه از حد نیاز گذشت. پس ما با وجود این همه آثار و موسوعه‌های فراوان، نیاز به فزون‌خواهی

نیستیم و تفحص در راه بدست آوردن احادیث کمیاب از مصادر غیرمعروف و معتبر جهت افزودن بر آنچه که سلف صالح تألیف کرده‌اند، ضروری نمی‌باشد. پس با صرف نظر از گستردگی کمی بسوی تنقیح آنچه که هست روی آوریم چیزی که زمینه گسترده و نیاز مبرم به آن است. این همان کاری است که امام بروجردی در علم رجال و حدیث متصدی آن شد.

اما درخصوص حدیث همان طوری که قبلاً گذشت، مهمترین و جامع‌ترین کتاب حدیث فقهی که فقیه به آن نیازمند است کتاب وسائل الشیعه است، که به عنوان یگانه مرجع فقها در قرون سه‌گانه اخیر گردید و این بدان علت است که این کتاب دارای زیبایی‌های خاص و دلایل برتری بر سایر کتاب‌ها می‌باشد.

از جمله این دلایل رجحان، برای هر مسئله فقهی باب خاصی را در نظر گرفت عنوان مبسوط و روشنی که نشانگر فهرست این کتاب است گوئی که یک متن فقهی است بر سایر متون برتری دارد که مؤلف آن را (من لایحضره الامام) نامید زیرا که در برگیرنده تفصیلی عناوین ابواب مختلف است.

گرچه این کتاب دارای فایده‌های بسیاری است ولی از دیدگاه استاد بروجردی خالی از نقصان نیست مهمترین آن این است که مرحوم شیخ حرعاملی ملتزم شد که برای هر مسئله فقهی که در احادیث آمده، عنوان جداگانه‌ای در نظر بگیرد و همین امر ایشان را وادار نمود که احادیث یا احیاناً پاره‌ای از احادیث را در جاهای مختلف تکرار نماید و همین تکرار موجب ایهام افزایش احادیث بر تعداد واقعی آنست تا آنکه گفته شده حدود ده هزار حدیث از مجموع سی و پنج هزار حدیث این کتاب تکراری است و هم‌چنین ذکر تقطیع و بریده‌ای از حدیث، موجب از دست رفتن بسیاری از امارات و نشانه‌های تبیین‌کننده غرض است

زیرا که شیخ حرعاملی احیاناً عناوین بعضی از ابواب را بنا به مناسبت مختلفی در کتابش تکرار نموده است و از طرفی روش مؤلف تفکیک بین امثال و نظائر است.

در بسیاری از ابواب، روایات متعددی از یک راوی نقل شد شاید که همه آنها به یک روایت واحده بر می‌گردد ولی مؤلف آنها را در ابواب مختلف تفکیک کرده و یا اینکه آنها را جداگانه و بدون ارتباط و انسجام در یک باب آورده با اشاره به آنچه که قبلاً گذشت یا اینکه در ابواب آینده خواهد آمد در حالی که عنوان باب و کتاب مورد نظر را مهمل گذاشت.

امری که وادار نمود برخی از افرادی را که پس از ایشان آمدند، برای رفع مشکل، حاشیه و یا کتاب توضیحی را تألیف نمایند و یکی از آخرین تلاش‌هایی که این‌گونه عمل کردند، آن چیزی که دوست و رفیق ما در روزهای درس و در کمیته حدیث نزد امام بروجردی یعنی مرحوم مغفور علامه متبوع و مجاهد نستوه شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی در تصحیح و تقدیم آخرین چاپ کتاب (وسائل الشیعه) آورده است که پس از آن مؤسسه آل البیت چاپ بعدی را انجام داد و ملاحظه دو چاپ اخیر نشان دهنده زحمت و تلاشی که گروه حدیث در راه ذکر مصادر و تعیین مواضع و محل‌های «مانتقدم و یأتی»، از این کتاب، کشیده‌اند، می‌باشند. برای فقیه کثرت روایات مهم نیست آنچه که برای فقیه مهم است احاطه کامل بر طرق و متون مختلف حدیث است زیرا که می‌خواهد به حدیث به عنوان سخن کامل صادر شده از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) نگاه کند، تا بر طبق آن عمل نماید.

شاید بتوان گفت که امام بروجردی در میان هم‌تایان خود در زمینه ارجاع

روایات مختلف به یک روایت و استخراج نص از مجموع احادیث با استناد به یک سنت جاریه در حدیث، بی نظیر بوده است زیرا که فراوانی واسطه‌ها و پشت سر هم بودن آنها و تعدد طریقه‌ها و فاصله زمانی و خطای نسخه برداران و تسامح و تساهل روایان در نقل حدیث به معنی و اسباب دیگری از این قبیل از یک روایت، روایات مختلف و متشابه و احیاناً متعارض و متضاد ساخته است.

خلاصه اینکه کثرت اهتمام به کمیت و فراوانی حدیث و حرص بر اینکه هر مسئله فقهیه عنوان خاص داشته باشد، از جمله اسبابی است که موجب نقیصه در کتاب (وسائل الشیعه) گشته است و این امر استاد را بر آن واداشت تا کمیته‌ای از شاگردانش تحت اشراف خود انتخاب نموده و در طول ۷ سال کتاب جامعی از آنچه که در وسائل شیعه آمده، تألیف نماید.

این کتاب با روش ابتکاری و نوین بدور از تکرار و تقطیع (تکه‌تکه شدن حدیث) و تفریق و تفکیک نظائر و مشابه و به نقل از صحیح‌ترین نسخه‌های موجود از کتب اربعه و غیر آن تألیف شده است و بحمدالله این کتاب منظم‌تر و مستندتر و دسته‌بندی‌تر از دو کتاب مستدرک و وسائل شیعه می‌باشد که شامل آنچه که در مقدمه کتاب از مزایا و امتیازات آورده شد که ما در این جا به طور مختصر ذکر خواهیم کرد و تألیف این کتاب در زمان استاد انجام گرفت و نام آن را جامع احادیث الشیعه گذاشت که به این کتاب استناد می‌نمود و آن را تصحیح می‌کرد و نظر خویش را در هنگام تحقیق ارائه می‌نمود و در کمیته حدیث شرکت می‌نمود و کار را پیگیری می‌کرد تا اینکه کتاب به چاپ رسید.

هنگامی که بخشی از جزء اول چاپ سنگی شد، مشغول به نگارش مقدمه کتاب گردید که اجل وی را مهلت نداد و آنچه را که درصدد ذکرش در مقدمه



بود تکمیل نکرد تا اینکه فرزند عالم و فاضل ایشان آقای سید محمدحسن بروجردی، با استفاده از آنچه که از پدرش شنیده بود و آنچه که دیگران از اعضای کمیته نوشته بودند و آنچه را که من در حیات استاد درصدر کتاب آورده بودم و استاد آن را دید و پسندید، مقدمه را کامل کرد.

مقدمه طولانی را در جزء اول پیوست و سپس یک یا دو جزء از این کتاب، به همین ترتیب منتشر شد ولی چاپ کتاب با مرگ فرزندش رحمة الله علیه متوقف گردید تا اینکه مرجع بزرگ آیت الله خوئی رضوان الله تعالی علیه تمام مخطوطات (نسخه‌های خطی) را خریداری نموده و دستور به چاپ آنها داد که تاکنون ۱۹ جلد آن در قطعه‌های کوچک وزیری چاپ شد که شامل تمام کتب عبادات می‌باشد و آخرین کتابی که بدست آورده‌ام کتاب امر به معروف بود که در ۲۶ جلد چاپ شد و کسی که متصدی چاپ کتاب و اشراف بر آن را برعهده داشت خود یکی از اعضای کمیته مذکوره (کمیته تحقیق) یعنی عالم فاضل شیخ اسماعیل ملایری بود که تاکنون امر کتاب را پیگیری می‌نماید و از خداوند متعال آرزوی توفیق را برای ایشان دارم.

#### «چکیده‌ای از داستان این کتاب»

اگر می‌خواستیم داستان این کتاب را بطور تفصیلی بیان کنیم، مستلزم نوشتن یک رساله و یا کتاب بود که جایگاه آن اینجا نیست ولی خلاصه آن را برای شما بیان می‌کنیم.

استاد همیشه بوجود خلل و نقص در کتاب وسائل الشیعه اشاره می‌کرد تا اینکه روزی در محضر درس اعلام کرد که مصمم است این اشکال را برطرف

نماید (و آن زمانی بود که بحث استاد در کتاب الصلاة به (باب صلاة اله جل بحداء المرأة) رسیده بود) از جهت اینکه دارای احادیثی است که نیازمند به تنظیم بود لذا به طلاب و فضلا پیشنهاد داد هرکس که بخواهد در این کار شریک شود، روایات این باب را تنظیم و برایم ارسال نماید تا در روز مشخصی در خانه ایشان برویتشان برسد در این تألیف حدود ۴۰ نفر که من یکی از آنها بودم شرکت کردند سپس روایات را تنظیم و نامه‌ای بر آن افزودم که در آن نامه نقص‌های موجود در کتب فقه و حدیث را بطور عام ذکر کردم که این نقائص شامل تألیف، چاپ و انتشار بود.

علاوه بر آن در رابطه با کتاب خلاف شیخ طوسی که چاپ آن برای اولین بار بدست استاد صورت گرفت هیچ‌گونه ذکری از سختی‌هایی که در راه تصحیح و تألیف آن کتاب تحمل نمود، به میان نیاورد سپس آنچه را که در ذهنم خطوط می‌کرد از راه‌های اصلاح و تجدید در این خصوص، پیشنهاد دادم و تاکنون این نامه نزد من آماده انتشار است.

روز موعود فرا رسید استاد شاگردان را جمع کرد در حالی که جزوات ارائه شده را بدست گرفته بود سپس نظر خویش را نسبت به یکایک آنها ارائه نمود تا اینکه به من رسید نامه را گرفت و بخشی از آن را مطالعه نمود و به نقص موجود در چاپ کتاب خلاف اعتراف نمود و سختی‌های متحمل شده چندین ساله تحقیق این کتاب را بازگو نمود و اینکه بایستی این‌ها را در اوائل کتاب ذکر می‌نمود کتابی که پس از هزار سال برای اولین بار منتشر می‌شد ولی مصادر و مخطوطاتی که از آنها استفاده شد ذکر شد جلسه بدون هیچ‌گونه تصمیم‌گیری به پایان رسید. پس از چند روز ایشان ۲۴ نفر از میان شرکت‌کنندگان را انتخاب نمود که

یکی از آنها من بودم. کتاب‌های موجود در وسائل الشیعه را از طهارت تادیات بین افراد تقسیم نمود که سهم من کتاب نکاح و ملحقاتش بود. همه افراد مشغول به ترتیب و تنظیم روایات و مسائل و مستدرکاتش طبق روشی که استاد پیشنهاد کرده بود، شدند.

استاد با آنها در ارتباط بود و هفته‌ای یک بار یا بیشتر در کمیته تحقیق شرکت می‌کرد و آنها را راهنمایی می‌نمود و به سؤالات آنها پاسخ می‌داد و بر کارهای آنها اشراف مستمر داشت چه در خانه‌اش که در قم بود و یا اینکه تابستانها در روستای وشنوه که بود رابطه‌اش را قطع نمی‌کرد.

و در این خصوص تبادل نظر بود بین استاد و اعضای کمیته در کیفیت و روش کار یا آنچه که از آرای مخالف به آنها می‌رسید که احياناً به تشاجر و منازعه لفظی و بحث و گفتگوی‌های شدید نیز منجر می‌شد و این امر موجب شد تا شکل و روش کتاب مراحل مختلفی را طی کرده و وضعیت منتشر شده فعلی را پیدا کرد که در واقع رأی نهانی آنان بود و عموماً اختلاف در رابطه با ترکیب و عدم ترکیب بین روایات کتب اربعه و کتب دیگر بود استاد عدم ترکیب را ترجیح می‌داد بدین گونه که روایات در هر باب در یک خط افقی وسط صفحه نوشته شود و روایاتی که از غیر کتب اربعه است در زیر آن نوشته شود ما هم مدتی طبق منظر ایشان عمل کردیم اما فاصله‌ای بین اشتباه و نظائر و بین روایات شخص واحد بوجود آمد امری که استاد بسیار از آن اجتناب می‌ورزید زیرا باید همراه با هم به آن نظاره می‌کرد و حکم را با ملاحظه تمام آنها استنباط می‌نمود این همان چیزی بود که در نهایت ما به آن عمل کردیم و کتاب نیز بر همان اساس به چاپ رسید به گونه‌ای که حدیث کافی را با توجه به مناسبت و تشابه در کنار حدیث

دعائم الاسلام می‌بینید.

در حال حاضر نیاز به شرح تفصیلی مراحل تألیف کتاب نیستیم بجز یک مرحله که در ارتباط با تقریب بین مذاهب اسلامی است و مرحوم استاد به آن اهتمام می‌ورزید که بحث مورد نظر ماست.

توضیح آن این است که روزی استاد در کمیته تحقیق حاضر شد و کتابی هم به همراه داشت سخن خویش را این‌گونه آغاز نمود: «احادیث اهل سنت در باب احکام خیلی کمتر از احادیث اهل بیت نزد ماست به نظر می‌رسد ذکر آنها پیوسته باب‌های کتاب ما شایسته باشد زیرا که در جمع بین آنها فایده‌های بسیاری است و مطالعه آنها در امر استنباط دخالت دارد به این طریق مشخص خواهد شد چه مقدار از احادیث در هر باب نزد آنها و ما وجود دارد» سپس استاد افزود: «روایاتی که از آنها در این کتاب نقل شده است برای ما کافی است» کتاب (التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول) اثر شیخ علی منصور علی ناصف از علما دانشگاه الازهر مصر است که در آن صحاح لسته (بجز صحیح ابن ماجه) جمع شده است ما هم شروع به نوشتن آن احادیث در باب‌های مربوطه کردیم که این کار در باب طهارت و بعضی در غیر طهارت به اتمام رسید تا اینکه روزی استاد در کمیته تحقیق حاضر شد و فرمود من گفته بودم که احادیث اهل سنت در این کتاب نگاشته شود اما به نظرم رسید که آنها را حذف کنید زیرا ناشران امروزه ما ظرفیت چاپ این‌گونه کتاب‌ها را ندارند و من از فتنه می‌ترسم پس آن را به وقت دیگری واگذار نمائید کمیته نیز شروع به حذف آن احادیث نمود.

در آن هنگام من نامه‌ای به استاد نوشتم و از ایشان درخواست کردم که با

توجه به مرجحاتی که در روایات اهل سنت وجود دارد، از این تصمیم، صرف نظر نماید ولی استاد موافقت نکرد و کتاب طبق نظر استاد (بدون ذکر روایات اهل سنت) به چاپ رسید.

این حادثه را از آن روی نقل کردم که نظر استاد در خصوص تقریب بین مذاهب و ایجاد ارتباط بین شیعه و سنی را، تبیین نمایم خصوصا در زمینه فقه و حدیث که مورد اهتمام بسیاری از علما و مصلحین و جماعت تقریب بین مذاهب اسلامی در قاهره می باشد که آنان نیز دارای طرح مشخصی در رابطه با جمع آوری احادیث مشترکه میان فرقه های اسلامی بودند که تاکنون به انجام نرسید و امروزه ما در مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در صدد آن هستیم. نکته قابل ذکر دیگری در خصوص این موسوعه بزرگ (جامع الاحادیث) این است که ما از اول قصد تصرف در کتاب الوسائل برای برطرف کردن نقص ها داشتیم و هرگز به ذهن ما خطور نمی کرد که کتاب جدیدی را تألیف نمائیم کاری که در نهایت به آن رسیدیم.

کتاب تألیف شده در واقع با سایر کتب هم از نظر شکل و هم از نظر روش تفاوت بسیاری دارد گرچه ماده بحث فیما بین آنها مشترک است. تمام احادیث این کتاب در کتاب های وسایل و مستدرک نیز آمده است.

### ویژگی های کتاب جامع الاحادیث

مهمترین ویژگی های کتاب بطور خلاصه این است:

- ۱- تکرار و تجزیه حدیث ندارد مگر آنکه حدیث طولانی جامعی مانند حدیث «وصیة النبی لعلی» و حدیث «الاربعمات» که هر بخشی و جزئی از آن، خود

یک حدیث است و گمان می‌رود که قبلا، روایات جداگانه‌ای بوده و به هم ضمیمه شد و به صورت حدیث واحدی درآمد.

۲- تمام طرق و راههای یک حدیث، در اول حدیث ذکر شده که نوعی تلفیق میان آنهاست و این روش برگرفته از روش کتاب (وافی اثر فیض کاشانی) می‌باشد و این مستلزم تمرین است تا با آن مانوس شوند.

۳- از مصادر کتاب با اختصار یاد کردیم مانند «کسا» به جای «کافی» و «قیه» به جای من لایحضره الفقیه و «یب» به جای «تهذیب» و «صا» به جای «استبصار». ولی نسبت به سایر کتابها، به بریده‌ای از همان اسم خود کتاب (یعنی بخش اول اسم کتاب) اکتفا کردیم مثل: «العیون» برای کتاب «عیون اخبارالرضا» اثر شیخ صدوق(ره).

۴- احادیث یک راوی در یک باب پی در پی و پشت سر هم آمده است با علم و گمان با اینکه همه آنها یک حدیث است و این روش مختص استاد (بروجردی) است که همه این احادیث به عنوان حدیث واحد برخورد می‌کرد.

۵- تلفیق میان باب‌هایی که با هم تناسب دارند تا دچار تکرار و تعطیع (تجزیه حدیث نشویم ضمن اینکه اشباه و نظائر اخبار را در یک باب ذکر کردیم تا اینکه فقیه احاطه به همه آنها داشته باشد که این موجب آسانی استنباط است. روش ما حد و وسط میان روش صاحب وسائل و صاحب وافی است زیرا که اولی بسیاری از باب‌های هم خوان را جداگانه ذکر می‌کند و دومی بسیاری از باب‌های ناهم‌خوان را در یک باب ذکر می‌کند و هم‌چنین عنوان‌های کتاب «جامع الاحادیث» نه به افزونی و تفصیل کتاب «وسائل» است و نه به کمی و اختصار کتاب «وافی» است بلکه حد وسط میان آنها است.

۶- هم‌آهنگی میان باب‌های یک کتاب و ترتیب مناسب در تعاقب و پشت سر هم بودن آن رعایت شده است.

۷- بازگردانیدن باب‌های مستقله به جایگاه اصلی آنها در کتاب‌های حدیثی گذشتگان، در حالی که صاحب وسائل بنابر مناسبت‌هایی آنها را در کتاب‌های مختلف وارد کرده است مانند اینکه ایشان احادیث «الاولانی والظروف» و «آداب الحمام» را در کتاب طهارت آورده است در حالی که جایگاه این احادیث در کتاب خاصی بنام «کتاب الزی و النجمل» است و نیز احادیث «آداب السفر و آداب العشرة و احکام الدواب و ابواب المزار» را در کتاب حج آورده است که فقیه در آنجا به آنها نیاز دارد که با نظر استاد امثال این باب‌ها را در آخر کتاب تحت عنوان «الآداب والسنن» آورده‌ایم تا اینکه اصل کتاب ممحض استفاده فقیه جهت استنباط باشد و همچنین سایر باب‌های زیارات و ادعیه مستقله که ارتباطی به فقه ندارد.

۸- انتقال بعضی از باب‌های کتاب قضای وسائل که در بردارنده ادله احکام است، به مقدمه کتاب «جامع الاحادیث» که خود یک جلد کاملی است و دارای مقدمات عبادات است و این مثل باب‌های حجیت اخبار و راههای علاج تعارض اخبار و حجیت ظاهر کلام و حجیت عقل و ابطال قیاس و حرمت بدعت و حکم شبهات حکمیه و موضوعیه می‌باشد البته با توجه به اینکه آنچه شیخ حرعاملی آورده براساس مسلک اخباری است. تغییر بعضی از عناوین که تناسب با رای اصولین دارد که برای محققین با مقایسه میان عناوین «الوسائل» و «جامع الاحادیث» آشکار می‌شود.

۹- گرفتن احادیث از مصادر اولیه و مخطوطات معتبره که نفیس‌ترین

نسخه‌هاست خصوصاً از کتب اربعه نزد کمیته به امانت جمع‌آوری شد که بعضاً از کتابخانه استاد (بروجردی) و برخی از کتابخانه خصوصی آیت‌الله مرعشی‌نجفی که پر از مخطوطات است (زمانی که کتابخانه عمومی تأسیس نشده بود) و بخشی از مرحوم مغفور علامه سیدحسین خادمی اصفهانی و از جمله آنها نسخه‌ای از (من لایحضره الفقیه) بود که در صحت و دقت و ضبط موارد اختلاف نسخه‌ها نظیر ندارد که در آخرین نسخه جدول‌های مدور برای مشیخه وجود داشت و نیز اجازه شیخ صدوق به سید شریف‌الدین که در بلخ با شیخ صدوق ملاقات داشت و از ایشان خواست تا این کتاب را تألیف نماید و پیشنهاد داد که این نام را بر او بگذارد که برگرفته از کتاب «من لا یحضره الطیب» اثر محمدبن زکریای رازی، می‌باشد.

این مخطوطات و غیر آن را آقای بروجردی جمع‌آوری نمود و در اختیار این کمیته جهت بهره‌برداری قرار داد.

۱۰- باب‌های تکراری در مکان‌های مختلف از کتاب وسائل را در یک مکان و یک باب ادغام کردیم مثل باب (صد البلوغ للرجل والمرأة) همان طوری در مقدمه کتاب آوردیم و شیخ حرعاملی آن را در مقدمه عبادات والصوم والحج و النکاح و الحجر و احیانا در غیر آنها تکرار کرده است.

متأسفانه کسانی که متصدی چاپ کتاب شده‌اند، مصادر معتبر ذکر شده را معرفی نکردند و به عنوان نمونه صفات اول و آخر آن را- همان‌گونه که نزد محققین معمول است- نیاوردند و در این کتاب چیزهایی از این قبیل وجود دارد که محققان آن را نمی‌پسندند.

این ویژگی‌های دهگانه کتاب «جامع الاحادیث» است که اگر کسی با دقت و



تأمل کتاب را مرور کند، ویژگی‌های دیگری را نیز کشف می‌نماید. اکنون که از ویژگی‌های کتاب فارغ شدیم، یکی ویژگی دیگری را اضافه می‌کنیم که در مقدمه کتاب ذکر نشده است و هیچ‌کس از اعضای کمیته حدیث جز بنده از آن خبر ندارد.

روزی من به اتفاق یکی از اعضای کمیته در اتاق مخصوص استاد بروجردی (ره) حاضر شدیم به ایشان پیشنهاد کردم که به ما اجازه دهد تا این احادیث را نقل کنیم تا احادیث از این حالتی که دارد پائین‌ترین نقل حدیث است به مرحله نقل به اجازه از مشایخ متحول گردد و استاد نیز پیشنهاد را پسندید و طریق خویش به مشایخ عظام را ذکر نمود که پس از حمد و سپاس خداوند متعال و درود بر پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) فرمود «من روایت می‌کنم از استادم آیت‌الله آخوند خراسانی (م ۱۳۲۹هـ) از سیدالفقها سیدمهدی قزوینی حلی صاحب کرامات (م ۱۳۰۰هـ) از عمویش صاحب مقامات علامه سیدمحمدباقر فرزند سیداحمد قزوینی (م ۱۲۴۶هـ) از دانی معظم و بزرگوارش آیت‌الله بحرالعلوم سیدمهدی طباطبائی صاحب مقامات و کرامات (۱۱۵۵ - ۱۲۱۲هـ) از جماعتی از جمله آنها استاد اکبر وحید بهبهانی (م ۱۲۰۶هـ) از پدرش محمداکمل از علامه مجلسی...».

که این طریق در آخر مستدرک شیخ نوری نیز وجود دارد سپس افزود (من اجازه دیگری از آقای نجفی اصفهانی (م ۱۳۳۲هـ) دارم که اکنون که اکنون در دسترس نیست...) و عجیب آنکه ایشان دارای سه اجازه از سه بزرگوار و اساتیدشان در آن زمان داشتند که آنها را ذکر خواهیم کرد ولی ایشان از ذکر آنها غفلت نمودند و از علامه آقا بزرگ تهرانی صاحب کتاب «الذریعه» (ره) شنیدم که

فرمود: «هنگامی که آقای بروجردی وارد نجف شد، شیخ نوری تازه به رحمت خدا رفته بود که حدود سال ۱۳۲۰ هـ (سالی که استاد وارد نجف شدند) بود و من همسایه ایشان بودم از من اجازه خواست، بخصوص اجازه‌ای که از استادم شیخ نوری داشتم من نیز اجازه دادم.»

ما اجازه‌ای از استاد ما علامه آقابزرگ تهرانی از استادش علامه نوری با پنج واسطه‌ای که به علامه مجلسی منتهی می‌شود، در خاتمه کتاب مستدرک ص ۳۸۲ به بعد آوردیم و من یکی از آنها را به خاطر دارم و آن این است: «شیخ نوری از شیخ مرتضی انصاری (م ۱۲۸۱ هـ) از مولی احمد نراقی (م ۱۲۴۵ هـ) از علامه بحرالعلوم از وحید بهبهانی از پدرش محمداکمل از علامه مجلسی رحمه الله علیه (م ۱۱۱۰ هـ)».

و همچنین اجازه دیگری داریم از علامه شیخ محمد صالح مازندرانی معروف به سمنانی از استادش حاج میرزا احسن فرزند میرزا خلیل تهرانی نجفی (م ۱۳۲۶ هـ) از شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر (م ۱۲۶۶ هـ) از شیخ جعفر کاشف الغطاء (م ۸ - ۱۲۲۷ هـ) از علامه بحرالعلوم به همان طریقی که به علامه مجلسی منتهی می‌شود.<sup>(۱)</sup>

طریق علامه مجلسی به صاحبان جامع و کتاب‌ها و اساتید بزرگ، بسیار است. مرحوم شیخ نوری در خاتمه آنها را ذکر کرده است و بدین وسیله برای من و امثال من که اهلیت و شایستگی داشته باشند، روایت و نقل احادیث این کتاب جایز است و الحمد لله رب العالمین.

(۱) تصویر این اجازه‌ها در بخش اسناد با دست خط اجازه‌دهندگان، خواهد آمد.

### مذهب و آثار رجالی آیت الله بروجردی

علمای رجال در مذهب شیعه خصوصاً متأخرین از آنان در جمع آوری اسامی و ترجمه رجال، زیاده روی و افراط کرده اند تا جایی که علامه شیخ عبدالله مامقانی (۱۲۹۰-۱۳۵۱هـ) در کتاب تنقیح المقال این اسامی را به عددی قریب ۱۶ هزارتن از محدثین و دیگران، رسانده است.

با اینکه علم رجال عبارت است از آشنائی با شرح حال راویان حدیث فقط، و این امر با علم تراجم که عبارت است از شناخت علما و شرح حال زندگی آنان به طور کلی، تفاوت دارد بدون اینکه اختصاص به محدثان و راویان حدیث داشته باشد در صورتی فقیه به طور مستقیم نیازی شناخت شرح حال علمای دیگر ندارد، مگر آن که اسامی آنان، در طریق روایت حدیث، قرار گرفته باشد. بلکه نیاز به شناخت مال راویان حدیث از حیث طبقه و شناخت اساتید و مشایخ آنان و نیز شاگردانی که از ایشان حدیث روایت می نمایند و هم چنین شناخت مشترکات، یعنی روایانی که نامشان به هم شبیه است و در معرض اشتباه به یکدیگر هستند، و از همه مهمتر شناخت درجه وثوق و اندازه اعتماد به آنان، شناختی عمیق و مستند به دلیل، همه این امور که گفته شد برای یک عالم رجالی لازم است.

معنای این سخن آن است که مقدار حاجت به آگاهی رجال حدیث، به اندازه حاجت به روایات آنان است پس بنابراین، با توجه به اهمیت کتب اربعه، شناخت راویان حدیث که نامشان در این کتب آمده، در صدر قرار دارد سپس، شناخت راویان و رجالی که نامشان در سایر کتاب های حدیثی آمده و مورد استناد صاحب وسائل قرار گرفته است این راویان در درجه دوم اهمیت قرار دارند و

آنچه که در کتاب‌های خاص مورد استناد (بحارالانوار) و (مستدرک‌الوسائل) قرار گرفته است در درجه سوم قرار دارند این درجه‌بندی در بارهٔ راویان، براساس درجهٔ اعتبار کتاب‌های حدیثی است که قبلاً از دیدگاه استاد آیت‌الله بروجردی ذکر کردیم. بلکه نیازی به معرفت و شناخت بسیاری از این محدثان هم نداریم، زیرا سلسلهٔ احادیثی که یک فقیه به آنها نیاز دارد، به آنان منتهی نمی‌شود، مگر آنکه شناخت آنها، باعث زیادی و افزایش بصیرت و خبرویت و احاطه کامل نسبت به حال کسانی باشد که شناخت آنان در بین رجال حدیث، ضرورت دارد. استاد بروجردی پس از سالها مطالعه و بحث و تحقیق و جدیت طولانی به این نتیجه رسید و به مطمئن‌ترین راه برای شناخت آنچه گفته شد دست یافت و آن را به عنوان ترازوی عدل و میزان استوار، برای شناخت رجال حدیث، در برابر محدثین و فقها قرارداد و در این باره راه جدیدی باز کرد که کسی از گذشتگان بر او سبقت نگرفته بودند.

توضیح آن این است که علمای رجال ما طائفه امامیه در گذشته و حال، بطور کلی در شناخت راویان حدیث، به اقوال و آرای پیشوایان و خبرگان این فن و علمای جرح و تعدیل، تقلید می‌کردند نظر آنان را در اعتماد و عدم اعتماد به یک راوی، معیار قرار می‌دادند در طلیعه و پیشرو این خبرگان، پیشوایان بزرگ و سه‌گانه رجال جای دارند:

اول: ابو عمرو محمد بن عمر کشی (معاصر کلینی صاحب کتاب کافی (م- ۳۳۹هـ) در کتاب معروف وی «معرفة الناقلين عن الائمة المعصومين» است اصل این کتاب از بین رفته و منتخب آن به نام «اختیار معرفة الرجال» گزیدهٔ شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰هـ) به جای مانده که زیر نظر بنده، نسخه مصحح آن، همراه تذییل

طولانی به قلم محقق معاصر آقای حسن مصطفوی در دانشگاه مشهد به مناسبت مراسم هزاره شیخ طوسی به چاپ رسید.

دوم: شیخ ابوالعباس احمدبن علی احمد نجاشی (م ۴۵۰هـ) در کتاب فهرست خود که به نام رجال نجاشی مشهور است وی شاگرد شیخ مفید (م - ۴۱۳ هـ) و سید مرتضی علم الهدی (م - ۴۳۶ هـ) بوده است.

سوم: شیخ ابوجعفر محمدبن حسن طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ هـ) که در رجال دو کتاب دارد یکی کتاب رجال و دیگری کتاب فهرست که هر دوی آنها چاپ شده است فهرست وی نیز با تدبیل طولانی زیر نظر اینجانب در دانشگاه مشهد همزمان با کنگره هزاره شیخ طوسی به چاپ رسید. اقوال این سه بزرگوار و عده کمی از معاصرین آنان یا پس از آنان آمده اند مثل علامه حلی (م - ۷۲۸ هـ) در کتاب «خلاصة الرجال» تاکنون به عنوان ملاک آشنائی با رجال مطرح می باشد. گرچه آنچه که ذکر شد راهی قابل اعتماد در نقلیات است اما در آن خلاصه نمی شود بلکه نمی توان گفت بهترین و قابل اعتمادترین راههای شناخت رجال است.

در حقیقت این از تقلید تجاوز نمی کند که تسلیم نظر بزرگواران بشویم بدون آنکه با تلاش و دقت نظر به طور مستقیم با روایات آشنا بشویم و حال آنکه راه آشنائی مستقیم محدثان و فقها باز است و بدون تردید این راه سالمتر و دورتر از خطا است و به آزادی رأی و نظر در رابطه با روایات نزدیک تر است. شاید که بزرگان گذشته به همین راه متوسل می شدند و از آن پس به فراموشی سپرده شد و نظریه و اقوالشان به مرور زمان جایگزین علم آشنائی مستقیم و سالم شد و به گونه ای شد که گوئی راهی جز پیروی از قول بزرگان گذشته نداریم.

راهی که استاد جهت آشنائی با رجال حدیث و طبقات راویان، زمان و اصل و نسب و مذهب و اساتید ایشان و روایاتی که از او نقل کرده‌اند، پیشه گرفت، بازگشت به اسناد احادیث تکراری در کتاب‌های حدیث است و با پیگیری این اسناد و بررسی آن مشخص می‌شود که در بسیاری از آنها نقصی وجود دارد و به خاطر اسقاط واسطه و عدم اتصال سلسله سند یا تبدیل اسمی به اسم دیگر و از این قبیل، ما می‌توانیم حلقه مفقوده و واسطه سقط شده و اسامی تغییر یافته را از ملاحظه سندهای مشابه که ردیف هم قرار گرفته‌اند، بدست آوریم.

همچنان که ما با پیگیری اشباه و نظائر و با توجه به قرینه‌های فراوان توانائی آشنائی با واسط گم شده پیدا می‌کنیم و با اقامه شواهد متعدد در اسناد مختلف و فراوان به این مهم خواهیم رسید که اسم راوی، پدرش، جدش و کنیه و حتی تاریخچه زندگی او بدست می‌آید.

این راه بعینه جلوی ما باز است که بتوانیم به علم، فقه، ضبط، امانت راوی در نقل و نیز مذهب و غیر آن شناخت پیدا کنیم. البته با بازگشت به متن روایات پخش شده در ابواب مختلف کتب حدیثی و برآورد آنها چه از نظر لفظی و چه از نظر معنی اعم از کمی و کیفی، بدین وسیله مشخص خواهد شد که آیا راوی آشنا به فقه، کلام، تاریخ و سیره و تفسیر و سایر علوم بوده و خبرویت و تخصص دارد؟ آیا او واقعاً از راسخان در علم بوده یا در درجات پائین تر از این قرار داشته است.

این مورد را با مقایسه روایات او از ائمه و آنچه دیگران از او نقل کرده‌اند بعد از احاطه بر آنها، می‌توان فهمید یا استنباط کرد. کما اینکه می‌توان هم دانست که او کثیر الروایه بود یا قلیل الروایه و آیا او غلط و اشتباه داشته یا خیر و از قبیل

چیزها.

کما اینکه این حالات راوی را از روی روایاتی که از حضرات ائمه معاصر راویان درباره ایشان و یا راویان پیش از ایشان صادر شده است می‌توان بدست آورد. ائمه علیهم‌السلام گاهی نسبت به کسی اظهار اعتماد یا عدم اعتماد می‌کردند و این خود چهره راویان و موقعیت ایشان را نزد اهل‌البیت (ع) بازگو می‌کند. بخش مهمی از این‌گونه روایات را ابو عمر و کثی در کتاب خود که فقط اختیار شیخ طوسی به نام اختیار معرفة الرجال) نزد ما باقی مانده است و برخی از این احادیث متفرقه که از کتب مختلف بدست آمد جمع‌آوری شده است که باید در یک موسوعه بزرگی گردآوری شود. خلاصه اینکه شناخت راویان و طبقات آنها از راه احادیث آنها متناً و سنداً یک شناخت اجتهادی و نظری است نه شناخت تقلیدی و تبعی. و واضح است که آگاهی از همه روایات یک فرد، مستلزم جمع‌آوری آنها در یک جزوه است که علمای قدیم چنین عمل می‌کردند و نام آن را (مسند) گذاشتند که هدف اصلی از این کار، آشنائی هرچه بیشتر با رجال و اصحاب ائمه از راه احادیث آنان است.

اما شیعه امامیه اهتمام آنچنانی به «مسانید» نداشتند لذا سیداستاد بر این عمل ترغیب و تشویق می‌کرد تا طلبه‌ها و اعضای کمیته حدیث به این کار بپردازند. و بدون شک این نقص و جای خالی بزرگ آن در حدیث ما محسوس است و باید جای آن پر شود.

پیش از کنفرانس جهانی امام رضا (ع) عده‌ای مشغول به جمع‌آوری احادیث هر امامی بطور جداگانه شدند که تاکنون چندین جلد منتشر شد و دانشمند متبع جناب شیخ عزیزالله عطاری (ساکن مشهد) مسئول جمع‌آوری و تألیف آنها شد

اما آنچه که برعهدهٔ زمانه واگذار شد، احادیث نقل شده توسط هر یک از اصحاب ائمه (ع) است که به افزونی حدیث نیز معروف می‌باشند که بعضی از اعضای کمیته حدیث در زمان آیت‌الله بروجردی مشغول به این کار شدند اما اطلاع دقیق از نتیجه کار ایشان ندارم.

این عمل موجب آشنائی هرچه بیشتر به اوضاع راویان می‌گردد و این همان چیزی است که فقها به آن نیازمندند اما جمع‌آوری روایات یک امام (ع) به ما نشان می‌دهد که چگونه علما و مردم با ائمه (ع) در ارتباط بودند و از ایشان بهره می‌بردند زیرا همه ائمه نور واحدی هستند البته طبق آنچه که از مذهب به ما رسیده است.

بله ممکن است از آن مشخص شود که در زمان هر امامی چه مسائلی بیشتر مبتلا به بود که مردم به امام (ع) مراجعه می‌نمودند و برای حل مشکلات خویش از آنان، طلب پاسخ می‌کردند ضمن اینکه تعداد راویان از هر امام معصوم از این مسانید مشخص می‌شود.

اما اگر مسانید اصحاب ائمه (ع) تألیف شود، بهترین وسیله برای آشنائی با اوضاع کلی اصحاب ائمه خواهیم داشت.

به نظر من شاید علت عدم اهتمام شیعه به این امر و عدم تألیف مسانید اصحاب ائمه (ع) این باشد که اگر راویان اعم از آنکه از ائمه (ع) بطور مستقیم و یا با واسطه از ایشان نقل حدیث کردند، احادیث خود را در یک کتاب جمع می‌کردند و اصول اربعمآته (اصول چهارصدگانه) معروف (که نیاز به بحث طولانی دارد) و بسیاری از کتاب حدیثی غیر از آن که به اصحاب ائمه (ع) منتسب است، از این قبیل بود و این کتاب‌ها به عنوان مسانید از برای ایشان محسوب



می‌شد که متأسفانه همان گونه که هست بدست ما نرسید بجز آنکه در لابلای کتاب‌های حدیثی نقل شده است. زیرا هنگامی که در قرن سوم و اندکی پس از آن، جوامع حدیثی ما براساس موضوع حدیث و نه براساس راوی، تألیف گردید و روایات آن اصول را در خود جای داد، آن اصول رفته رفته از خاسته‌ها محو گردید و همچنین جوامع اولیه تا مدتی محل رجوع محدثان و فقها قرار گرفت و با از میان رفتن اصول، آن امتیازی که در آنها از لحاظ شناخت راوی وجود داشت و در هر کدام از آنها روایات راوی آن، گرد آمده بود و هر کدام به منزله مسند آن راوی بود، از میان رفت در این اصول توالی (پشت سر هم بودن) و انسجام احادیث به لحاظ راوی آن، محفوظ بود، و ظاهراً بخش زیادی از آن تا چندی پس از تألیف جوامع هم، در اختیار برخی از علما قرار داشته و ما درست نمی‌دانیم تا کی این اصول مورد رجوع بوده‌اند به هر حال با وجود این اصول، گویا دیگر علمای ما نیازی به تألیف «مسند» احساس نمی‌کردند و اینک جزء نادری از آن اصول بدون تسلسل در نقل و بدون سند، یافت می‌شوند که اعتباری به آنها نیست لهذا ما اکنون احساس می‌کنیم که تألیف «مسند» برای هر یک از راویان مشهور، ضرورت دارد تا ذوق و سلیقه و حدود معرفت و فقاقت آنان را بدانیم و نیز خصوصیات دیگری از این قبیل که هم اکنون با رنج فراوان باید به یک‌یک روایات یک راوی که در کتب و ابواب حدیث، متفرق است رجوع کرد اما اگر «مسند» آنان در دست باشد به آسانی به این خصوصیت‌ها می‌توانیم دست‌رسی پیدا کنیم.

در حقیقت محققان از علمای رجال هم به متون احادیث توجه داشتند و هم به وضعیت خود راویان که بزرگان رجال و اهل بیت (ع) درباره آنها چه

فرموده‌اند؟ همان‌گونه که در کتاب (ریاض العلماء) است این کتاب اثر علامه محقق میرزا عبدالله افندی اصفهانی که در سالهای اخیر با اهتمام آیت‌الله مرعشی‌نجفی (ره) به چاپ رسید نسخه خطی این کتاب نزد علامه مامقانی بوده و او در کتاب «تنقیح المقال» از آن استفاده کرده است و هم‌چنین کتاب «جامع الرواة» اثر محقق اردبیلی (م-۱۱۰۱هـ) که معاصر علامه مجلسی بود که مرحوم استاد آیت‌الله بروجردی نسخه‌های پراکنده آن را جمع‌آوری و زیر نظر دوست دانشمند ما مرحوم آقای حاج میرزا حسن نوری به چاپ رسید از ویژگی‌های این کتاب آن است که مؤلف این کتاب برای شناخت مشایخ و شاگردان راویان، به بسیاری از سندهای کتاب (کافی و تهذیب) و سایر کتب حدیثی رجوع کرده و آنها را با قید عنوان باب و کتاب مأخذ ذکر می‌کند. شنیدم که آیت‌الله بروجردی فرموده است: «نسبت میان (جامع الرواة) و کتاب رجال من، عموم و خصوص من وجه است» یعنی مصادر حدیثی موجود در «جامع الرواة» راجع به سند احادیث به طور کامل در کتاب (ترتیب اسانید) آمده است اما در آن کتاب، ترجمه احوال راویان هم آمده است که در کتاب (ترتیب الاسانید) نیامده است زیرا کار استاد، مخصوص تنظیم سندها و بهره‌وری از آنها بوده است و قصد تالیف کتاب رجال نداشته است. کما اینکه کتاب «معجم الرجال» اثر مرحوم آیت‌الله خوئی (ره)، این امتیاز را دارد که به دستور وی همه سندهای احادیث را از کتب مشهور حدیث، فهرست نموده‌اند و ایشان در این کتاب، از آن فهرست‌ها، استفاده کرده است.

در عین حال، با تمام آنچه که گذشت باید اعتراف کنیم آنچه که حضرت استاد به انجام رساند در حد خود بی‌ظنیر است و کسی برایشان در این کار سبقت نگرفته است.

باید بدانیم آنچه از تألیف این امام (بروجردی) در این باب باقی مانده است دوگونه است:

اول: بنام «مرتب الاسانید» است که برای کتاب کافی و تهذیب و فقیه و چند کتاب دیگر تنظیم شده است.

نوع دوم: بنام «مرتب رجال الاسانید» و طبقه راویان است برای کتاب‌های یادشده، و غرض از هر دو یک چیز است: هدف اصلی از این دوسلسله از کتب، شناخت راویان، از راه استقراء سندهائی است که مشتمل بر اسم راویان است و هم‌چنین شناخت اساتید آنان که راویان از آن اساتید روایت کرده‌اند و نیز شناخت شاگردان و راویانی که از ایشان روایت کرده‌اند و آشنائی با نقص و خللی که در اسانید واقع شده از قبیل ارسال، خطا و اشتباه در نام راوی یا در نام پدر و جد و یا در کینه او رخ داده و از این قبیل امور که با مقایسه سندهای مشابه دانسته می‌شود اکنون تفاوت میان این دو سلسله و تعریف آن دو ارائه می‌دهیم.

### شرح سلسله مرتب الاسانید

آیت الله بروجردی نخست، به ترتیب دادن سندهای موجود در کتاب‌های حدیثی، با توجه به مشایخ صاحب کتاب به ترتیب حروف تهجی اول آن اسامی، پرداخت به این ترتیب که برای هر یک از مشایخ «کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی» و دیگران بابتی تشکیل داده و سندهای ابتدا شده به آن شیخ را پی در پی در جدولی منظم نمود و آنها را یک جا پیش روی بیننده قرار داد تا او بر همه آن شیخ تا برسد به امام (ع)، در یک جا واقف گردد.

بدین وسیله استاد (بروجردی) وسیله مطمئنی را در برابر محققین قرار داد تا بر همه اساتید و طبقات راویان اشراف داشته باشد. آغاز کار خود را با اسانید کتب اربعه بجز استبصار قرارداد و علت عدم ذکر سندهای استبصار آن است که همه احادیث و سندهای موجود در استبصار، در کتاب تهذیب موجود است و با ذکر سندهای تهذیب از استبصار بی نیاز خواهیم شد.

و بنا به مبنای ایشان که به آن اشاره شد که مبنی بر نیاز شدید به روایات این کتابها است و اینکه عمده نیاز فقها به اینهاست، اسانید هر یک را مجزا مرتب نمود و آن را (مرتب اسانید الکافی) و مرتب اسانید (الکافی نامگذار نمود).

سپس به سراغ مرتب کردن اسانید کتب چهارگانه رجالی (که ذکر آنها گذشت) و برخی از کتب شیخ صدوق رفت.

مثلاً می بینیم تمام آنچه که در کافی آمده مثل «علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن حماد عن الحلبی» در یک لیست مرتب گشته و با ذکر جایگاه آن را در نسخه کافی چاپ شد و این سند بیشتر در کتاب کافی واقع شده است.

بطور کلی، کلینی از استادش «علی بن ابراهیم» بیش از دو هزار حدیث نقل کرده است پس ملاحظه می کنیم گاهی فقط نام برخی از این راویان را ذکر می کند و گاهی نام پدر و یا جدش را با هم یا بطور انفرادی و یا همراه با کنیه و لقب و یا با کنیه یا لقب به تنهایی بدون اسم ذکر می کند و گاهی در سلسله حدیث بعضی از واسطه ها ساقط می شود که با ملاحظه اسانید مشابه شناخته می شود و با بدست آوردن همه اسانید و قیاس آنها به یکدیگر تمام اسانید راویان و شاگردانشان و همچنین طبقاتشان و نیز اگر خللی و یا خطائی در نامها بوجود آمده است برای ما مشخص خواهد شد.

سخن استاد در این خصوص:

استاد بروجردی هدف خویش از ترتیب اسانید را در مقدمه ترتیب اسانید کتاب الکافی تبیین نمود که دارای فایده‌های بسیاری است. و کسی که علم رجال مورد اهتمام او باشد نمی‌تواند از آگاهی به آنها بی‌نیاز باشد.

ایشان می‌فرمایند: هنگامی که من جوامع بزرگ را، جهت آشنائی با روایات احکام که در آن بود، ورق می‌زدم و نیز به جهت شناسندهای این احادیث به کتاب‌های علمای امامیه که درباره جمع و شرح حال این راویان، یا در تمییز مشترکات چه در اسم یا لقب تالیف کرده‌اند، مراجعه می‌کردم فکر من برهه‌ای از زمان میان این کتاب‌ها و سندهای روایات، جولان می‌کرد، پی بردم که آنان، بسیاری از راویان موجود در این کتب را نام نبرده‌اند و یا اینکه راوی را ذکر کرده ولی طبقه و اساتیدی که از آنها نقل حدیث کرده و یا شاگردانی را که از او نقل حدیث نموده‌اند را اهمال نموده‌اند با توجه به اینکه این امور، بزرگترین تأثیر در غرض این فن دارد و نیز در جایی که بایستی اسامی مشترکات را تمییز داده و به جای تبیین جزئیات که شایسته است در جنب اسانید ذکر شود از آن عدول نمود و به کلیاتی که طی استقصای ناقص خود استنباط نموده‌اند، اکتفا کرده‌اند. هر یک به اندازه تتبع خود، بر سبیل فتوا و بدون ذکر شواهد یا با استشهاد کمی به شواهدی که از آن یافته‌اند، به گونه‌ای که هیچ‌گونه علم و گمانی که محققین را به مقصود نزدیک نماید ولو به اندازه یک وجب، بدست نیامد.

از این روی می‌بینیم کتاب‌ها گونگی که شبیه متروکه شده‌اند. من در اسانید به غیر از اشتراک، علت‌های دیگری دیدم از قبیل تصحیف، قلب، کم و زیادی که

ناشی از سهوناسخین و مؤلفین بوده و یا ناشی از یا اکتفاء مؤلفین به آنچه که نیاز به آوردن در کتاب‌هایشان بود، از اجازه یا وجاده (نوشته‌ای از کسی بیابد و آن را نقل نماید) بوده است.

یا اینکه کلمات در آن کتاب روشن نبوده از باب بدی خط و نداشتن نقطه که در خطوط قدیم رسم بوده و یا به لحاظ اینکه سندهای معلق (رها شده) را تمام دانسته‌اند، یا عکس آن که سند تمام را معلق تصور نموده و یا امثال اینها از نواقص و خلل‌ها.

و دیدم در سندهای دیگری از همان شیخ حدیث که در سند آن اشتراک، و عیب و نقص آمده، قرائتی وجود دارد که غالباً (اگر دائم نباشد) اسم مشترک را مشخص و عیب و نقص سند را رفع و غلط‌ها را به صحیح تبدیل می‌نماید.

«وقتی که پس از پیگیری فراوان، چنین تصویری بدست آوردم، دانستم که متبوع سندها، منبع بزرگی برای معرفت صحیح سندها و تشخیص مشترکات و دانستن نواقص و غلط‌ها و صورت درست آنها است و نیز دانستم چیزی مانع گردیده محققان، از این فایده‌های ارزشمند که در اختیار آنهاست و شدیداً به آنها نیاز دارند و از دانستن آنها بی‌نیاز نمی‌باشند، صرف‌نظر کنند، همانا پراکنده بودن سندهای اساتید حدیث از همدیگر و مخلوط شدن سندها با متون احادیث است، بطوری که ملاحظه سندها مقدمه برای ملاحظه متون گردیده، و خود مستقیماً و مستقلاً مورد نظر نیستند».

و نیز یافتیم که اگر اسانید را از متون جدا کنیم و تمام اسانید هر یک از مشایخ در یک موضوع یا یک مکان، بصورت محصور و مضبوط جمع‌آوری نماییم آنگاه قابل اشاره برای استدلال و قابل پیدایش برای پژوهشگر است.

و اگر در جاهائی که اجمال و نقص در آن باشد، تعلیقات تنبیهی که نشانگر مراد از اول (اجمال) و صواب در دوم (نقص) باشید، آورده شود به همراه ذکر دلیل و شاهد بر آن، چنانچه نیازی به آن باشد، چه از سندهای موجود در آن موضع، یا از سندهای دیگری که به آن شیخ حدیث منتهی می‌گردند، اگر چنین عملی انجام گیرد، خود خدمتی به علم حدیث و علوم متفرع بر آن است. بدین وسیله تمام جهاتی که در معرفت اسانید روایاتی که خود برای احراز متن اصالت دارد، شناخته خواهد شد.

چند نکته قابل ذکر است:

۱- در اول پاره‌ای از اسانید کتاب کافی، تعلیقه و شرحی واقع شده است و آن این است که یک یا چند راوی از اول سلسله سند، به اتکال بر سندهای مقدم بر آن، که آن راویان در آنها ذکر گردیده‌اند، حذف شده است.

کسانی که در این امر خبرویت ندارند گمان می‌کنند شخص ذکر شده در اول سند از مشایخ شیخ کلینی است مثل سهل بن زیاد آدمی و حال آنکه چنین نیست. استاد با ترتیب اسانید و با ذکر راوی مورد نظر در جایگاه خود در جدول، این مشکل را برطرف کرد به این توضیح: نام آن راوی یا راویان را در جدولی که برای سندها ترتیب داده، در جای خود یعنی بعد از راوی اول یا دوم که حذف شده‌اند، قرار داده و از ملاحظه دیگر سندهای آن جدول که بطور کامل و بدون تعلیق آمده‌اند نام راوی یا راویان معلق علیه دانسته می‌شود و بدین گونه آن سند، از ارسال یعنی حذف واسطه، خارج می‌گردد.

به همین دلیل استاد، نام سه تن از راویان کلینی یعنی: سهل بن زیاد، احمد بن محمد بن عیسی و احمد بن محمد بن خالد را که جزء راویان تعلیق یافته هستند،

در مقصد دوم کتاب «ترتیب اسانید الکافی» جای داده و آنها را از ردیف دیگر راویان که به ترتیب حروف تهجی، در مقصد اول ذکر شده‌اند استثنا فرموده است.

۲- اما نسبت به کتاب «تهذیب و التبصار» شایسته ذکر است که شیخ طوسی مولف هر دو کتاب، تمام آنچه که در این دو کتاب است، از کتب جامعی که در قرن دوم یا چهارم هجری وجود داشت، برگرفته است و منش او این بود که در اول هر حدیث طریق خود را تا صاحب کتابی که از او حدیث گرفته بود، ذکر می‌کرد.

بدین منوال در بخشی از دو کتاب عمل می‌نمود پس از آن متوجه طولانی شدن راه شد لذا از این راه و روش دست کشید و بر همان نام صاحب کتاب در اول سند اکتفاء نمود. گرچه شیخ در پایان دو کتاب فصلی را به نام مشیخه تاسیس کرد و هر آنچه که از او منصرف شده بود، استدراک کرد و راههای خود را به ارباب و اصحاب آن کتاب‌هایی که از آنها حدیث گرفته بود، ذکر نمود تا احادیث از مرسل بودن خارج و به مسند بودن ملحق شود.

البته ابوجعفر شیخ صدوق محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی (م- ۳۸۱هـ) در کتاب «من لایحضره الفقیه» در عمل به این راه از شیخ طوسی سبقت گرفته بود. اما ایشان (صدوق) در این کتاب «من لایحضره الفقیه» به ذکر کسانی که حدیث از امام معصوم (ع) گرفته‌اند، بسنده کرد و سپس طریق خود به آنان را در مشیخه ذکر کرد محدثان دیگر نیز برای دوری از تکرار و تطویل، از ایشان تبعیت کردند.

۳- در اینجا مسائل دیگری وجود دارد که دانستن آنها برای کسی که بخواهد



کاملاً بر کار آیت الله بروجردی در ترتیب اسانید، احاطه پیدا کند، لازم است، این مسائل به تفصیل در مقدمه معظم له بر «مرتب اسانید الکافی» ذکر شده ما در این جا به آنها اشاره می کنیم:

### شرح سلسله کتاب های مرتب رجال الاسانید:

به نظر می رسد این مجموعه از کتاب ها از ثمرات نوع اول باشد یعنی هنگامی که استاد اسانید تعدادی از کتب حدیث و رجال را مرتب نمود، بسوی استخراج طبقات راویان از میان آن اسانید مرتب شده رفت و در کنار ترتیب اسانید هر کتابی (ترتیب رجال اسانید) آن کتاب را قرارداد و این کار آسانی نبود مگر پس از جمع آوری اسانید در نوع اول از این موسوعه. در نتیجه استاد با بازگشت به آن اسانید، طبقه راوی و اسامی کسانی که از آنها حدیث نقل کرده و اسامی آنانی را که از او حدیث نقل کردند، استخراج نمود.

و براساس حروف رجال هر کتاب را مرتب نمود و در برابر اسم او، طبقه و مشایخ و شاگردان را بدون ذکر شرح احوال آنها (مگر بطور اجمال) وارد کرد. بدین گونه بود که اول نیاز به ترتیب طبقات راویان داشت که از فنون علم رجال نزد اهل سنت بگونه دیگر نزد شیعه بود اما استاد روش ابتکاری دیگری داشت که آن را در مقدمه کتاب مرتب اسانید الکافی شرح نمود.

### «نص کلام استاد»

#### مقدمه دوم: در تبیین طبقات محدثین:

بدان که اگر شما به اساتیدی که عنایت خاصی به احادیث روایت شده از

رسول الله (ص) و پس از آن ائمه معصومین (ع) دارند، بنگرید می بینید که مدت زیادی از عمر خویش را در طلب احادیث و گرفتن آنها از اساتیدشان اشتغال داشتند و مدت زیادی نیز این احادیث را به شاگردانی که اساتید گذشته را درک نکرده اند، منتقل نمودند و آنها را به گونه ای که شیوخ اساتید هر عصر، از شاگردان تمییز داده شوند، مرتب نمودند. خواهی یافت که طبقات اصحاب از کسانی که از رسول الله (ص) حدیث نقل نمودند تا زمان شیخ موفق ابو جعفر طوسی که او آخرین مصنف جوامع اربعه از اصحاب ما می باشد که در سال ۳۸۵ هـ متولد و در سال ۴۶۰ هـ وفات یافت در صورتی که همه آنها عمر طبیعی خود را گذرانده باشند و حدیث را در سن متعارف تقبل نموده باشند، ۱۲ طبقه خواهند شد.

و به عبارت دیگر اگر شیخ (قدس سره) از ما (شیعه) یا خطیب بغدادی (م) - ۴۶۳ هـ از اهل سنت حدیثی را از رسول الله (ص) روایت کند و فرض بر این باشد که راویان و واسطه میان این دو و رسول خدا (ص)، عمر متعارف خویش را کرده باشند و هر کدام، حدیث را در سن متعارف اخذ کرده باشند، آنگاه غالباً یا همیشه این حدیث دارای ۱۲ راوی واسطه خواهد بود.

اما اگر بعضی از راویان عمرشان بحدی طولانی گردد که معادل دو برابر عمر متعارف باشد و یا اینکه قبل از سن متعارف اخذ حدیث، آغاز به روایت نموده به گونه ای که از دو طبقه روایت نماید و یا اینکه هر دو خصوصیت فوق در او باشد، آنگاه رجال سند کاهش می یابد و به اصطلاح به آن سند عالی گفته می شود و به هر اندازه امثال این واسطه ها در سند، زیاد باشد، رجال سند کمتر و سند عالی تر خواهد بود.

و نیز اگر در طریق سند کسی باشد که از هم عصر خود روایت نماید آن گاه رجال سند، افزایش خواهد یافت و سند طولانی تر می شود.

بنابر آنچه که قبلاً گفته شد، تعداد طبقات را تا زمان شیخ طوسی ۱۲ طبقه قرار داریم. تا اینجا ترجمه سخن استاد بود.

سپس استاد طبقات رجال را پی در پی با اشاره به نام برخی از رجال هر طبقه ذکر فرمود و با ملاحظه آنها آشکار می گردد که صحابه رسول خدا غالباً از طبقه اول هستند، برخی از ایشان که عمر طولانی کرده اند، معاصر طبقه دوم نیز بوده اند.

بدین ترتیب طبقات یکی پس از دیگری ذکر می شود و بزرگان از یاران امام صادق(ع) مثل زرارة از طبقه چهارم می باشد اما کم سن و سالهای ایشان جزو طبقه پنجم هستند و بیشتر یاران امام رضا(ع) از طبقه ششم هستند.

استاد می گوید: اغلب آنهایی که در طبقه اخیر هستند، ولادت آنها حدود سال (۱۴۵ هـ تا ۱۶۶ هـ) و وفات آنها در حدود سال (۲۱۰ هـ تا ۲۳۰ هـ) می باشد.

از جمله طبقه ششم از راویان شیعه، محمد بن ابی عمیر و یونس بن عبدالرحمن و صفوان بن یحیی و امثال آنان، و از اهل سنت محمد بن ادریس شافعی (۱۵۰-۲۰۴ هـ) و غیاث بن کلوب بن فیهس را ذکر فرموده است.

همان طوری از اصحاب طبقه هفتم، احمد بن محمد بن خالد برقی و احمد بن محمد بن عیسی اشعری و دوبرادر حسن و حسین فرزندان سعید اهوازی و عبدالعظیم حسنی و بسیاری از معاصران ایشان را ذکر کرده و فرموده است که غالباً تولد آنان در حدود سال (۱۸۵ هـ تا ۲۰۰ هـ) و وفاتشان در حدود سال (۲۶۰ تا ۲۷۰ هـ) است.

به نظر ما شایسته است از رجال اهل سنت احمد بن حنبل شیبانی (م-۲۴۱هـ) را از همین طبقه به شمار آورد.

و از طبقه هشتم راویانی هستند که بسیاری از آنها از شیوخ کلینی هستند و اسامی آنها در مقدمه چهارم کتاب آمده است مثل: حسن بن علی بن مهزیار و حسن بن محمد بن احمد صفار و محمد بن احمد بن احمد بن یحیی و محمد بن حسن صفار و محمد بن علی بن محبوب که تاریخ آنان بطور غالب (۲۳۰ تا ۲۵۰هـ) و تاریخ وفاتشان در حدود سال (۳۰۰ تا ۳۱۰هـ) می باشد.

از رجال طبقه نهم، استاد، نام شیخ کلینی (م-۳۲۹هـ) و احمد بن داود قمی و احمد بن یحیی عطار و شیخ ابوالقاسم حسین بن روح و کیل ناحیه مقدسه و علی بن حسین بن بابویه قمی (م ۳۲۹هـ) پدر شیخ صدوق (م ۳۸۱هـ) و امثال ایشان را ذکر کرد و فرمود: تولد آنان غالباً در حدود سال (۲۶۰ تا ۲۷۰) و وفات آنها در حدود سال (۳۳۰ تا ۳۵۰هـ) بوده است.

اما رجال طبقه دهم که مستقیم و بدون واسطه از امام معصوم (ع) روایت نمی کردند، شیخ صدوق محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (صاحب کتاب من لایحضره الفقیه) و برادرش حسین و جعفر بن محمد بن قولویه قمی و محمد بن احمد بن جنید الکافی و محمد بن اسحاق الندیم معروف به ابن ندیم صاحب فهرست معروف و هارون بن موسی تلبری و امثال آنها در کلام استاد ذکر شده و تاریخ تولد آنان غالباً در حدود سال (۲۶۰ تا ۳۱۰هـ) و تاریخ وفات آنان در حدود سال (۳۶۰ تا ۳۸۰هـ) یاد کرده است.

از رجال طبقه یازدهم، شیخ مفید و امثال آن را ذکر کرده و تاریخ وفات آنان را غالباً در حدود سال (۴۰۰ تا ۴۲۰هـ) دانسته است شیخ طوسی و معاصران وی

را در طبقه دوازدهم آورده و تاریخ وفاتشان را بطور غالب در سال ۴۵۰ تا ۴۶۰ هـ دانسته است.

در خاتمه بحث، استاد نکات مهمی را ذکر نمود:

از جمله اینکه اساتید و مشایخ حضرت استاد از رجال طبقه سی و ششم هستند و خود ایشان از طبقه سی و هفتم می‌باشد.

البته مردانی نیز وجود دارند که طبقه آنها ناشناخته مانده که درخصوص آنها در ترتیب اسانید می‌فرمود: (گوئی که از طبقه هفتم یا از این قبیل کلام).

#### نقل داستان این موسوعه

آنچه که از این موسوعه به عنوان (مرتب‌الاسانید) و (مرتب‌رجال‌الاسانید) یا ترتیب‌الاسانید و ترتیب‌رجال‌الاسانید از مصادر ما در حدیث و رجال منتشر شد، همه آنها تالیف استاد است که بیشتر آنها را در شهر بروجرد تالیف نمود و زمانی که به شهر مقدس قم منتقل شد در آنها تجدیدنظر نمود که کمیته مخصوص علم رجال که متشکل از چند نفر بود به آن پرداخت در مقابل کمیته حدیث که پس از کمیته رجال (چندین سال بعد) تشکیل شد در بیرونی خانه استاد مشغول به کار بود که تعداد آنها بین ۲۰ تا ۲۴ نفر بود که بعداً به دو کمیته تبدیل شد و کتاب (الوسائل) میان ایشان توزیع شد.

پس از آنکه استاد در این موسوعه رجالی تجدیدنظر نمود آن را در اختیار دوست فقیدمان حجت‌الاسلام شیخ میرزا حسن نوری همدانی قرارداد تا آن را از نوبه رشته تحریر در آورد و پس از اتمام، زیر نظر استاد به چاپ رسید و هرچه از این دو موسوعه (مرتب‌الاسانید) و (مرتب‌رجال‌الاسانید) به چاپ رسید با خط

شیخ نوری (ره) بود البته به جز یک جزء (مرتب رجال اسانید من لایحضره الفقیه) که به خط مرحوم مغفور حجت الاسلام سیدحسن فرزند استاد بود. دوست ما آقای نوری داستان چگونگی ارتباط خود را با استاد برای من بازگو نمود:

اینکه روزی نامه‌ای جهت استاد برای رفع نیازش ارسال نمود و هنگامی که استاد زیبایی خط و نوشتار او را دید (خط خوب مورد تحسین استاد بود) او را صدا کرده مدتی به او نظاره کرد سپس به او می‌گوید که کتاب‌هایی را من تالیف کردم و محصول زندگی من است می‌خواهم که آنها را به رشته تحریر درآوری و شیخ نوری نیز آمادگی خود را اعلام می‌نماید سپس استاد تصمیم گرفت و وقت بخصوصی را روزانه برای آقای نوری تعیین کرد که در اتاق مخصوص استاد که شبانه‌روز در آن زندگی می‌کرد، و اطراف این اتاق، طبقه کتابخانه نیز بود که هر روز استاد از آن می‌گذشت، آقای نوری در این اتاق حاضر می‌شد و استاد کتاب‌ها را یکی پس از دیگری در اختیارش قرار می‌داد و چگونگی ترتیب و تکمیل کتاب‌ها را به او تعلیم می‌نمود.

شیخ نوری می‌گفت که استاد می‌فرمود: «تو در این کتاب‌ها و در اجر آن نزد خدا با من شریک هستی. این کار بیش از پانزده سال طول کشید و شیخ نوری به تنهایی این کار را انجام می‌داد و هیچ کمکی از کمیته چه در خانه خود و چه در خانه استاد، نگرفت. او هر روز می‌آمد و دفاتر خود را از خزانه کتابها که در آن اتاق بود، بر می‌داشت و در گوشه‌ای مشغول به نوشتن می‌شد و از یادم نمی‌رود هرگاه او وارد اتاق می‌شد نام یکی از انبیاء را با صدای بلند بر زبان می‌آورد مثلاً (یا شعیب) یا (یا ذوالکفل) یا سایر انبیاء را به عنوان نوعی مزاح ذکر می‌کرد گاهی

اوقات که وارد اتاق می‌شد من از او سؤال می‌کردم که شیخنا امروز نوبت کدام یک از انبیاء است؟ مثلاً می‌گفت «جرجیس».

هنگامی که بین اعضای کمیته حدیث، در مسأله‌ای مربوط به کارش بحث در می‌گرفت (چه بسا اتفاق می‌افتاد که صداها بلند می‌شد و گاهی به نزاع و مشاجره می‌کشید) آقای نوری که در گوشه‌ای نشسته و مشغول کار خود بود، متوجه بحث ما می‌شد و گاهی به شوخی، وارد بحث می‌شد و با یک یا دو کلمه ادخال سرور، افراد را به مصالحه وادار می‌کرد او به همین اندازه در کار تألیف حدیث با ما شریک بود.

حدود ۷ سال، ما به این کار مشغول بودیم و از همان زمان، مراتب دوستی بین من و آقای نوری برقرار گردید و تا پایان عمر او ادامه داشت آن مرحوم در تاریخ (۱۴۱۰) در حالی که بسوی شهر سیرجان قبل از ماه رمضان برای وعظ می‌رفت بر اثر تصادف اتومبیل، خود با افراد دیگری که همراه او بودند، به رحمت خدا رفت فوت او بسیار مرا متأثر کرد، او در عین کمالات زیاد، گوینده و خطیب توانائی بود شعر می‌سرود و خط نستعلیق را زیبا می‌نوشت چند نمونه از خط‌های او نزد من موجود است.

من در این جا به صراحت می‌گویم: که دوستی صمیمی‌تر از او نداشتم. او در حوادث و اوضاع و احوال حوزه دقت می‌کرد و بسیاری از حوادث پنهان داخل حوزه را با توجه به رابطه‌اش با بیت آیت‌الله بروجردی، بخوبی می‌دانست او افراد را می‌شناخت بحدی که دیگران نمی‌شناختند در علم رجال بخصوص در شیوه آیت‌الله بروجردی، بصیرت پیدا کرده بود و کسی به پایه او نمی‌رسید. او فیش‌ها و کارهای رجالی استاد را درباره سندها و رجال کتب حدیث، کامل

کرده بود بعلاوه، اسناد و رجال کتاب‌های صدوق بجز «من لایحضره الفقیه» را خودش تألیف و بر استاد عرضه داشت که مورد قبول و رضایت استاد قرار گرفت.

او به نوشته‌های استاد که با حوصله تمام ظرف بیش از سی سال از روی کتاب‌های چاپ سنگی فراهم کرده بود، اکتفاء نمی‌کرد بلکه سندها را از روی چاپ‌های جدید مرتب یا با آنها تطبیق می‌کرد و به نظر استاد می‌رسانید. او یک بار به من گفت: من فیش‌های زیادی در خانه دارم که می‌توانم سندهای هر یک از کتاب‌ها را از نو ترتیب دهم. او در هنگام برگزاری کنگره شیخ طوسی در دانشگاه مشهد در سال ۱۳۴۹ به درخواست من، مقداری از اسانید تهذیب شیخ طوسی را از روی همان فیش‌ها مرتب کرد که با مقدمه من در کتاب «یادواره هزاره شیخ طوسی» جلد دوم یادنامه شیخ طوسی چاپ گردید. این کتاب طی دوسلسله به شرحی که گفته شد فراهم گردید و در کتاب خانه استاد محفوظ بود. ایشان به آنها مراجعه و آنها را با خط خود تصحیح می‌نمود و یا برای برخی از آنها به خط خود فهرست می‌نوشت که در نسخه‌های چاپ شده دیده می‌شود. تا اینکه آن عالم فرزانه، به رحمت خدا پیوست و هیچ یک از آن کتاب‌ها منتشر نگردید در حالی که چیزی از آن آثار می‌دانست یا شنیده بود، آرزو می‌کرد که ای کاش آن آثار نفیس چاپ می‌شد چون که آنها در علم رجال جزء ذخائر نفیس بشمار می‌روند من هم به نوبه خود همیشه برای انتشار آن گوهرهای بی‌همتا تلاش کردم تا اینکه خداوند مؤسسه «بنیاد پژوهش‌های اسلامی» را که از سازمان‌های فرهنگی مهم آستان قدس رضوی است، توفیق داد تا برای اولین بار، این آرزوها را برآورد و سلسله رجال را با چاپ افست منتشر کند همان‌طور که



گفتم همه آن آثار به خط مرحوم میرزا حسن نوری است به جز یک جزء که به خط سید محمد حسن آیت الله زاده بروجردی است.

### داستان چاپ آثار رجالی (موسوعه) استاد

داستان بدین گونه بود که اینجانب با آقای نوری در قم تماس گرفتم و با اصرار تمام، او را وادار کردم تا با حجت الاسلام آقای سید محمد صادق طباطبائی فرزند سید محمد حسین و نوه استاد که مخطوطات رجالی نزد وی بود، در خصوص انتشار آنها صحبت کند. آن مرحوم با سید محمد صادق و هم با بزرگ خاندان آیت الله بروجردی یعنی آیت الله سید محمد باقر سلطانی ساکن قم که از بزرگان علما و مدرسین حوزه علمیه قم بود و قبلاً از او نام بردیم، تماس گرفت این تلاش های قابل تقدیر، از طرفین یعنی از جانب آقای نوری و آقایان نامبرده و از طرف من و آقای شیخ علی اکبر الهی خراسانی مدیر عامل «بنیاد پژوهش های اسلامی» ادامه داشت، تا سرانجام به توافق رسیدیم و هیئت مدیره بنیاد پژوهشها هم موافقت کرد و کار چاپ آغاز شد.

همه آن آثار خطی، در اختیار «بنیاد پژوهشها» قرار گرفت آیت الله حاج شیخ عباس طبسی نماینده ولی امر مسلمین و متولی آستان قدس رضوی پس از وقوف بر نفاس و اهمیت این آثار، با انتشار آنها موافقت کرد که در این جا از او هم تشکر می کنم و این کار مسلماً یکی از کارهای مهمی است که در زمینه فرهنگ و عمران از سوی وی در آستان قدس رضوی انجام گرفت.

بنیاد پژوهش های اسلامی زیر نظر آقای نوری که به طور موقت از قم به مشهد آمده بود، مقدمات چاپ را آغاز نمود آقای نوری برخی از نواقص آنها را بر طرف

نمود و برای آنها فهرستی با تطبیق صفحات کتاب‌های قدیمی با چاپ‌های جدید، فراهم نمود که نمونه آن فهرست در اول «ترتیب اسانیدالکافی» به خط ایشان، چاپ شده است همه این مجلدات که شرح آنها خواهد آمد بحمدالله نزدما گرد آمد.

مقدمه آقای نوری:

مرحوم آقای نوری در مقدمه خود بر کتاب «ترتیب اسانید الکافی» جریان کار خویش در این آثار این گونه توضیح داده است: اولاً: شماره‌سندها، مطابق چاپ سنگی کتاب «کافی» بود او فهرستی از باب‌های کافی چاپ جدید (چاپ معروف آخوندی) ترتیب داد که در اول کتاب چاپ شده است.

ثانیاً: برای این جزء از مجموع سلسله رجالیه، مستدرکاتی تهیه نمود که در آخر جزء اول و دوم، چاپ شده است.

ثالثاً: فهرست دیگری برای باب‌های کتاب تهذیب و استبصار از چاپ جدید (آخوندی) ترتیب داد زیرا رقم‌های موجود در نسخه خطی، مطابق چاپ سنگی کتاب «تهذیب» بود و با «استبصار» هم تطبیق نیافته بود و او این قضیه را برطرف نمود. بنابراین علاوه بر رقم‌های چاپ‌های سنگی کافی و تهذیب که بجای خود در متن کتاب باقی است. با مراجعه به این دو فهرست، می‌توان مواضع سندها را در چاپ جدید (چاپ شیخ آخوندی) این کتاب‌ها، پیدا نمود.

تصویری از اجازه‌های اساتید به حضرت آیت‌الله بروجردی

سپس، آن سه اجازه‌ای که سه تن از بزرگان اساتید آیت‌الله بروجردی (که در جهت تقدیر از شخصیت علمی و تصریح به اجتهاد استاد و اینکه استاد را جزو

سلسله روایان خود در آورده‌اند) را ملحق به مقدمه کرد.

و آن سه اساتید بزرگوار عبارتند از:

۱- استاد بزرگوار، استاد متأخرین، محقق مدقق آیت الله العظمی شیخ محمدکاظم خراسانی صاحب کتاب کفایة الاصول (م-۱۳۲۹) می‌باشد و تاریخ اجازه سال ۱۳۲۸ هـ بود که در همان سال استاد از نجف اشرف به سوی وطن خویش (بروجرد) هجرت نمود آنچه را که مرحوم محقق خراسانی نوشته است به عنوان بالاترین شهادتی است که یک استاد در حق شاگرد خویش گفته است که در آن اجازه آمده است (تمام مناصبی که برای یک مجتهد مطلق ثابت است، در ایشان نیز وجود دارد از مقام افتاء و قضاء و غیره، بر مردم پیروی از ایشان واجب است نقض و رد حکم ایشان نیز حرام است...) که در آن اجازه روایت حدیث به شاگرد خویش داده است که استاد می‌تواند در آنچه که مرحوم خراسانی از اساتید خود نقل نموده، روایت نماید. و نیز در آن آمده است که آیت الله بروجردی بیشتر مسائل اصولی و عمده مباحث فرعی را از محضر محقق خراسانی بهره برده است.

۲- علامه محقق آیت الله العظمی شیخ فتح الله غروی شیرازی اصفهانی معروف به شیخ الشریعة (۱۲۶۶-۱۳۲۹ هـ) که در آن اجازه‌نامه، اجازه روایت حدیثی را که در آن اساتید و طرق و راههای او ذکر شده بود، وجود داشت. و تاریخ اجازه شب اول ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۸ هـ که در همان سال استاد از نجف به وطن خویش بازگشته بود البته شیخ الشریعة تصریح ندارد که استاد نزد ایشان درس خوانده باشد.

۳- استاد بزرگ در اصفهان آیت الله العظمی سیدابوالقاسم دهکردی (م-)

۱۳۵۳هـ) و تاریخ اجازة ليلة الرغائب از ماه رجب سال ۱۳۲۰ هـ بود که در همان سال استاد از اصفهان به سوی نجف اشرف هجرت نمود یا اینکه سال ۱۳۱۹ هـ به بروجرد رفت و از آنجا به سال ۱۳۲۰ هـ به نجف اشرف هجرت نمود.

در آن اجازة داده شد تا از اساتید خود روایت کند که یکی از آنها را ذکر نمود که مرحوم تاج الفقهاء والمجتهدین میرزا محمد هاشم اصفهانی (ره) بود که از شیخ مرتضی انصاری روایت می‌کرد سپس به طریق دیگر از استادش آخوند خراسانی (ره) تمجید نمود.

شلیسته به ذکر است که اجازات سه‌گانه‌ای شیخ نوری به دست آورده و من آنها را دیدم به خط استاد نبود بلکه آقای نوری آنها را با خط خودش نوشت البته در صورتی که این اجازة با دست خط خود اساتید بدست آید، لازم است در مقدمه این کتاب آورده شود.

جای بسی خوشبختی است که مرحوم حجت الاسلام سید محمد صادق طباطبائی فرزند استاد اجازة‌ها را با دست خط خود اساتید بدست آورده که همراه آن نامه، دو نامه دیگری است که یکی از آنها از استادش مرحوم خراسانی خطاب به پدرش که در رابطه با فرزندش سفارشات می‌نماید و در نامه دوم خطاب به مردم است به اینکه استاد (بروجردی) به بالاترین مرتبه اجتهاد رسید تا اینکه مردم قدر و منزلت استاد را (کما هو حق) بدانند که ما تصاویر همه آنها را در مقدمه آوردیم.

# آیت اللہ بروجردی و شیخ محمود شلتوت

مولوی خلیل اللہ ربانی

مدیر حوزة علمیة مظاهر العلوم گوہرکوه خاش



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

{واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا}

حمد و ستایش و ستایش پاک پروردگاری را سزا است که جهانی پهناور و هماهنگ آفریده، جهانی که با نظم شگرفش ابر و باد و مه و خورشید و سایر آفریده‌های آن با یک برنامه منظم به سوی اهداف خویش رهسپارند و در میان آنها لازم است که انسان نیز به خاطر برتری تعقل و تفکر خود با ترحم و مهرورزی بیشتر دست به دست یکدیگر داده و با اطمینان و اعتماد و با همکاری و پشتیبانی بسوی آن اهداف رو نهند و در این میدان کسی از دیگران باز نماند. ستایش و ستایش پاک پروردگاری را سزا است که مسلمانان را قوت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی عطاء فرموده.

و درود بر پیامبران و برگزیدگانی که برای رهبری زمینیان و هماهنگ ساختن آنان مبعوث شده‌اند تا دلهای زمین‌نشینان را از آلودگیهای جهل و شرک پاک سازند سلام بر روح و روان آن پیشوایان راستین و راهنمایان و عالمان پاکدل و محققان و متفکران که بدون چشمداشت به اندک سود (مادی) با دست توانای خویش پرچم راهنمای اسلام را جهت استقرار و استمرار حکومت اسلام راستین ادامه داده‌اند.

سلام بر شما اندیشمندان و متفکران و پژوهشگران و طلایه‌داران وحدت و

اخوت و تقریب بین مذاهب اسلامی که همانا با قدرت ایمان و با شهامت و پایه‌داری زائدالوصف مسئولیت خویش را در راه پژوهش و تحکیم وحدت بطرق احسن انجام داده‌اید.

مقاله‌ها به کنگره بین‌المللی بزرگداشت آیت الله بروجردی و شیخ محمود شلتوت تقدیم می‌گردد.

### آیت الله بروجردی:

آیت الله العظمی حاج آقای سیدحسین بروجردی با سی واسطه به حضرت امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد. و در سال ۱۲۹۲ قمری در بروجرد متولد شده و در ۱۸ سالگی برای تکمیل تحصیل به اصفهان رفت و پس از ده سال به نجف اشرف عظیمت و بدرس آیت الله خراسانی وارد گردید. ایشان پس از مراجعت و سالهای اقامت در بروجرد به قم مهاجرت و در مرجعیت قرار گرفت حدود ۱۶ سال ایشان مرجعیت عامه را عهده‌دار بودند.

آیت الله بروجردی در قم مرکزیتی محکم داشت. مرجعیت ایشان از جانب همه پذیرفته شده بود. بیشترین مقلدین را در داخل و خارج کشور داشت و به همین جهت قسمت عمده وجوه شرعی هم از طریق ایشان به مصرف می‌رسید در ساختن مسجد، توسعه حوزه علمیه و استحکام بخشیدن به آن و فرستادن مبلغ به خارج از کشور کوشش داشت، از جهات علمی و قدرت حافظه مشهور بود وی بعد از درگذشت آیت الله سیدابوالحسن اصفهانی در موقعیت مرجعیت قرار گرفته بود. مراجع دیگر اگر صاحب رساله بودند در درجات پائین‌تر قرار داشتند. و در سال ۱۳۴۰ در فروردین ماه آیت الله بروجردی درگذشت و دارفانی را الوداع گفت. مراسم تشییع او در حد خود بی سابقه بود ایران را تکان داد و دولت عزا و



تعطیل عمومی اعلام داشت ده‌ها هزار نفر از شهرهای مختلف به قم شتافتند و همین اجتماع بزرگ تبلوری از قدرت مرجعیت تشیع بود.

در جهان تشیع شخصیتی چون مرحوم آیت الله بروجردی با عنوان مرجع عام شیعیان از اعتبار ویژه و گسترده‌ای برخوردار بود ایشان با توجه و علاقه فراوانی که به مسئله وحدت اسلامی و حسن تفاهم و تقریب بین مذاهب اسلامی داشت یکی از پرشکوه‌ترین حماسه‌های تاریخ اسلام را آفرید. این مرد چون به تاریخ اسلام و مذاهب اسلامی آشنا بود می‌دانست که سیاست حکام گذشته در تفرقه و دامن زدن آتش اختلاف چه اندازه تأثیر داشته است و هم توجه داشت که در عصر حاضر نیز سیاست‌های استعماری از این تفرقه حداکثر استفاده را می‌کنند و بلکه آنها را دامن می‌زنند و هم توجه داشت که بعد و دوری شیعه از سایر فرق سبب شده که آنها شیعه را نشناسند و درباره آنها تصوّراتی دور از حقیقت بنمایند به این جهت بسیار علاقمند بود که حسن تفاهمی بین شیعه و سنی برقرار شود، تا از طرفی وحدت اسلامی که منظور بزرگ این دین مقدس است تعمین گردد، و از طرف دیگر شیعه و فقه شیعه و معارف شیعه آنطور که هست به جامعه تسنن که اکثریت مسلمانان را تشکیل می‌دهد معرفی شود.

از حسن تصادف چند سال قبل از زعامت و ریاست معظم له زمانی که هنوز ایشان در بروجرد بودند (دارالتقریب بین المذاهب اسلامی) به همت جمعی از روشنفکران شیعه و سنی تأسیس شد معظم له در دو دوره زعامت خود تا حد ممکن به این فکر و به این مؤسسه کمک و همکاری کرد برای اولین بار بعد از چندین صدسال بین زعیم روحانی شیعه و زعیم روحانی سنی شیخ عبدالمجید سلیم و بعد از فوت او به فاصله دو سال شیخ محمود شلتوت مفتی مصر و رئیس جامعه الازهر روابط دوستانه برقرار شد.

و نامه‌ها مبادله گردید. شهید مطهری دربارهٔ دلبستگی مرحوم آیت‌الله بروجردی به وحدت اسلامی و دارالتقریب می‌نویسد.

«معظم‌له را نباید گفت نسبت به این مسأله علاقمند بود بلکه باید گفت عاشق و دلباخته این موضوع بود و مرغ دلش برای این موضوع پر می‌زد. عجیب این است که از دومنبع موثق شنیدم که در حادثه قلبی اخیر که منجر به فوت ایشان شد، بعد از حمله قلبی اولی که عارض شد و مدتی بی‌هوش بوده‌اند و بعد به هوش آمدند. قبل از آنکه توجهی به حال خود بکنند و در این موضوع حرفی بزنند، موضوع تقریب و وحدت اسلامی را طرح می‌کند و می‌گوید: من آرزوها در این زمینه داشتم.

اهمیت و علاقه و نظر شادروان آیت‌الله بروجردی نسبت به مسأله وحدت اسلامی، هنگامی بیشتر جلب نظر می‌کند که به خاطر آوریم نامبرده هنگام مرگ نزدیک به ۸۷ سال داشته است، و این اندیشه را پس از هفتاد سالگی دنبال کرده است. علمای بزرگ اهل تسنن نیز در همان زمان پا به پای این بزرگترین مرجع شیعی در عصر حاضر، در راه وحدت اسلامی و تقریب بین مذاهب، به پیش آمدند تا جایی که اندیشمند بزرگ سنی مرحوم شیخ عبدالمجید سلیم، در پاسخ به پیام شفاهی آیت‌الله بروجردی که توسط مرحوم شیخ محمد تقی قمی به وی ابلاغ گردیده بود، چنین می‌گوید:

بهترین آرزوی من است که می‌خواهم مادام‌العمر آن را عملی سازم و پیوسته از باری تعالی مسئلت دارم که آرزوی مرا برآورد و کسانی را که در این راه مقدس جدیت دارند تأیید کند.

## الامام البروجردى

علم. من أعلام الفقه، أستاذ كان يحضر درسه جمع كثير من المجتهدين، والمهم أنه كان صاحب طريقه خاصة فى الاستنباط والاستدلال لها علاقة هامة بالتقريب.

من ذلك أنه كان يعتقد بأن الرجوع الى فتاوى علماء اهل السنة يهل السبيل لفهم روايات أهل البيت(ع)، لأن هذه الروايات صدرت غالباً تعليقا على الفتاوى الرسمية الرانجه آنذاك. وكان السائل يأتى الامام فيذكر الفتوى الرانجه علماء أهل السنة ويسأله عن رايه فيها، والامام يجيب.

و كان يرى أن الرجوع الى فتاوى علماء اهل السنة على مر التاريخ هو مقدمة لاجتهاد عند الشيعة.

والمهم أنه كان يؤكد مراراً أن هذه الطريقه هي سنة علماء السلف من فقهاء الشيعة الامامية، فالقدماء كانوا يهتمون بمقارنة فتاوى أهل السنة والشيعة، و خلفوا لنا فى هذا المجال كتباً هامة سميت بالخلاف و اهتم الامام البروجردى بهذه الكتب، و حرص على التعليق على كتاب الخلاف للشيخ الطوسى (٣٨٥-٤٦٠هـ) وظلّت هذه السنة الحسنة بعده رانجه فى الحوزه العلميه، متمثلة بدراسات الفقه المقارن.

والظاهرة الثانية فى مدرسة الفقيهيه، أنه كان يفصل بين الظاهرة الامويه و ظاهرة اهل السنة فى التاريخ، أن سعى الامويين لتحريف احكام الاسلام دفع ببعض العلماء لأن يعتقد بأن الاحكام الموجودة لدى أهل السنة قد حرفت عمداً من قبل علماء السلطة، ولكنه كان لا ينظر الى فقه أهل السنة بهذا المنظار الماثم، بل كان يجهد لاتبيان علة الاختلاف فى الفتوى على سبيل المثال حسين يتناول مسألة الصلاة فى أول وقتها، يطرح رأى أهل السنة القائل بعدم جواز التأخير بدون عذر، وأن التأخير بدون عذر ذنب (و هو أحد القولين المشهورين لدى الشيعة الامامية) حتى أن

بعض أهل السنة يرى أن تأخير الصلاة عن أول وقتها يستدعى أداءها قضاء. و امام هذه الآراء كان السيد الأستاذ يقول: أن فتوى أهل السنة مستنبطة من سيرة رسول الله (ص)، إذ كان يؤدي الصلاة دائما في أول وقتها. لكن الرسول (ص) فعل ذلك لأنه كان يؤم المسلمين في جماعتهم. والتزام النبي بالصلاة في أول وقتها باعتبار امامته في الصلاة، و من هنا جاز في مدرسة أهل البيت تأخير الصلاة عن أول وقتها، مع أن التأكيد حتى عندئذ أهل البيت على أدائها في أول وقتها، وكانت سنة مستمرة عندهم ولا تزال قائمه في مدرستهم. لكن التأخير لا يوجب القضاء. بهذا الأسلوب كان يتعامل السيد الأستاذ مع مسائل الخلاف، يحاول أن يجد المبرر الموضوعي لها.

إضافة إلى أسلوبه الفقهي التقريبي، كانت للسيد البروجردى مساع عملية التقريب أتذكر قوله يوما في أحد دروسه: «أمر التقريب - والحمد لله - في تقدم، أشكر الله أن كان لي سهم فيه»

و فهمنا بعد ذلك أن استبشار السيد في تقدم أمر التقريب كان نتيجة رسائل وصلت من شيوخ الأزهر الشريف في هذا المجال وأجابته عليها كتب إليه المرحوم الشيخ محمود شلتوت مرة يقول:

«أتمن جهودكم وأسأل الله القادر العليم أن يحقق آمالكم الإسلامية... و بشراكم فان خطواتكم على طريق التقريب كانت مدعاة للصلاح والسير نحو الله» كما كتب إليه المرحوم الشيخ عبدالمجيد سليم رسالة في مرضه وأجابته السيد عليها. كان السيد الأستاذ يعقد الأمل الكبير على «دار التقريب» في القاهرة، ويرعى أمنيها الشيخ محمدتقى القمي. و يقول آيت الله واعظزاده:

و حين كنت أراجع الامام البروجردى في بيته أكتملا لمشروع «جامع الشيعة»

رأيت الشيخ القمى مرارا فى بيته منتظرا لى اللقاء.

و من الظواهر الهامة فى نشاط السيد البروجردى على الصعيد العلمى تغيير مسير الحوار بين أهل السنة والشيعه، نحو ما يمكن أن يتفقوا عليه، وابعاد الحوار عن المسار الذى لا يمكن أن يتفقوا عليه...

على سبيل المثال مارأيت السيد الأستاذ يطرح مسألة «الخلافة» على الاطلاق جلساته العامة والخاصة، فى الدروس و فى خارج الدروس. بل سمعته جلساته الخاصة يقول «مسألة الخلافة لاجردى فيها اليوم لحال المسلمين، ولا داعى اثاريتها و اثاره النزاع حولها، ما الفائدة للمسلمين اليوم أن نطرح مسألة من هو الخليفة الاول؟

أما المفيد لحال المسلمين اليوم هو أن نعرف المصادر التى يجب أن نأخذ منها أحكام ديننا»

من هنا كان السيد يؤكد على حديث الثقلين «انى تارك الثقلين، ما ان تمسكنم بهما لن تضلوا أبداً: كتاب الله و عترتى. و انهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض» ولا يكاد يمر شهر على دروسه دون أن يذكر فى مناسبة هذا الحديث. و كان هذا أسلوب السيد المرحوم عبدالحسين شرف الدين أيضا. فقد كان يؤكد. فى حوار مع شيخ الازهر الفقيه الشيخ سليم البشرى أن دليلنا على أخذ السنة من طريق أهل البيت هو حديث الثقلين. و يقول آيت الله واعظزاده:

و سمعت أن السيد البروجردى أهدى شيخ الازهر الراحل عبدالمجيد سليم كتاب «المبسوط» للشيخ الطوسى، و كان لهذا الكتاب أثر كبير على الشيخ عبدالمجيد، و روى عنه فى أواخر حياته قوله:

«سواء حين كنت مفتيا بالمصر، أو حين أصبحت بعد ذلك عضوا فى لجنة افتاء

الازهر، متى ما تصديت لمعالجة مسألة للافتاء كنت أراجع كتاب المبسوط». و كان هذا الشيخ المبجل من مؤسسى «دارالتقريب بين المذاهب الاسلامية» و عضوا جماعة التقريب و كان السيد الأستاذ يتحدث عن شيوخ الازهر و يتحدث عن الشيخ محمد عبده و غيرهم من علماء أهل السنة بتقدير و اجلال، كما أنه كان يراجع دائماً كتاب «بداية المجتهد و نهاية المقتصد» لابن رشد الأندلسى باعتباره من أحسن الكتب فى الفقه المقارن.

#### و يقول آيت الله واعظزاده:

و طالما رأيت الكتاب مفتوحاً أمامه على منضدته. و تعرف طلابه على هذا الكتاب عن طريقه.

و هذه هى خصائص المدرسة الاسلامية الأصيلة فى التعامل العلمى بين العلماء و الحوار بين المذاهب. و المجمع العالمى للتقريب بين المذاهب الاسلامية يستهدف أن يواصل جهود السلف الصالح من العلماء فى احلال التفاهم و ابعاد التناحر و التباغض، فتلك ضرورة لا بد منها لعودة «الأمة الواحدة» و ما ذلك على الله سبحانه و تعالى بعزیز.

يكى از ثمرات تقريب ايجاد همبستگى بين مراكز علمى شيعه و سنى و رؤسای بزرگ تشيع و تسنن است در اينجا نمونه از نامهای بين دوزعيم بزرگ سنى و شيعه استاد بزرگ شيخ عبدالمجيد سليم رئيس الازهر و آيت الله العظمى بروجردى را از نظر مى گذرانيد.

نامه شيخ عبدالمجيد سليم رئيس دانشگاه الازهر و مفتى اعظم اهل سنت به حضرت آيت الله بروجردى

به نام خداوند بخشنده مهربان

حضرت صاحب السماحه آیت الله الحاج آقا حسین بروجردی

سلام و رحمت خدا بر شما باد، اما بعد راجع به کسالتی که عارض وجود ذیجور جنابعالی شده است، اطلاع یافتیم و سخت متأثر و ناراحت شدیم از آن رو که دارای علم و فضیلتید و نسبت به حقیقت اخلاص دارید. و ما از خدای جل و علا مسئلت داریم که بزودی شما را شفا بخشد و لباس عافیت بپوشاند تا اینکه بتوانید نشاط خود را در خدمت به اسلام و مسلمین بازباید و البته این خواست الهی است که اینجانب نیز در این مدت در خانه بستری باشم و با دو اندوه مواجه گردم، اندوه خودم و اندوه پیروانم، و بیشتر نگران و مضطرب حال امت عزیزمان هستم. و خدا می داند که چقدر محزون و افسرده‌ام. خواهشمندم که برای من دعا کنید چنانکه من برای شما دعا می کنم. امید است که خداوند همگی ما را با رحمت و لطفش یاری دهد. اکنون امت اسلامی بیش از هر چیز احتیاج به رجال صادق العزم و راجع الوزن دارد که در راه خدا آنچنان که باید بکوشند و مجاهدت ورزند تا غائله فتنه‌ها و محتتها را از بین ببرند. اینکه قوای شر گسترش یافته و عناصر فساد دست به دست هم داده و اهل ایمان در جنابعالی که خود را وقف خدمت به این امت کرده‌اید - و برای کوتاه کردن دست افراد مفسد و بی دین، انتظار می رود، موفق بدارد.

انه قریب مجیب

در این باره مطالبی است که میل دارم برای شما بازگو کنم ولی متأسفانه حالم اجازه نمی دهد.

والسلام علیکم و علی من احاط بکم من المؤمنین الصادقین و رحمه الله و برکاته

۱۷ رمضان/۱۳۷۰هـ

حسین طباطبایی

نقاط مختلف شدیداً متزلزل شده‌اند. و گوئی این همان زمانی است که پیامبر راستین و امین صلوات‌الله و سلامه علیه و علی آله و صحبه، دربارهاش فرموده است: کسی که در این عصر نگهدار دین خود باشد مانند کسی است که آتش به دست نگاه داشته است. و اهل علم با ایمان و راستگو، همچون میخ‌های آهنین یا دیوارهای بلند و استواری هستند که خداوند آنان را برای نگهداری زمین از فتنه و جهالت پیا داشته است یا مانند ستارگان درخشان در شب تاریکند که مسافران را راهنمایی می‌کنند و افراد سرگردان را نجات می‌دهند.

با من دعا کنید که خداوند این افراد را نگاهدارد و بر تعدادشان بیفزاید و رحمتش را بر آنان گسترش دهد و آرامش خود را بر آنان فرو فرستد و به وسیله آنان حق و دین را تأیید کند و افراد باطل و ملحد و مفسد را برکنار سازد.

انه علی مایشاء قدیر و بالاجابه جدیر  
والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

عبدالمجید سلیم

۱۴ شعبان/۱۳۷۰ هـ

پاسخ آیت‌الله العظمی بروجردی

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت صاحب الفضیله الاکبر الشیخ عبدالمجید سلیم

رئیس دانشگاه الازهر - دامت افاضاته.

سلام و درود و برکات الهی بر شما باد. اما بعد:

گرامی‌نامه شما که حاوی عواطف عالی اسلامی بود رسید: از اینکه راجع به کسالت اینجانب اظهار تأثر نموده و از خدا طلب بازگشت سلامتی برایم کرده



بودید تشکر می‌کنم.

و از خدای تعالی می‌خواهیم که بی‌اطلاعی و جدایی و پراکندگی مسلمانان را نسبت به یکدیگر به معرفت و شناخت واقعی و محبت و همبستگی مبدل سازد. و انه علی مایشاء قدیر.

نامه شما حاکی از این بود که وجود گرانبایه شما نیز دچار بیماری گشته و در خانه با دو اندوه، اندوه خود و اندوه امت خویش بستری شده‌اید و فکر طولانی شما برای حال این امت، شما را دچار حزن و افسردگی ساخته است. آری رجال علم و رجال اسلام باید اینچنین باشند.

اکنون که فتنه‌های ویران‌کننده، مسلمین را فراگرفته و محتتها آنان را احاطه کرده است، از خدای متعال می‌خواهم که بر شما لباس عافیت بپوشاند و شما را برای خدمت به اسلام و مسلمین و آنچه موجب اهتمام به امر این امت و همچنین آنچه در این عصر از امثال شیخ محمود شلتوت رئیس فقید الازهر و مفتی اعظم اهل سنت مصر شیخ محمود شلتوت در ۲۳ آوریل در سال ۱۸۹۳ چشم به جهان گشود و از سال ۱۹۰۶ در دانشگاه مذهبی اسکندریه به تحصیل علم پرداخت و او در تمام دروس نمره اول بود، تا اینکه در سال ۱۹۱۸ فارغ‌التحصیل و رتبه اول آن دانشگاه شد و به اخذ تصدیق جهانی نائل گشت و در سال ۱۹۱۹ برای تدریس در دانشگاه اسکندریه تعیین گردید. و در سال ۱۹۳۷ عضو جمعیت علمای اعلام گردید و در این موقع سنش از همه آنها کمتر بود. و به تدریج به مقامهای عالی و عالیتر رسید. در سال ۱۹۵۰ سرپرست مباحثات فرهنگی اسلامی دانشگاه الازهر شد، و در سال ۱۹۵۷ مستشار مؤتمر اسلامی گردید و بعد نائب رئیس دانشگاه الازهر گشت و سپس در ۲۲ اکتبر سال ۱۹۵۸ به ریاست دانشگاه الازهر انتخاب شد. از اقدامات مهم او در الازهر، وارد کردن

فقه شیعه در جنب دروس فقه مذاهب چهارگانه تسنن و صدور فتوای تاریخی مبنی بر جواز پیروی از شیعه امامی است.

مشهورترین تألیفاتش - ۱- تفسیر قرآن کریم ۲- المسئولیه المدنیه والجنائیه فی الشریعه الاسلامیه ۳- منهج القرآن فی بناء المجتمع ۴- الاسلام عقیده و شریعه ۵- الفتاوی ۶- من توجیهات الاسلام ۷- القتال فی الاسلام و... وی در ۲۶ رجب ۱۳۸۳ مطابق با ۱۲ دسامبر ۱۹۶۳ بجوار رحمت حق پیوست و دنیا را الوداع گفت و در مرگ او شیعه و سنی ماتم گرفتند.

رئیس الازهر طی مصاحبه‌ای با یکی از جراید مهم مصری اهتمام خود را نسبت به تقریب بین مذاهب اسلامی و تدریس فقه شیعه در دانشکده حقوق اسلامی الازهر بیان می‌دارد که در اینجا خلاصه آنرا از نظر می‌گذرانید.

### الازهر و فقه شیعه

اسلام همواره مسلمانان را بسوی وحدت فراخوانده و چنگ زدن به دستاویز الهی را محور قرار داده تا مسلمانان به آن تمسک جویند و پیرامون آن جمع شوند. سریح‌ترین آیه در این مورد فرموده خدا در سوره آل عمران است که می‌فرماید «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا و...» همگی به ریسمان محکم الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید.

این آیه مسلمانان را از تفرقه و پراکندگی باز می‌دارد.

تفرقه شامل هر نوع جدائی و پراکندگی می‌شود خواه به واسطه تعصب جاهلانه که از آن نهی شده و در روایت آمده است که:

لاعصیه فی الاسلام (تعصب در اسلام نیست)

و خواه به سبب روشهای گوناگون و فرقه‌های مختلف باشد، چه تمام مذاهب

اسلامی با اینکه متعدد و راههای گوناگون دارند از یک اصول یعنی قرآن و سنت پیغمبر(ص) سرچشمه می گیرند (و بنابراین اختلاف روش نباید موجب جدایی و پراکندگی گردد).

در مورد اجتهاد در احکام میدان وسیعی است که فرقه های متعدد را به وجود آورده است و علی رغم تعدد آنها و اختلاف در بسیاری از احکام و تعدد آراء در یک مسئله، همگی دارای یک مرز بوده و به یک چیز توجه دارند و آن ایمان به مصادر و مآخذ اولیه و مقدس بودن قرآن و سنت پیامبر است.

پیشوایان مذاهب اسلامی جملگی بر آنان که:

حدیث آنگاه که صحیح باشد جزو مذهب آنان است

و از اینجاست که میان شافعی، حنفی، مالکی، حنبلی، سنی و شیعی اتفاق و همبستگی است به طوری که هیچگاه میان صاحبان این مذاهب اختلافی دیده نشده است مگر اینکه به طرق اجتهاد خاص خود بنگرند و تحت تاثیر و تمایلات خود قرار گیرند، و در برابر آراء و نظریات خود به خضوع درآیند. در اینجاست که رخنه هایی پیدا می شود و دشمنان استعمارگر، در آن نفوذ می کنند و این شکاف را گسترش می دهند تا وحدت مسلمانان را از بین ببرند و عداوت و دشمنی را جایگزین آن سازند.

و بدین ترتیب میان مسلمانان تعصب فرقه ای پدید می آید و نتیجه آن آثار تلخ و زنده ای است که تاریخ آنرا در خود ثبت کرده همچون جنگها، برادرکشی ها و مشاجره ها و کشمکشها میان مذاهب و دین همواره آنان را ندا می دهد به کلمه خدا توجه کنید «ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب رعیکم و اصبروا ان الله مع الصابرين» با یکدیگر نزاع نکنید تا پراکنده نگردید، و مجد و عظمت خود را به باد

ندهید. اگر با هم اختلاف نظر پیدا می‌کنید شکبیا باشید و یکدیگر را تحمل کنید که خداوند با شکیبایان است.

آیا برای پایان دادن به تعصب بین شیعه و سنی چه روشی اتخاذ کرده‌اید و برنامه شما در این میدان چیست؟

به یاری خداوند تصمیم گرفته‌ایم که فقه اسلامی را در دانشکده حقوق اسلامی به تمام مذاهب فقهی - که اصول آنها معروف و روششان آشکار است تدریس نمائیم.

و بدون شک مذهب شیعه امامی وزیدی در میان آنان خواهد بود. و اکنون وزارت اوقاف مصر به روح تقریب روی آورده و کتاب مختصر نافع کتاب فقهی شیعه را چاپ و میان مسلمانان مجانی منتشر کرده است. همچنین جمعیت تقریب که از چندین سال قبل در مصر تأسیس شده و من از آغاز در تأسیس و رسالت آن شکست داشته‌ام به چاپ کتاب مجمع‌البیان بنا به درخواست فقید شیخ عبدالمجید سلیم رئیس پیشین الازهر مبادرت ورزیده و من مقدمه آنرا نوشته‌ام و این کتاب متعلق به یکی از پیشوایان شیعه یعنی ابوالفضل ابن حسن طبرسی از علمای بزرگ امامیه است.

و اینک من بار دیگر به نام خدا و بنام کتاب خدا و بنام وحدت اسلامی و بنام جنگ‌زدن به ریسمان محکم الهی علمای شیعه و سنی را به تقارب و همبستگی دعوت می‌کنم مسلماً گرامی‌ترین آنان نزد خدا کسی است که زودتر به هدف مقدس سبقت گیرد. و رخنه‌هایی را که در گذشته میان مسلمین پیدا شده ببندد و مجد و شعار ما را که عبارت از وحدت اسلامی است به ما بازگرداند.

### شیخ محمود شلتوت رئیس فقید الازهر

یکی از منادیان بزرگ وحدت و یکی از اعضاء دارالتقرب بود که بیشتر عمر خود را در این راه صرف کرد و گامهای بزرگ و موثری در این راه برداشت، از جمله:

#### ۱- همفکری با نمایندگان مذاهب اسلامی:

شیخ محمود شلتوت در اغلب جلساتی که دارالتقرب از نمایندگان اسلامی تشکیل می داد شرکت می جست، و در راه وحدت و همبستگی با آنان همفکری می کرد و از این اجتماعات چنین یاد می کند: آرزو داشتم می توانستم از اجتماعاتی که دارالتقرب برپا می شد تعریف کنم که در آن مصری در کنار ایرانی، لبنانی، عراقی و پاکستانی و غیره قرار می گیرد و حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی با امامی و زیدی در یک میز می نشیند و به ندای توأم با دانش و ادب، پاکی و فهم برادری مودت همکاری و محبت یکدیگر را می خوانند. و نیز آرزو داشتم می توانستم از کسان بسیاری سخن بگویم که برای این دعوت اسلامی از خودگذشتگی نشان دادند و در راه آن کوشش فراوان مبذول داشتند، و به وسیله تقرب راهی به سوی تقویت مسلمانان و ابراز محاسن اسلام پیمودند و همچنین پیشوایان متفکر از کشورهای مختلف اسلامی که به جمعیت دارالتقرب پیوستند و جهود و کوشش خود را برای نشر طرحهای اساسی آن بکار بردند و پیش از ما به لقاء پروردگار نائل گشتند، کسانی که ما به آنها مباحثات علمی و تبادل نظر و فکری داشتیم و به آنها مکاتبه می کردیم در پیشاپیش آنان پیشوای بزرگ مرحوم حاج آقا حسین بروجردی احسن الله فی الجنة مئوه.

و دو شخصیت بزرگ دیگر شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء و سید

عبدالحسین شرف‌الدین موسوی رحمهما الله قرار داشتند. آری این بزرگان بودند که از آغاز، دعوت تقرب را پذیرفتند و دلها و خردهای خود را به روی آن گشودند و در راه آن خالصانه و صادقانه بهترین کوششها را مبذول داشتند تا اینکه خشنود و شادمان بسوی پروردگار خویش باز گشتند.

## ۲- تفسیر قرآن کریم

و از آثار مهم این مرد بزرگ در راه وحدت اسلامی تفسیر قرآن کریم است که طی چهارده سال در مجله رساله السلام دارالتقرب، براساس توحید کلمه و دور از تعصبات فرقه‌ای نوشته شده این تفسیر یکی از بهترین تفاسیر جهان اسلام است که با اصولی نوین و روشی عالی عظمت و اعجاز و بلاغت و همبستگی آیات و سوره‌ها را آشکار می‌سازد.

## شیخ محمود شلتوت و تفسیر مجمع البیان

یکی از کارهای شیخ محمود شلتوت در راه وحدت اسلامی و معرفی شیعه به برادران اهل سنت، نوشتن مقدمه علمی و معروفی بر کتاب تفسیر مجمع البیان مفسر بزرگ شیعه ابوالفضل بن حسن طبرسی است که شیخ عبدالمجید سلیم رئیس سابق‌الازهر چاپ آنرا به عنوان بهترین تفسیر به دارالتقرب پیشنهاد کرد و دارالتقرب با مقدمه شیخ محمود شلتوت و پاورقی‌های علمای‌الازهر به چاپ آن همت گماشت.

### شیخ محمود شلتوت و فقه تطبیقی

یکی دیگر از اقدامات مهم شیخ محمود شلتوت در راه وحدت اسلامی، تأسیس فقه مقارن یا تطبیقی مشتمل بر فقه شیعه و سنی در دانشگاه الازهر بود که افق نوینی به روی اساتید و دانشجویان الازهر گشود، براساس فقه مقارن محقق تمام نظریات و آراء فقهی تمام مذاهب اسلامی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد و هر حکمی که دلیلش قوی‌تر بود به مورد اجرا در می‌آورد. از هر افقی که باشد او در این باره می‌نویسد: «اینهم دانشگاه الازهر براساس تقریب بین مذاهب اسلامی مقرر داشت که فقه شیعه و سنی هر دو براساس دلیل و برهان بدون هیچ‌گونه تعصبی تدریس شود.»

### فتوای تاریخی شیخ محمود شلتوت

از اقدامات مهم شیخ محمود شلتوت در دانشگاه الازهر صدور فتوای تاریخی مبنی بر جواز پیروی از مذهب شیعه امامی است. او در مقاله تاریخی خود در این باره می‌نویسد: به هنگام ریاست دانشگاه الازهر فرصتی فراهم گشت تا فتوایی دائر بر جواز پیروی از مذاهب ریشه‌دار و اصیل اسلامی که شیعه دوازده امامی هم جزو آنهاست صادر نمایم.

### متن فتوای تاریخی شیخ محمود شلتوت

آیین اسلام هیچ یک از پیروان خود را مجبور به پیروی از مذهب معینی نکرده است؛ بلکه هر مسلمانی می‌تواند از هر مذهبی که بگونه صحیح نقل شده و احکام آن در کتابهای ویژه خود تدوین گشته است پیروی کند بنابراین کسی که مقلد یکی از این مذاهب چهارگانه است می‌تواند به هر یک از مذاهب دیگر برگردد.

مذهب جعفری- معروف به مذهب امامی اثناعشری- مذهبی است که شرعاً پیروی از آن مانند پیروی از مذاهب اهل سنت جایز است. پس می‌شود که مسلمانان این حقیقت را دریابند و از تعصب ناروایی که نسبت به مذهب معینی دارند، دوری گزینند. زیرا دین خدا در گرو پیروی از مذهبی نبوده و در انحصار مذهب معینی نیست. بسیاری از علما و فقهای بزرگ اهل سنت مانند شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ محمد فحام و شیخ عبدالحلیم محمود رؤسای اسبق الازهر و نیز استاد شیخ محمد غزالی و استاد عبدالفتاح عبدالقصد و عبدالرحمن شرفاوی و بسیاری دیگر این فتوای تاریخی را مورد تأیید قرار می‌دهند.

### بنیانگذاران و طلایه‌داران وحدت و تقریب

در این راه بسیاری از علماء بزرگ اهل سنت و شیعه گام موثری برداشته‌اند و سالها در این راه تلاش و کوشش فراوانی داشته‌اند و در این میان نقش عالمان و بزرگان شیعه و سنی و فراهم‌سازی زمینه‌های وحدت تمامی ملل اسلامی و ایجاد بستر تفاهم و همدلی و تقریب و نزدیک‌سازی فرق مختلف جهان اسلام و پیروان مذاهب توحیدی بسیار برجسته و شاخص است. شخصیت‌هایی بزرگ و نامداری مانند:

- ۱- سیدجمال‌الدین اسدآبادی اندیشه اتحاد اسلامی را بعد از تبعید از مصر به ایران.
- ۲- آیت‌الله شرف‌الدین بزرگ مرجع شیعیان در لبنان یکی از منادیان بزرگ اتحاد اسلامی است.
- ۳- مرحوم آیت‌الله محمدحسین آل کاشف‌الغطا بزرگ مرجع شیعه در عراق یکی دیگر از منادیان وحدت و تقریب میان مسلمین است که در این باره



کتابهایی چون الدین و الاسلام، المراجعات و غیره نوشته

۴- مرحوم آیت‌العظمی بروجردی، مرجع شیعیان در ایران نیز همواره در اندیشه وحدت اسلامی بوده‌اند و فکر تقریب بین مذاهب اسلامی را در قاهره تأیید می‌کردند.

۵- شیخ محمد عبده، همانطور که دکتر صبحی محمصانی در کتاب فلسفه‌التشریح فی الاسلام می‌نویسند، در میانهای سال هفتم هجری فقیهان سنی به مذاهب چهارگانه معروف اکتفا و به انسداد باب اجتهاد اجماع کردند.

آری شیخ محمد عبده، گامهای موثری در راه وحدت مسلمین برداشت که مجله عروه‌الوثقی و تفسیر قرآن کریم و شرح نهج‌البلاغه او نشانگر آن است.

۶- شیخ سلیم بشری رئیس اسبق الازهر، یکی از علماء حقیقو بود که به جای پیروی از هوای نفس و تعصبات فرقه‌ای برای قضاوت صحیح درباره شیعه باب مناظره و مکاتبه توأم با منانت و ادب اسلامی و مرحوم آیت‌الله سیدشرف‌الدین، مرجع بزرگ شیعیان لبنان باز کرد که مجموعه مناظرات این دو عالم عالیقدر بصورت کتاب المراجعات در آمده است.

۷- شیخ مراغی بزرگ رئیس اسبق الازهر

یکی از نخستین پایه‌گذاران تقریب بود که بدین منظور میدانی برای ایراد سخنرانی در دانشگاه الازهر و خارج از آن به روی رجال تقریب و علمای شیعه گشود. و تسهیلاتی برای ارتباط آنان با رجال الازهر و شخصیتهایی که به وحدت اسلامی علاقمند بودند فراهم کرد.

۸- شیخ عبدالرزاق رئیس اسبق الازهر

به دنبال شیخ مراغی بزرگ، شیخ مصطفی عبدالرزاق به ریاست الازهر رسید او یکی از مدافعین تقریب و علاقمندان به وحدت اسلامی بود.

- ۹- شیخ عبدالمجید سلیم رئیس اسبق الازهر و نائب رئیس جماعت تقریب یکی از شیوخ و رؤسای بزرگ الازهر که در صف اول جماعت تقریب در راه وحدت اسلامی گامهای بسیار موثری برداشت و شخصیتش به پیشرفت تقریب کمک شایانی نمود شیخ عبدالمجید سلیم بود.
- ۱۰- شیخ محمد فحام رئیس سابق الازهر
- شیخ محمد فحام یکی دیگر از علاقمندان به وحدت و همبستگی اسلام بود.
- ۱۱- ابوالقاسم علی بن الحسین بن موسی معروف شریف مرتضی علم الهدی (۳۵۵-۴۳۶ق).
- ۱۲ مفسر، متکلم و فقیه اصولی ابو جعفر محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ الطائفه و شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق).
- ۱۳- مفسر و فقیه و اصولی و از مشاهیر فقها و علمای شیعه جمال الدین بن حسن بن یوسف بن مطهر معروف به علامی حلی (۶۴۸-۷۲۶ق).
- ۱۴- یکی از نامورترین فقهای شیعه محمد بن عزالدین حسین بن عبدالصمد معروف به شیخ بهائی (۹۵۳-۱۰۳۰ق).
- ۱۵- فقیه اصولی محدث رجالی مفسر متکلم ریاضی دان و ادیب برجسته شیعی ملا محمد باقر بن محمد تقی معروف به علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ق).
- ۱۶- محدث فقیه برجسته و مرجع نامدار شیعیان دلسوزانه و مجدانه در این راه کوشیده و همت بر این کار گمارده اند آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی (۱۳۱۵-۱۴۱۱ق).
- ۱۷- آیت الله العظمی شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس تشخیص مصلحت نظام.
- ۱۸- آیت الله مکارم شیرازی

۱۹- و از بلوچستان مولوی مولانا مرحوم عبدالعزیز ملازاده عالم بزرگ اهل

سنت

۲۰- علامه اقبال لاهوری شاعر بزرگ اسلام

۲۱- علامه مودودی پاکستانی

۲۲- حسن البنا

۲۳- سید قطب مصری

۲۴- علامه شیخ مرتضی مطهری

۲۵- آیت الله سید محمود طالقانی

۲۶- دکتر محمد حسین بهشتی

۲۷- رئیس جمهور محبوب حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی

### تقریب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران امام راحل

در این موج اخیر نقش بیدارگرانه حضرت امام خمینی (ره) آنچنان عظیم و پر ارج است که بررسی آن نیاز به رساله‌ای جداگانه دارد. دفاع آن حضرت از مسلمانان مظلوم سراسر گیتی بدون در نظر داشتن مذهب و ملیت خاص نشانه‌ای از اعتقاد عمیق به این مسئله است آن فقید سعید علاوه بر سخنان و رهنمودهای گرانقدری که در این باره ارائه فرموده‌اند دارای فتوای دقیق و ارجمندی هستند که پایه‌بندی معظم‌له را در عمل ثابت می‌نماید چنانکه در مسائل مربوط به حج و... روشن ساختند امام خمینی (قدس سره) قولاً و عملاً با تمامی توان و با جد و جهد و رنج فراوان در جهت تحقق وحدت امت مسلمانان بودند و ایشان اخوت مسلمین را قدرت ایمان می‌دانستند و عقیده داشتند تمام مسلمین با هم برادر و برابرند و هیچ یک از آنها از دیگری جدا نیستند و همه آنها زیر پرچم اسلام و

زیر پرچم توحید باید باشند اینهائی که بین مسلمین تفرقه می اندازند لشکرهای شیطان و کمک کننده های قدرتهای بزرگ و مخالفین قرآن کریم هستند اسلام به نیایش بر برابری و برادری و وحدت است و همه مسلمین ید واحده هستند و در برابر دیگران ما می خواهیم که به همه ملتها بفهمانیم که اسلام دین وحدت است. حضرت امام(ره) در جهت ایجاد عملی وحدت امت اسلامی نقش اول را در سطح جهانی ایفاء نمودند که از جمله تشکیل حکومت اسلامی در ایران و تأسیس سازمان تقریب مذاهب در کشور اسلامی ایران و همچنین اعلام هفته وحدت به مناسبت روز میلاد پیامبر و ثلثه پاکش امام جعفر صادق(ع) را می توان به عنوان نمونه هایی از این وحدت نام برد.

امام راحل همیشه پیام آزادی و حدیث و اخوت و برادری را به مسلمین جهان و به ویژه به فرق اسلامی اعم از شیعه و سنی ندا داده اند. اینک از بیانات امام راحل(ره) در پیرامون وحدت و تقریب بین فرق اسلامی:

آقایان اهل سنت و علمای شیعه مدتهاست که زحمت می کشند که تفرقه را کنار بگذارند و کسانی که پیغمبرشان و دینشان یکی است، همواره و برادر باشند، لکن افرادی کوشش می کنند که تفرقه ایجاد کنند و شما خوب می دانید که چه کسانی از تفرقه سود می برند.

۶۱/۵/۲۵ صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۴۸

در اسلام بین شیعه و سنی ابدأ تفرقه نیست، بین شیعه و سنی نباید تفرقه باشد، باید وحدت کلمه را حفظ کنید. ائمه اطهار ما سفارش کردند به ما که بیوندید با هم و با هم اجتماعمان را حفظ کنیم کسی که این اجتماع را بخواهد که بهم بزند، یا جاهل است و یا مغرض و نباید به این حرفها گوش بکنید.

۵۷/۱۱/۱۷، صحیفه نور، ج ۵، ص ۳۸

مشکل عمده مسلمین همان دوری از اسلام و قرآن است و اگر مسلمین به حسب امری که خدای تبارک و تعالی فرموده است «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» اگر به همین یک امر و نهی عمل می کردند، تمام مشکلاتشان، مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی‌شان رفع می شد هیچ قدرتی نمی توانست با آن مقابله کند.

۵۸/۴/۱، صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۷۶

### تقریب و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای

پس از امام راحل بزرگترین منادی وحدت اسلامی و پرچم دار تقریب بین مذاهب رهبر عظیم‌الشان جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله خامنه‌ای هستند که با تأکید بر وحدت و اتحاد اسلامی و تأسیس مجمع تقریب بین مذاهب به آرزوهای علماء مجاهد و مصلحان مسلمان و به ویژه آرمانهای بلند حضرت امام خمینی (ره) جامه عمل پوشیدند مقام معظم رهبری در سال ۱۳۶۹/۷/۱۹ رسماً دستور تأسیس دارالتقریب را صادر فرمودند و طی حکمی حضرت آیت الله واعظزاده را به دبیر مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی منصوب فرمودند.

متن حکم رهبر معظم انقلاب به حجت الاسلام والمسلمین محمد واعظزاده خراسانی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و اله الطاهرين

جناب آقای حاج شیخ محمد واعظ خراسانی، استاد و دانشمند و متفکر ارجمند دام بقائه اکنون بحمدالله مقدمات تأسیس مجمع تقریب بین المذاهب الاسلامیه فراهم گشته و قبول و استقبال وسیع علما و متفکران اسلامی در اکناف

جهان اسلام از فکر تقریب میان فرق مسلمانان امیدهای تازه‌ای را در این عرصه برانگیخته است جنابعالی را که دارای رتبه والائی در علوم اسلامی و سابقه و ممارست مشکوری در امر تقریب بین برادران فرق اسلامی می‌باشید به دبیرکل مجمع مزبور منصوب می‌کنم.

به این امید و انتظار که تلاش همه جانبه‌ای در زمینه‌های گوناگون علمی و فرهنگی مبذول نموده حرکت منطقی و پیگیر به سمت اهداف تعیین مجمع مزبور را با درایت کامل هدایت فرمائید.

توقع عکس‌العمل از سوی کسانی که تعرفه‌ی مسلمین همت گماشته‌اند ایجاب می‌کند که با توکل به خداوند متعال عظمت و اهمیت این اهداف والا همواره در مدنظر باشد و از بذل هیچ مجاهدتی دریغ نشود.

توفیقات جنابعالی را از خداوند متعال مسئلت می‌کنم والله المستعان.  
والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

علی‌الحسینی الخامنه‌ای

۱۳۶۹/۷/۱۹

و اینک متخبی از بیانات معظم‌له در پیرامون وحدت امت اسلامی. ما در هفته وحدت و بعنوان پیام وحدت حرفمان این است که مسلمانان بیایند با هم متحد شوند و با هم دشمنی نکنند. این حرف بدی نیست، این حرف، حرفی است که هر عاقل بی‌غرض و منصفی آنرا قبول خواهد کرد. محور هم کتاب خدا و سنت نبی اکرم (ص) و شریعت اسلامی باشد. ۶۸/۷/۱۹

بسیاری از فتاوی‌ای علما و فقهای اسلام، اگر مورد بحث فقهی عالمانه قرار گیرند می‌توانند به یکدیگر نزدیک شوند و ما در صدد هستیم تا دارالتقریب

بین المذاهب را ایجاد کرده و میزبان شخصیت‌های عالم از تمام جهان اسلام باشیم تا به این ترتیب و با کوشش فقها، متکلمین، فلاسفه و علمای اسلام نظرت فرقی اسلامی در مجموعه‌ای واحد در اختیار همه مسلمین قرار گیرند ۶۸۷/۲۵.

به منظور ایجاد وحدت و انسجام بیش از پیش میان مسلمانان و نزدیک ساختن مذاهب مختلف اسلامی از طریق بحث‌های کلامی و فقهی میان علما و اندیشمندان جهان اسلام، جمهوری اسلامی ایران آماده است «دارالتقریب بین المذاهب» را تأسیس و میزبان شخصیت‌های علمی اسلامی باشد ۶۸۷/۲۵.

اصرار ما برای تحقق وحدت که از روز اول پیروزی انقلاب نیز این اصرار را داشته‌ایم، براساس یک باور اعتقادی و ایدئولوژیکی و استراتژیکی است و لذا همواره طرفدار وحدت بوده‌ایم و هستیم و خواهیم بود. ۶۰/۱۰/۱۷.

آری جمهوری اسلامی ایران سالانه در تهران میزبان کنفرانس بین‌المللی تقریب میان مذاهب اسلامی رجال اندیشمندان و متفکران و محققان و پژوهشگران علماء و طلابه‌داران وحدت جهان عالم اسلام می‌باشد و الحمدلله از بدو تأسیس دارالتقریب تاکنون بهمت و تلاش بی‌وقفه و صادقانه و سوابق تجاری، علمی و عملی و طلابه‌دار وحدت حضرت آیت‌الله محمد واعظزاده ۱۳ سیزده کنفرانس بین‌المللی در تهران به نحو احسن و مفید و مؤثر تشکیل شده که نتایج آن در کشورهای اسلامی و همجوار و جمهوری اسلامی ایران مشاهده می‌شود.

## منابع و مأخذ

- اسلام آئین همبستگی دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی
- مصلحان و اندیشه اتحاد مسلمانان محمدجواد صاحبی
- وحدت مسلمین نگرشی به مقالات کنگره جهانی ائمه جمعه و جماعات
- اخبار تقریب
- مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
- تاریخ سیاسی معاصر ایران دکتر سیدجلال الدین مدنی
- الوحده الاسلامیه محمد واعظزاده خراسانی



# انقلاب اسلامی و تقریب مذاهب

محمدتقی جمشیدی بروجردی

کارشناس ارشد وزارت امور خارجه



## بسم الله الرحمن الرحيم

انقلاب اسلامی ایران بعنوان بزرگترین و موفقترین حرکت انقلابی قرن بیستم یکی از دستاوردها و نتایج ارزشمند و درخشان وحدت اسلامی است. پیش از آن، ضرورت تحقق وحدت اسلامی مرهون مساعی و مجاهدتهای دوشخصیت ممتاز جهان اسلام یعنی حضرت آیت الله العظمی بروجردی بزرگترین مرجع تقلید شیعیان جهان و جناب شیخ شلتوت عالم بسیار برجسته اهل سنت و چهره درخشان الازهر مصر در دهه‌های نخستین قرن بیستم می‌باشد. اولین برکات ملموس این حرکت توحیدی رسمیت شیعه بعنوان یکی از مذاهب اسلام و تدریس فقه جعفری در الازهر و فروکش کردن کینه‌ها و دشمنی‌های بسیار نابجای تاریخی بین این دو فرقه شریف بود. بدنبال آن شاهد برپائی حج‌های شکوهمند ابراهیمی طی ایام حج تمتع و دیگر مراسم دینی اخوت‌آمیز در مراکز بزرگ اسلامی بودیم. می‌دانیم که پیش از آن هر ساله به ویژه طی مراسم حج تمتع تعداد زیادی شیعه و سنی بدلائل اختلاف نظرهای کم‌اهمیت بدست یکدیگر کشته می‌شدند و اعتبار و جاهت اسلام از این حرکت‌های جاهلانه متأثر می‌گردید. به دستور همان مرجع بزرگ (آیت الله بروجردی) برخی مراسم سنتی و حرکات تفرقه‌انگیز چیده شد و آن بزرگوار و سپس امام خمینی (ره) به شیعیان دستور شرکت در نمازهای جماعت اهل سنت و متابعت از زمان اعلام عید قربان را صادر کردند. بقول دانشمند گرامی جناب آقای واعظزاده خراسانی که خود

مجتهدی آگاه و شاگرد ممتاز حضرت آیت الله بروجردی در امر وحدت است، امام خمینی (ره) طی ۱۷ سالی که ملازم حضرت آیت الله بروجردی بودند از نظر وحدت اسلامی و تقریب مذاهب تحت تأثیر آن بزرگوار بودند و در همان اوان راههای تحقق وحدت اسلامی در فکر ایشان شکل گرفت. اگر این سوابق و زمینه‌ها از قبل فراهم نمی‌شد و در تمام مراحل انقلاب حضرت امام خمینی (ره) لزوم اتباع از امر وحدت را سرلوحه حرکات خود قرار نمی‌داد یا انقلاب به پیروزی نمی‌رسید و یا پیروزی مذکور حکم آفتاب تموز و برف را داشت. این انقلاب به خاطر نقش بی‌بدیل و غیرقابل انکاری که در احیاء دینی، ارزشهای اسلامی و بازگشت مجدد به مذهب داشت دارای تأثیرات بارز و گرانسنگی در جهان اسلام بوده است. این تأثیرات بنوبه خود همدلی، هماوانی و بطریق اولی و بطور نسبی اتحاد امت اسلامی را بدنبال داشته است. از آنجا که بررسی ابعاد جهانی انقلاب اسلامی در امر تقریب مذاهب اسلامی احتیاج به بررسی‌های عمیق و همه‌جانبه دارد، این مقاله بر آن است تا ابتدا به تأثیرات امر وحدت در پیروزی انقلاب اسلامی ایران اشاره کند و سپس به نحوی گذرا تأثیرات جهانی آنرا که موجب جذب و انگیزه مسلمانان جهان بالاخص جوانان به اسلام و انقلاب اسلامی و اعتلا و احیاء اسلام گردیده است بررسی و در این رهگذر نقش حضرت امام خمینی (ره) در معماری و طراحی و هدایت بنای رفیع وحدت مورد توجه قرار گیرد.

نقش بسیار تعیین‌کننده و کلیدی حضرت امام خمینی (ره) در امر وحدت مطلب بسیار مهمی است که شالوده و اساس انقلاب اسلامی است. حضرت امام در تمام دوران مبارزات خود که بطور لاینقطع چهل سال قبل از پیروزی انقلاب آغاز شد اهمیت مسأله وحدت را بکرات مورد تأکید قرار می‌داد. یکی از دلائل

موفقیت درخشان امام در این طریق عنایت همه‌جانبه و عمیق ایشان به فرهنگ قرآنی و اسلامی در زمینه وحدت و تبیین این مقوله در جایگاه واقعی خود می‌باشد. در جهان‌بینی سیاسی امام، این وحدت امری حیاتی و ضروری و بالاتر از آن امری قداست‌آمیز، مذهبی و تکلیفی الهی بوده «رمز پیروزی شما اول ایمان ثابت و بعد وحدت کلمه بود.»<sup>(۱)</sup> و یا «این قدرت اسلام و قدرت ایمان بود که مردم را به وحدت کشاند و این قدرت ایمان بود که مردم را به پیروزی رساند»<sup>(۲)</sup> امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۳ هجری قمری یعنی ۳۶ سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی طی یک موضعگیری عمیق اعتقادی که از اسناد مهم وحدت‌آمیز انقلاب اسلامی به کلام الهی استناد کرده، و می‌فرماید: «قال الله تعالی، قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله مثنی وفرادی، خدایتعالی در این کلام شریف، از سه منزل تاریک طبیعت تا منتهای مسیر انسانیت را بیان کرده و مهمترین موعظه‌هائی است که خدای عالم از میان تمام مواعظ انتخاب و این کلمه را پیشنهاد فرموده، این کلمه تنها راه اصلاح در جهان است.»<sup>(۳)</sup> امام در جایی دیگر و باز هم با استناد به قرآن کریم وحدت را نه دستوری انسانی و موقت و مربوط به مکانی خاص بلکه امری الهی، دائمی و برای سراسر جهان اعلام می‌نماید «قرآن کریم که به ما دستور داده و به مسلمین دستور وحدت داده برای یکسال و دهسال و صد سال نیست، برای سرتاسر عالم است، در سرتاسر تاریخ و ما محتاج به این هستیم که عملاً وحدت را محقق کنیم.»<sup>(۴)</sup> با عنایت به این قداستها و وجوب مذهبی است که امام خمینی (ره) وحدت را در تمام ابعاد و تمامی زمینه‌ها و در بین کلیه

(۱) صفحه ۱۴۱ صحیفه نور جلد پنجم.

(۲) ۱۸۹ صحیفه نور جلد پنجم.

(۳) صفحه ۳ صحیفه نور، جلد اول.

(۴) صفحه ۲۵۰ جلد ۱۹ صحیفه نور.

اقتدار و گروه‌های اجتماعی اعم از دانشجو، طلبه، استاد، کاسب، زارع، کارگر، معلم، بازاری، دانشجو، پزشک، شیعه، سنی، روشنفکر و... ضروری و لازم می‌دانستند. به منظور تحکیم هرچه بیشتر امر وحدت، امام پرداختن به امور ملی‌گرایی، قوم‌گرایی، تشکلهای سیاسی وارداتی و امثالهم که به موجبات تفرق ملت را فراهم می‌کند جریانهای مخربی می‌دانستند که همانندهای الفت ملی و مذهبی را می‌گسلاند و جامعه را حسب اقوام، احزاب و گرایشات سیاسی دسته دسته، رو در روی هم قرار می‌دهد. امام خمینی (ره) اصولاً موضوع وحدت را پیش فرض و مقدمه هرگونه حرکتی اعم از مبارزه با رژیم شاه، مبارزه با فساد، مبارزه با غربزدگی، مبارزه با آمریکا و اسرائیل و... قرار می‌داد. اعتبار و برجستگی و جاهت امام و اوضاع و احوال سیاسی جهان اسلام و بالاتر از همه حقایق مسلم دینی موجب گردید که دیگر مراجع و علماء بزرگ شیعه نیز پیش از پیش به امر وحدت توجه نمایند. یکی از اسناد مهمی که در این رابطه قابل طرح است اعلامیه مشترک امام خمینی (ره) و آیات عظام میلانی، مرعشی‌نجفی و طباطبائی قمی است که از نخستین موضعگیریهای شفاف و جهانی علماء در قبال وحدت نه تنها در بین اقوام و مذاهب اسلامی، بلکه وحدت کلیه دول و ملل اسلامی در مقابل تجاوزات استعمار است. این اعلامیه که در پانزدهم خردادماه سال ۱۳۴۳ یعنی اوج اختناق سیاسی ایران و اوجگیری خودکامگیهای غرب و آمریکا صادر شده است مؤید توجه و عنایت علماء بزرگ شیعه ایرانی با همت امام خمینی به مسائل عمومی جهان اسلام و لزوم وحدت علی‌رغم تزییقات و مسائل تحمیلی توسط رژیم وابسته علیه معظم‌له (امام خمینی) (ره) می‌باشد. «برنامه ما وحدت کلمه مسلمین و اتحاد ممالک اسلامی است در مقابل دول استعمار طلب، ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی

در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما که برنامه اسلام است وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است، در تمام نقاط عالم، هم‌پیمانی با تمام دول اسلامی است در سراسر جهان»<sup>(۱)</sup> در قبال موضوع اختلافات فقهی شیعه و سنی که در بسیاری از مواقع علماء دوفرقه را به تحقیق و تتبع و مذاکره و مباحثه و بطریق اولی غنای فکری و امید داشته است، از زمان شروع استعمار توسط دول غربی این اختلافات جزئی دستمایه آنها برای بهره‌برداریهای سیاسی و ایجاد تفرقه گردید. عوامل استعمار در زمان شکوفائی قدرتهای بزرگ اسلامی عثمانی و صفوی و گورکانی (به ترتیب در ترکیه و ایران و شبه قاره) در قرن ۱۷ میلادی، برای رودرروی قراردادن شیعه و سنی و ایجاد برزخ عمیق بین این دو جامعه و در نهایت نابودی و اضمحلال قدرتهای مذکور، به این اختلافات دامن می‌زدند و از آن سوءاستفاده‌های گسترده می‌نمودند. امام خمینی (ره) در خصوص اختلافات فقهی، با بیانی بسیار ساده، مقبول و قابل فهم چنین می‌فرماید: «یک دسته از مسلمانان شیعه هستند و یک دسته از مسلمانان «سنی»، یک دسته «حنفی» و دسته‌ای «حنبلی» و دسته‌ای «اخباری» هستند، اصلاً طرح این معنا از اول درست نبود، در یک جامعه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند این مسائل نباید طرح شود، ما همه برادر هستیم و با هم هستیم، تنها علماء شما یکدسته فتوا به یک چیز دادند و شما تقلید از علماء کردید و شدید «حنفی»، یک دسته فتوای شافعی را عمل کردند و یک دسته دیگر فتوای امام صادق را عمل کردند، اینها شدند شیعه، این دلیل اختلاف نیست، نباید با هم اختلاف و یک تصادفی داشته باشیم، ما همه با هم برادریم، برادران شیعه و سنی از هر اختلافی احتراز کنند، امروز اختلاف بین ما تنها به نفع

(۱) صفحه ۸۴ صحیفه نور جلد اول.

آنها نیست که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب «حنفی» و یا سایر فرق، آنها می‌خواهند نه این باشد نه آن»<sup>(۱)</sup>

در راستای اعتلای هرچه بیشتر امر وحدت و نفرت از عوامل فتنه‌انگیز، امام خمینی (ره) ادبیات خاصی را بکار گیرند، معظم‌له در حالی که وحدت اسلامی را با استناد به آیات الهی و احادیث نبوی و ائمه اطهار در زیباترین جلوه‌های ملکوتی و مردمی و با تعبیری چون رحمت الهی، تکلیف الهی، اخوت اسلامی، مودت، اعتصام به ریسمان الهی، فرهنگ توحیدی، رمز موفقیت، نقش معجزه‌آسای وحدت و امثالهم توجیه می‌کردند نقطه مقابل آن یعنی تفرقه و اختلاف را با عبارات کوبنده و مسموم‌کننده‌ای چون «انتحار مسلمین»، «خیانت به قوای مسلمین»، «الهام ابلیس»، «دسانس شوم قدرتهای سلطه‌گر»، دور بودن از اسلام و مانند آنها تعبیر می‌فرمودند.

بطور خلاصه این تمهیدات و توجهات و عنایات طولانی و همه‌جانبه امام خمینی برای ایجاد الفت و صمیمیت و اخوت در بین تمامی اقشار ایران بود که وحدت منتظر در ایران محقق شد و تنها ده روز پس از ورود معظم‌له از تبعید، شجره طیبه وحدت کاملاً به گل نشست و انقلاب اسلامی ایران به پیروزی کامل رسید. و چه وجه تسمیه زیبایی داشت که این ده روز را با استناد به آیه شریفه «والفجر»، دهه فجر نامیدند.

علاوه بر پیروزی انقلاب اسلامی که بطور اهم بصورت یک پیروزی سیاسی مطرح می‌شد، جلوه‌های الهی و روحانی این انقلاب بسیار عظیم و در خور توجه بود، جلوه‌هایی که کمتر مورد توجه تحلیل‌گران سیاسی قرار می‌گرفت. در این رهگذر الفت، صمیمیت، همدلی، یکرنگی و جلوه‌های نورانی وحدت در بین

(۱) صفحه ۲۵۹ صحیفه نور، جلد ۱۲.



مردم در این مقطع اگر در سراسر تاریخ کشورمان بی نظیر نباشد بسیار نادر است، بالاخص اگر این مقطع تاریخی را (از نیمه دوم سال ۱۳۵۷ تا پایان دهه پنجاه) با سالهای ۱۳۴۲ تا اوائل سال ۱۳۵۶ مقایسه کنیم. در آن سالهای شوم گونشی ملت ایران به صدها پاره و شاخه تقسیم شده و هر گروه و دسته‌ای تنها به منافع گروهی و حزبی تنگ‌نظرانه خود می‌نگریست و به قول مرحوم شریعتی جهان‌بینی‌ها اغلب جهان‌بینی موشی بود. به همین دلایل بود که نه تنها زندان و تبعید و اعدام مصلحین بلکه حتی تبعید امام خمینی (ره) هم (که حداقل یکی از مراجع عظام بود) در روند جاری مسائل ایران تحول مهمی را موجب نگردید، ولو آنکه تحرکات مقدس و خونینی هم در چند شهر کشور را بدنبال داشت، اما در مجموع این تحرکات محدود بود و کمتر از یک هزارم مردم در تظاهرات و اعتراضات ذریبط شرکت کردند. برعکس، در تظاهرات و اعتراضات سال ۱۳۵۷ بالاخص در ماههای پایانی سال مذکور شاهد بودیم که مردم ایران در سراسر کشور، از شهری و روستائی گرفته تا عشایر و کوچ‌نشینان، به حدی همدل و هم‌رأی و هم‌نوا شده بودند که گونشی همگی اعضاء یک خانواده واحد و بسیار صمیمی‌اند. در این حرکت سیاسی مذهبی وحدت‌آمیز هزینه اعتصابات کارگران شرکت نفت و دیگر کارخانه‌ها را بازارها تأمین می‌کردند، کمبود آرد و نان شهرها را مردم روستاها تأمین می‌کردند و اهالی سنی مذهب کردستان و آذربایجان و سیستان و بلوچستان و بندرعباس و... همانند مردم دیگر بلاد شیعی مذهب و مقلد امام، از دستورات معظم‌له برای برپائی اعتصابات و تظاهرات تعطیلی‌های سراسری اطاعت می‌کردند. از دیگر جلوه‌های وحدت شیعه و سنی ابراز همدردی و حمایت از علماء شیعه تبعیدی است. در اواخر دوران اختناق رژیم گذشته تعدادی از تعدادی از علمای شیعه را به شهرهای اهل سنت تبعید

نمود تا به طور منتظر از طرف اهالی مورد بی‌اعتنائی و اهانت قرار گیرند. به رغم این توقع اهالی سنی مذهب کردستان، بلوچستان و... به خوبی نشان دادند که در سایه وحدت متحول شده‌اند، چرا که به جای ایذاء و اذیت، نهایت ادب و میهمان‌نوازی و محبت را در حق آنها (علماء تبعیدی) اعمال می‌نمودند. بطور کلی تأثیرات انقلاب اسلامی را در تقریب مذاهب و توجه و عنایت جدی به مسائل جهان اسلام میتوان در دو مقوله مهم مورد بررسی قرار داد بشرح زیر:

الف: خواست و اراده و تمهیدات انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران در مقوله وحدت

ب: تأثیرات غیرمستقیم غیرارادی اعتقادی، اعتباری و سیاسی انقلاب اسلامی یا صدور انقلاب.

در مقوله نخست که به طور اهم عزم و اراده انقلاب و مسئولین نظام نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و به منظور تقویت امر وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی اتخاذ شده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### ۱- هدایت فرهنگ عمومی جامعه به امر وحدت

در زمان صوفیه تا چند دهه اخیر یعنی تا زمان مرجعیت پرفیض حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی جامعه ایرانی بعنوان بزرگترین کشور شیعی مذهب جهان و اکثریت جوامع اهل سنت مملو از تضادها و اختلافات جعلی باورهای ناصوبی علیه فرقه مقابل بود، به حدی که پیروان دوفرقه بزرگ اسلامی را به دشمنی و عداوت علیه یکدیگر تحریک می‌کرد. اهم این مسائل که عبارت بود از تکفیر شیعه بعنوان رافضی توسط برخی از علماء اهل سنت و سب و لعن برخی

از صحابه پیامبر اکرم توسط گروههایی از شیعیان، دنیروی بزرگ جهان اسلام را بطور جاهلانهای علیه یکدیگر تحریض می‌کرد. از آنجا که در فرهنگ اسلامی، تکفیر دارای شدیدترین و بدترین بارهای منفی و مفاهیم ضداسلامی است و مصادیق آن سزاوار مرگ می‌باشند و این اتهام علیه یک فرد یا افرادی خاص بلکه علیه بخش مهمی از جهان اسلام یعنی تمام پیروان مذهب تشیع بود- و بدنبال آن شیعه‌کشی هم راه می‌افتاد- دشمنی‌ها و کینه‌ها را مشتعل می‌کرد... در این رهگذر چه خونهای پاک که توسط برخی از پیروان اهل سنت ناآگاه و جاهل و حتی با نیت قربت‌الی‌الله ریخته می‌شد و چه جانهای شریفی که قربانی این جهالت‌های کور می‌گردید. در زمانهای مورد اشاره بسیاری از شیعیانی که به طور قاچاق عازم اماکن زیارتی عراق بودند و بدلیل مشکلات سیاسی و روابط فیما بین (ایران و عراق) امکان رفت و آمد آزاد آنها وجود نداشت دچار راهزنان و قطاع الطریق می‌شوند. این راهزنان که مطمئن بودند. زوار پول نقد همراه دارند، آمدنشان غیرقانونی است و به علاوه شیعه‌اند و رافضی و هیچ ملجأ و پناهگاهی برای شکایت و داوری ندارند تمام وجوه نقدی و اشیاء قیمتی آنها را به زور تصاحب می‌کردند و برخی هم با این نیت که هرکس شش رافضی را بکشد جنتی خواهد شد، هم مال آنان را می‌گرفتند هم جانشان را. پدر نگارنده که طی دهه دوم قرن حاضر (۱۳۲۰-۱۳۱۰) بدلیل منع ورود زوار ایرانی به عراق ۷ بار پیاده عازم کشور مذکور شده بود یکبار طی سفر زیارتی اش دچار چند نفر از این راهزنان شده بود که پس از سرقت تمام دارائیش، راهزنان چشمهای او را به قصد هلاکت بسته بودند ولی بطور معجزه‌آسایی نجات یافته بود. به همت آیت‌الله بروجردی و شیخ شلتوت تا حدود زیادی این جهالت‌ها و فجایع خاتمه یافت و چند دهه بعد به برکت وحدتی که انقلاب اسلامی ایران را به پیروزی رساند

اخوت اسلامی بین شیعه و سنی در سراسر جهان ارتقاء یافت و در مجموع دیو نفاق و دشمنی و تکفیر در مقابل نورانیت و قداست کلمه طیبه وحدت رنگ باخت.

### ۲- به رسمیت شناختن مذاهب اهل سنت و احترام به عقاید آنها

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، احترام به اعتقادات مذاهب اهل سنت بطور رسمی در قانون اساسی درج گردید و آنها از ابراز عقاید مذهبی، انتخاب نماینده در مجلس شورای اسلامی، اجرای حدود و موازین شرعی خود حسب عقاید مذهبی، برپائی نمازهای جمعه مستقل و امثالهم برخوردار شدند.

### ۳- حمایت از مسائل اساسی جهان اسلام

حمایت از مسائل و مصائب جهان اسلام که در قانون اساسی نیز درج شده است از اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. به همین دلیل مسائلی چون فلسطین، بوسنی هرزگوین، سودان، افغانستان، هند، پاکستان و آسیای مرکزی و امثالهم مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا امام خمینی (ره) دهها سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مسأله فلسطین را در رأس مسائل عمومی جهان اسلام قرار داد و در اکثریت موضعگیریهای جهانی خود با توجه به امکانات عظیم امت اسلامی، مسلمین جهان را به وحدت و همبستگی علیه غاصبین قدس فرا می‌خواند. اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان بعنوان روز قدس و فراخواندن مسلمین جهان برای توجه و عنایت به این مسأله مهم در روز مذکور جهت جهانی کردن آن، عدم به رسمیت شناختن رژیم غاصب، قطع رابطه سیاسی با مصر به خاطر سازش رژیم مذکور با صهیونیستها، دفاع جانانه از

انتفاضه و عدم حمایت از مذاکرات سازش از اهم مواضع جمهوری اسلامی ایران در این رابطه است. امام خمینی (ره) در ماههای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی (تابستان سال ۱۳۵۸) روز قدس را اعلام و مسلمین را به همبستگی جهانی با مردم فلسطین فراخواند. من در طی سالیان دراز خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم... از عموم مسلمانان جهان و دولتهای اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آنها به هم بیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم تا آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که ایام قدر است و می‌تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد بعنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم فلسطین اعلام نمایند<sup>(۱)</sup> خوشبختانه علی‌رغم مخالفت‌های حکام مرتجع و وابسته، این حرکت هر سال بیش از سالهای قبل مورد استقبال مسلمین جهان قرار گرفته است بطوری که تظاهرات دوم آبان ماه سالجاری (برابر با ۲۵ رمضان المبارک سال ۱۴۲۱) که همزمان با انتفاضه پیگیر و شکوهمند مردم فلسطین صورت گرفت پرشکوهترین تظاهرات قدس در بسیاری از کشورهای اسلامی برپا گردید. اهمیت توجه جمهوری اسلامی ایران به مسأله فلسطین به حدی است که حتی در خلال سالهای بسیار ناگوار جنگ تحمیلی که مصالح ملی و امنیتی و سیاسی کشور در معرض خطر جدی و روزمره بود از حمایت مستمر از فلسطین دست بر نداشت.

در مورد بوسنی هرزگوین نیز جمهوری اسلامی ایران در رأس کشورهای کمک‌کننده و حمایت‌کننده به مظلومین آن سرزمین بود به حدی که بخش اعظم اوقات مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و دیگر مسئولین سیاسی

(۱) صفحه ۲۲۹ صحیفه نور جلد ۸

کشور مصروف این مهم می گردید. علاوه بر آنها مسائلی چون افغانستان بالاخص در زمان اشغال، و حمایت از مجاهدین افغانی، مسجد بامری و زیارتگاه حضرت بال در کشمیر حمایت از حقوق حقه مردم کشمیر و امثالهم از جمله مشغولیت‌های مستمر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

#### ۴- نکریم قوی و جانانه از پیامبر گرامی بعنوان سمبل وحدت امت اسلامی

با توجه به صفات و خصائل و مکرمت‌های ویژه و ممتاز و خلق عظیم نبی مکرم، عموم مسلمانان جهان همواره ایشان را بزرگترین والاترین و در رأس تمام صالحین و ائمه و قدیسین و انبیاء می‌دانند با این اعتقادات اسلامی مقام شامخ نبوت هم بعنوان مرجع کلیه مسلمین در کلیه زمانها و مکانها و هم بعنوان حلقه عقد وحدت بسیار ارزشمند است. به همین دلایل امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، ابن اسد، بشریت و این موقعیت ممتاز را برای کمک مؤثر به امر وحدت مفتنم شمرده‌اند. حکم ارتداد نویسنده آیات شیطانی هم حکمی بود شرعی و الهی و هم برای حمایت از قداستهای اسلامی بالاخص در قبال بانای بزرگ مکتب اسلام و هم اتحاد و همبستگی امت اسلامی حول محور منور نبوت برای دفاع از کیان اسلامی. این حکم در زمانی صادر شد که جنگ تحمیلی همچنان ادامه داشت و بسیاری از حکام مرتجع و کشورهای غربی در این جنگ ویرانگر به رژیم متجاوز کمک می‌کردند.

علاوه بر آن حصر اقتصادی و سیاسی بگونه‌ای شرایط را علیه جمهوری اسلامی ایران دشوار کرده بود که حتی روسیه شوروی سابق هم بعنوان کشوری همسایه از فروش سیم خاردار به شورمان بعنوان اینکه جزء اقلام نظامی است امتناع می‌کرد. از این رو چنین حکمی فاقد توجیه سیاسی بود و صدور این حکم

تنها به خاطر عشق سوزان امام خمینی (ره) به ساحت مقدس رسول اکرم (ص) بود چرا که علی‌رغم وجود صدها هزار عالم و مدرس فرقه‌های مختلف اسلامی چنین حرکتی از سوی هیچکدام از آنان صادر نگردید، از اهم وجوه تقریب مذاهب در حرکت مذکور تنبه جهان اسلام به حفظ حرمت و قداست محبوبترین پیامبر وحی، درد مشترک جهان اسلام به خاطر اسائه ادب به ساحت مقدس نبی گرامی و رفع هرگونه ابهام و رسوبات تفرقه‌انگیز گذشته در مورد شیعیان ایران و جهان بوده چرا که عوامل تفرقه‌افکن طی صدها سال این چنین تبلیغ می‌کردند که لابد پیامبر اکرم (ص) از نظر شیعیان والاترین مقام مذهبی نیست و شأن آنکه ولو به ظاهر در رأس است اما عملاً بعد از علی «ع» است.

#### ۵- اعلام حج تمتع بعنوان بزرگترین مجمع دینی سیاسی مسلمین جهان

امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حج را بزرگترین اجتماع سالانه الهی سیاسی مسلمین جهان اعلام کردند. امام خمینی (ره) با توجه به این اجتماع عظیم رهبران و تمام مؤمنین جهان را به وحدت، پرهیز از اختلاف و تفرقه، معرفی دشمنان واقعی مسلمین جهان و بهره‌برداری سیاسی از کنگره مذکور برای حفظ منافع مسلمین جهان و... دعوت می‌کرد. امام حج تمتع را فرصت مغتنمی برای التزام عملی به وحدت و یکسوئی و اخوت بین مسلمین در مقدسترین بن اماکن و عالیترین مراسم مذهبی ارزیابی می‌کردند و بر آن بودند تا مسلمین وحدت را مبنائی برای شعور و بیداری جمعی و اتحاد علیه دشمنان منافع مسلمین قرار دهند. نخستین پیام حج امام در نخستین سال پیروزی انقلاب اسلامی (۵۸/۸/۳۰) به چنین مطالبی اشاره دارد. گوشه‌هایی از پیام مذکور را مرور می‌کنیم. «از این قدرتهای تهی از ایمان (آمریکا و قدرتهای غربی) نهراسید و با

اتکال به خدای بزرگ در این مواقف عظیمه پیمان اتحاد و اتفاق در مقابل جنود شرک و شیطنت ببندید و از تفرق و تنازع بپرهیزید «ولاننازعوا فتفشلوا وتذهب ريحكم، رنگ و بوی ایمان و اسلام که اساس پیروزی و قدرت است با تنازع و دسته‌بندیهای موافق با هواهای نفسانیه و مخالف با دستور حق زدوده می‌شود و اجتماع در حق و توحید کلمه و کلمه توحید که سرچشمه عظمت امت اسلامی است، به پیروزی می‌رسد. ای مسلمانان جهان! شما را چه شده که در صدر اسلام با عده بسیار کم قدرتهای عظیم را شکستید و امت بزرگ اسلامی - انسانی ایجاد نمودید، اکنون با قریب یک میلیارد جمعیت و دارا بودن مخازن بزرگ که بالاترین حربه است در مقابل دشمن اینچنین ضعیف و زبون شدید...»<sup>(۱)</sup>

### ۶- برپائی هفته وحدت

میلاد مسعود رسول گرامی اسلام حسب روایات اهل سنت ۱۲ ربیع‌الاول و طبق روایات علماء شیعه ۱۷ ربیع‌الاول است. حضرت امام خمینی (ره) این چند روز اختلاف را بهانه‌ای برای کمک به امر وحدت قرار داد و دستور برپائی هفته وحدت را طی این ایام صادر کرد. در این هفته که طی آن جشنها، سمینارها و کنفرانس جهانی وحدت برپا می‌شود، در جمهوری اسلامی ایران بصورت یک سنت حسنه و مقبول درآمده است. در این کنفرانس که علماء برجسته و طراز اول فرق اسلامی جهان شرکت می‌کنند مطالبی چون مسائل مشترک جهان اسلام، دفاع از ارزشهای اسلامی، طرق تحقق وحدت و امثالهم مطرح و مورد بررسی قرار می‌گیرد امام خمینی همواره می‌کوشیدند که در خلال این کنفرانس‌ها امر وحدت به تدریج تعمیق و تحقق شود. «امیدواریم که خداوند تبارک و تعالی

(۱) صفحه ۲۲۱ صحیفه نور، جلد ۱۰.



به ملت ایران سلامت بدهد و هفته وحدت را واقعا هفته وحدت درست کنند نه اینکه فقط ما هفته وحدت بگیریم، ما محتاج به وحدت هستیم در سالیان دراز و همیشه»<sup>(۱)</sup>

### ۷- تأسیس مجمع تقریب بین المذاهب

این مجمع که در سال ۱۳۶۹ (برابر با سال ۱۴۱۱ هجری قمری) و به دستور مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأسیس شد یکی دیگر از مساعی پیگیر جمهوری اسلامی ایران برای تحقق امر وحدت در سراسر دنیای اسلام است این مجمع که متشکل از یک شورایعالی ۲۴ نفره از علماء برجسته اسلامی و مجمع عمومی (که اعضاء آن توسط شورایعالی انتخاب می‌شود) و کمیته‌های علمی یا گروه‌های علمی است راههای وحدت و تقریب اسلامی را جستجو می‌کند. اهداف این مجمع عبارت است از نزدیک کردن نقطه نظرهای پیروان مذاهب اسلامی در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، مذهبی و بطور کلی کمک به همدلی و الفت بین کلیه فرق اسلامی.

### ۸- تأسیس دانشگاه مذاهب اسلامی

از آنجا که حوزه‌های علمیه فرق اسلامی از مراکز مهم فراگیری فقه‌ها متعدد اسلامی است و عدم آگاهی واقعی برخی الفئات ناصواب تاریخی زمینه‌های افتراق را در برخی از این حوزه‌ها فراهم کرده است، تأسیس دانشگاه مذکور حرکتی مهم و قابل توجه برای کمک به امر تقریب مذاهب است. با توجه به اینکه اظهارنظر سنجیده در مورد ثمرات و برکات این دانشگاه به دلیل نوپا بودن

(۱) صفحه ۲۵ صحیفه نور جلد ۱۹.

بسیار زود است اما به طور کلی میتوان گفت که چون مدرسین و طلاب فرقه‌های مختلف در یک دانشگاه به تحصیل مشغول‌اند و برای همه آنان امکان مباحثه و مذاکره مستقیم و چهره به چهره با علماء و طلاب دیگر فرق جهت تبیین مسائل و رفع ابهامات وجود دارد فضائی معنوی و صمیمی بین آنها ایجاد خواهد شد. به علاوه انتظار می‌رود که فارغ‌التحصیلان این دانشگاه پس از بازگشت به کشورهای خود، بدلیل سالها مهارت در بردباری مذهبی و آشنائی نسبتاً عمیق به منشأ مذاهب مختلف و رفع ابهامات و شبهات، منادیان وحدت در مجامع دینی، حوزه‌ها و مساجد آن دیار باشند.

### ب- صدور انقلاب اسلامی

همانگونه که اشاره شد بخش دیگری از نفوذ انقلاب اسلامی ایران در خارج معلول اعتبار، اهمیت و جاهت، انتزاع زیبا و شکوهمند معرفت‌های دینی با مردم‌سالاری و ایجاد قدرتی عظیم- که قویترین رژیم متکی به غرب را متلاشی کرد- می‌باشد. این جاذبه‌ها موجب گردید که نه تنها در دنیای اسلام بلکه در جهان خارج از قلمروی اسلام هم حسب مورد ارزشهائی از انقلاب اسلامی صادر و مسلمین جهان نسبت به یکدیگر و انقلاب اسلامی علائق مشترکی ابراز نمایند. صدور این ارزشها و تأثیرات که بطور اهم خارج از اراده مسئولین انقلاب بوده است بشرح زیر می‌باشد:

#### ۱- احیاء تفکر دینی و تجدید حیات اسلامی

انقلاب اسلامی ایران در زمانی ظهور کرد که جریانات سیاسی و مکتبهای فکری جهان به طور اهم در دو بلوک شرق و غرب متمرکز شده بود و هر دو

جریان هم با دخالت مذهب در امور سیاسی و اجتماعی مخالف بودند. پس از رنسانس، غرب به این باور رسیده بود که دین و سیاست دو مقوله متفاوت‌اند و اعتقادات دینی و کتب مقدس و الهی نباید دخالتی در امور اجتماعی مردم داشته باشند. با این تحولات مذهب به اموری شخصی و خصوصی تنزل پیدا کرده بود. در بلوک شرق نیز نه تنها معنویت رخت بر بسته بود بلکه برخورد با مذهب خصمانه‌تر بود، چرا که اصولاً دین را تخدیر جامعه و افیون ملت‌ها می‌دانستند و تخریب اماکن مذهبی و عبادی را اقدامی انقلابی. این نظریه مارکسیستی که دین افیون ملت‌هاست به حدی در جوامع سوسیالیستی جا افتاده بود که یک وجاهت علمی پیدا کرده بود و همانند مقوله‌ای قانونمند کمتر کسی جرأت پیدا می‌کرد با استدالات علمی با آن مخالفت کند. در این شرایط گرچه مؤمنین کشورهای اسلامی فرایض مذهبی خود را به طور سنتی انجام می‌دادند اما در بین بسیاری از جوانان بالاخص در دانشگاهها و محافل علمی و دانشجویی نقد دینی و مذهبی امری رایج و متداول و توجه به تشکلهای سکولاریسم، سوسیالیسم، کمونیسم و غیره نوعی روشنفکری و تجدد محسوب می‌شد. جو مذکور به گونه‌ای بود که دین و اعتقادات الهی حداقل برای کسانی که به سن تکلیف رسیده و سرگرم تحصیل در مراکز علمی بودند به طور اهم فاقد جذابیت و بالندگی بود. بطور خلاصه قدرتهای سیاسی شرق و غرب و اقمار آنها که بخش عظیمی از منافع و امکانات نظامی، اقتصادی، رسانه‌ای و فرهنگی جهان را در اختیار داشتند و در شکل‌گیری افکار عمومی جهان نقش مؤثری ایفا می‌نمودند، دین را از صحنه مردمی و سیاسی خارج کرده بودند. حسب این اوضاع و احوال بودند که برخی از نظریه‌پردازان نفوذ اسلام یا به اصطلاح آنان خطر نفوذ اسلام را خاتمه یافته تلقی می‌نمودند. در این شرایط پیروزی قاطع و شکوهمند انقلاب اسلامی

بسیاری از معادلات را برهم زد و تحولات سیاسی مذهبی دنیای اسلام نقطه عطفی محسوب گردید. این انقلاب که در عصر شکوفائی بی سابقه رسانه‌های جمعی اتفاق افتاد و میلیاردها نفر مردم جهان هر روز ناظر پیروزی مردمی متحد و یکپارچه و غیرمسلح و شکست قوی‌ترین متحد آمریکا در منطقه بسیار حساس خاورمیانه بودند در درجه اول با اهمیت و برکات مؤثر عنایت مردم ایران به ارزشها و اعتقادات الهی و احیاء تفکر دینی آشنا شدند. این امر مقدمه‌ای بر اقبال مسلمین جهان به اسلام و ارزشهای اسلامی و بطریق اولی - مذهب تشیع که خواستگاه این انقلاب بود و تقریب بیشتر شیعه و سنی گردیده و در این رابطه پروفیسور کلاوس کینتسار استاد کرسی اصول الهیات دانشگاه آدگسبورک می‌گوید: «در سالهای دهه هفتاد اصطلاح بنیادگرایی بر جریان‌هایی که احیاگر حیات اسلامی نامیده می‌شدند اطلاق شد در این رابطه بیش از همه افکار عمومی معطوف به ایران تحت رهبری امام خمینی (ره) می‌شود که این نهضت پس از آن بسیاری از کشورهای اسلامی را در نوردید. این رنسانس اسلامی در نهایت برای همگان و بیش از همه برای جهان غرب شگفت‌انگیز و غافلگیرانه بود زیرا در غرب تا آن زمان تصور می‌شد که در نتیجه تجاوزات واقعا بیرحمانه قدرتهای استعماری و امپریالیستی به کشورهای اسلامی و عربی در سده ۱۹ میلادی، آئین اسلام دستخوش لیبرالیسم و تعصب شده است.»<sup>(۱)</sup>

## ۲- اعاده نسبی اعتبار و وجاهت مسلمین

بدنبال فجایع و مصائب بیشمار که طی ۲-۳ قرن اخیر بر جهان اسلام تحمیل شد پیروزی انقلاب اسلامی ایران برای مسلمین جهان نوعی اعاده اعتبار

(۱) صفحه ۱۱ کتاب بنیادگرایی دینی تألیف دکتر کلاوس کینسلر.

و جاهت محسوب می‌شود. به طور اهم جهان اسلام که طی چند قرن متوالی پس از ظهور اسلام و پس از آن در قرون شانزدهم تا هجدهم میلادی از قدرتهای برتر جهان، تولیدکننده اندیشه و ایدئولوژی و علم و فن‌آوری بود از اواخر قرن ۱۸ به بعد دچار مسائلی چون هجوم قدرتهای غربی، استعمار و تجزیه گردید و بسیاری از مسلمانان جهان از جایگاه رفیع خود، شهروندانی درجه ۲ تبدیل شدند. اهم این مسائل عبارتند از سقوط و تجزیه امپراطوریهای صفویه، عثمانی و گورکانی به ترتیب در ایران و ترکیه و شبه قاره، ایجاد رژیم صهیونیستی در قلب دنیای اسلام و خاورمیانه، غصب فلسطین ایجاد کانونهای بحران و اختلاف در نقاطی چون کشمیر و افغانستان و بحرین و جزائر سه‌گانه ایرانی و مسأله مسجد بامری. در چنین اوضاع و احوالی پیروزی انقلاب اسلامی نقطه عطفی در اعاده اعتبار و عزت مسلمین بشمار می‌آید. در این راستا امام بارها به مجد و عظمت پیشین اسلام اشاره می‌فرمود تا روحیه مسلمین را ارتقاء بخشد...

اروپائی‌ها و دانشمندان اروپا با هم قائل به این مطلب‌اند که تمدن اسلام مقدم بر سایر تمدنهاست. مدتها باید زحمت بکشیم و باور کنیم که خودمان دارای یک فرهنگ بزرگ انسانی با ارزشهای اسلامی هستیم.<sup>(۱)</sup> و در جایی دیگر امام اسلام را منشأ فرهنگ جهانی می‌دانند «... فرهنگ ما طوری بوده است که فرهنگ ما صادر شده است به خارج که آنها گرفتند از ما. کتبی که در ایران باور ممالک این شرق اوسط که ما هستیم در آن. فرهنگ مسلمین غنی‌ترین فرهنگها بوده و هست»<sup>(۲)</sup> امام در موضعگیری دیگری علت العلل این مصائب و فجایع را توطئه قدرتهای استعماری اعلام کرد که با حربه تفرقه به قصد تملک ذخائر و منابع

(۱) صفحه ۱۶۲ صحیفه نور.

(۲) صفحه ۲۱۹ جلد ۶ صحیفه نور.

دنیای اسلام کردند. «مسلمین آنها بودند که مجد آنها دنیا را گرفته بود، تمدن آنها فوق تمدن ها بود، معنویات آنها بالاترین معنویات بود، رجال آنها برجسته ترین رجال بود، توسعه مملکتشان از همه ممالک بیشتر بود، سیطره حکومتشان بر دنیا غالب بود. دیدند که با این سیطره با این وحدت دول اسلامی نمی شود تحمیل کرد چیزهایی را که آنها می خواهند، نمی شود ذخائر اینها را، طلای سیاه اینها را، طلای زرد اینها را نمی شود اینها را قبضه کرد. در صدد چاره برآمدند، چاره این بود که بین ممالک تفرقه بیندازند...»<sup>(۱)</sup>

### ۳- عدم جدایی دین از سیاست

از زمان شروع استعمار، یکی از تبلیغات مستمر و گسترده غرب در کشورهای اسلامی لزوم جدایی دین از سیاست است. غرب همواره کوشیده است تا با ادامه این سیاست در درجه اول سکولاریسم مورد استقبال روشنفکران قرار گیرد و قدم بعدی بین طرفداران جدایی دینی از سیاست و مخالفین آن در جوامع اسلامی شکاف ایجاد کند و سپس با تضعیف تفکر دینی زمینه های حضور خود را در کشورهای اسلامی استمرار بخشید. غرب می داند که حسب کلام الهی مسلمین هیچ مودت و دوستی صادقانه ای با یهود و نصاری ندارند و علاوه بر آن در فرهنگ اسلامی مطالبی چون مبارزه با کفار و مشرکین، جهاد، نجس بودن کفار و امثالهم وجود دارد که قدرتهای متجاوز به خوبی می دانند که در مصادیق بارز آنها هستند، در حالی که از جوامع سکولار و لیبرال چنین دغدغه هایی برای غرب وجود ندارد، یکی دیگر از مبارزات مهم امام خمینی (ره) علیه تفکر وارداتی جدایی دین از سیاست بود. امام دین را عین سیاست و سیاست را عین دیانت

(۱) صفحه ۸۷ جلد اول صحیفه نور.

می‌دانست. پروفیسور آندریامایر اسلام‌شناس و متخصص الهیات مسیحی در این باره می‌گوید: «با استقرار جمهوری اسلامی ایران که نتیجه انقلاب اسلامی است مأموریت سیاسی اسلام به نحوی نهادینه شد که تاکنون بی‌نظیر بوده است. برای نخستین بار یک نظام سیاسی برخاسته از اسلامگرایی به شیوه انقلابی جایگزین یک رژیم غیردینی (سکولار) غربگرا شد. این تحول در نگاه بسیاری از مسلمانان یک پیروزی علیه تفوق‌طلبی قدرتهای استعماری بود. از این رو انقلاب اسلامی ایران برای مسلمانان سرتاسر جهان الگویی جهت تحقق کامل دولت آرمانی اسلامگرا شد.»<sup>(۱)</sup>

#### ۴- طرح اسلام بعنوان برترین مرامهای فکری جهان

امام خمینی در حالی که اسلام را در ابعاد مختلف مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، الهی و سیاسی باشیواترین الفاظ و ساده‌ترین عبارات توصیف می‌کرد در مقابل با استناد به مصادیقی گویا و آشنا برای جوامع اسلامی مطالع استعماری و ضداسلامی قدرتها را با عباراتی چون متجاوز، غارتگر، مستکبر، شیطان و بزرگ و از ناب آن توصیف و حسب سنت الهی، افول و زوال آنها را پیش‌بینی می‌کرد. از جمله این پیش‌بینی‌ها سقوط قدرت شرق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی سابق بود که امام خمینی (ره) در آخرین سال حیات خود بطور قاطعانه‌ای با ارسال نامه‌ای به گورباچف هم فروپاشی شوروی را پیش‌بینی نمود هم آن رژیم را از غلتیدن به دامن غرب برحذر نمود و هم آنها را به مکتب غنی و پربر اسلام دعوت کرد. «پیام امام خمینی (ره) به گورباچف این بود که کمونیسم از نظر معنوی و مادی شکست خورده و اکنون زمان آن رسیده است که اتحاد شوروی

(۱) صفحه ۲۹۹ کتاب مأموریت سیاسی اسلام نوشته پروفیسور آندریامایر.

نجات خود را در اسلام جست و جو کند. این در واقع یک دعوت ظریف سورنالیستی برای بازگشت به سوی خدا بود. اینجا سخن از یک پدیده جهانگیر است. (حضرت) محمد (ص) پیامبر اسلام نیز از مأموریت جهانی خویش آگاه بود. در آن زمان بعنوان شخصیتی که هنوز ناشناخته بود و صرفاً رهبری تعدادی از قبائل بدوی را بعهدہ داشت پیامهائی به ابرقدرتهای معاصر خود فرستاد.<sup>(۱)</sup>

### ۵- تأثیرات مشهود در تحولات سیاسی کشورهای جهان

از آنجا که مقوله فوق احتیاج به بررسیهای عمیق و همه‌جانبه دارد و حاصل آنها را می‌توان در دهها جلد کتاب درج نمود نگارنده در حد بضاعت مزجاء و حسب مطالعات انجام شده و اطلاعات مکتسبه، به تأثیرات انقلاب در چند کشور همسایه و منطقه اشاره می‌شود.

#### ۱-۵ هند

تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در این کشور از دو جهت قابل توجه است. یکی اتحاد و همبستگی کلیه مسلمین در قبال مسائل و مشکلات تحمیلی و دیگری تحرکات سیاسی بسیار شاداب و گسترده در بین تمام احزاب و گروه‌های اسلامی. در رابطه با کل جامعه هند می‌توان گفت که انقلاب اسلامی ایران از آغاز مورد استقبال دولت، مردم و کلیه گروه‌های سیاسی هند قرار گرفت. علت این از جذبات سیاسی انقلاب بود چرا که حرکت مذکور یک قدرت منطقه‌ای وابسته به آمریکا را از صحنه سیاسی دور می‌کرد به دلایل همدلی هند با سیاستهای منطقه‌ای شوروی سابق، اهداف سیاسی بلندمدت رهبران استقلال، عدم تعهد و مخالفت با رژیم‌های حامی منافع قدرتهای غربی در منطقه، انقلاب اسلامی ایران

(۱) از کتاب «انقلاب به نام الله» در سال ۹۰ نوشته دکتر پیتروشول.



در خور توجه بود. مسلمانان هند این پیروزی در راستای اهداف و نیات و آمال خود ارزیابی می‌کردند به همین دلایل آنها با مسلمانان شیعه ایرانی احساس همدلی، اخوت و مودت می‌کردند و خود را در پیروزی و شادمانی مردم ایران سهیم می‌دانستند. علاوه بر ارزشهای مشترک الهی و اسلامی، پیروزی انقلاب اسلامی از نظر مسلمانان هند نوعی انتقام‌گیری مسلمانان جهان از امپریالیست غرب بود، غربی که یکی از عناصر آن (انگلیس) در ۱۲۲ سال قبل (۱۸۵۷) از انقلاب اسلامی مسلمانان هند را از اریکه قدرت به زیر کشیده بود. از این رو انقلاب اسلامی برای آنان تا حدودی موجب التیام غرور شکست خورده و سرکوب شده گذشته بود. مهمترین تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در هند را بشرح زیر می‌توان شمرد:

### وحدت بین مسلمانان

از مهمترین جلوه‌های این همبستگی مبارزه مشترک کلیه مسلمین هند علیه متجاوزین به مسجد بابری و زیارتگاه حضرت بال بود. گرچه این مسجد شهیر بالاخره توسط نیروهای افراطی هند و سکوت دولت وقت تخریب شد اما مسلمانان مظلوم همه بطور یکپارچه و متحد و مستمر برای حفظ این میراث فرهنگی مذهبی مقاومت کردند و هزاران شهید و صدها میلیون دلار خسارت تحمل کردند. هنوز هم عبرت و همبستگی مسلمین است که در مقابل حمله بیرحمانه نیروهای افراطی هندو ایستادگی کرده و مانع احداث معبد رام<sup>(۱)</sup> بر فراز ویرانه‌های مسجد بابری گردیده است.

(۱) رام از الهه‌های مقدس هندوئیسم است و هندوهای افراطی بر این باورند که رام در مسجد بابری هبوط کرده و از این رو مسجد باید تبدیل به معبد رام شود.

### از بین رفتن یا تقلیل بسیار شدید درگیریهای بین شیعه و سنی

طی سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به ویژه در ماههای محرم و صفر درگیریهای خونین بین شیعه و سنی اتفاق میافتاد و در این میان گروههای افراطی هند و از این مسلمان‌کشی آن هم بدست یکدیگر لذت می‌بردند. از نمونه‌های بارز این درگیری‌ها، آشوبهای خونین سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۳ در لکهنو و درگیریهای مقارن ایام مبارزات مردم مسلمان ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی است که طی آن صدها نفر کشته و مجروح شدند. در آشوبهای دهه سی میلادی (۱۹۳۰ به بعد) نیز مجادلات و درگیریهای فیما بین بحدی اوج گرفت که علما و اهل سنت برای مقابله فکری و نظامی با تفکرات شیعه مؤسسه‌ای شبانه‌روزی و نظامی تبلیغی نام دار المبلغین تأسیس کردند. فروکش کردن این برخوردهای جاهلانه از دستاوردهای انقلاب اسلامی است.

### ارتقاء اعتماد به نفس و احیاء غرور مسلمانان هند

به دنبال شکست مسلمانان از استعمار انگلیس، تقلیل مسلمانان در هند (بدنبال استقلال پاکستان) و تهاجم مستمر هندوهای افراطی علیه آنان، بطور کلی مسلمانان این کشور حالتی انفعالی پیدا کرده بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی اعتماد به نفس مسلمانان ارتقاء یافت و علیه تهاجمات هندوهای افراطی سازمانهای دفاعی تشکیل دادند.

### شرکت فعال و گسترده در فعالیتهای سیاسی

علاوه بر تأسیس احزاب و گروه‌های سیاسی عدیده، تلاش مسلمین برای حضور در مجلس ملی و مجالس ایالتی هند قابل توجه است. با توجه به نظام

سیاسی هند، مجالس قانونگذاری این کشور بالاخص مجلس ملی کانون توجه تمام احزاب و جریانات سیاسی است و مسلمانان نیز از طریق احزاب و گروه‌های سیاسی خود پس از پیروزی انقلاب اسلامی شرکت بیشتر در مجلس ملی را مورد توجه قرار دادند. در این رابطه میانگین متوسط تعداد نمایندگان مسلمان در مجلس ملی هند طی ده دوره قانونگذاری (۱۹۸۰-۱۹۵۲) فقط ۳۱/۲ بوده است در حالیکه شمار نمایندگان مسلمان طی دوره ۱۹۸۰-۱۹۸۴ به ۴۷ نفر بالغ گردیده است یعنی ۱۶ نفر بیش از میانگین مذکور.

## ۲-۵ پاکستان

در کشور اسلامی پاکستان نیز انقلاب اسلامی ایران تأثیرات مشهود و بارزی داشته است. اهم تأثیرات مذکور را می‌توان به تقویت حرکت اسلامخواهی، مبارزه با آمریکا، رشد و توسعه احزاب اسلامی مترقی نسل جماعت اسلامی، ابراز خوشحالی گسترده جامعه اسلامی پاکستان از پیروزی انقلابی بنام اسلام و تأسیس یک نظام جمهوری اسلامی دیگر در کنار مرزهای جغرافیائی پاکستان تلخیص نمود. ذکر چند حادثه مهم در این کشور اهمیت و تأثیر انقلاب اسلامی را در پاکستان نشان می‌دهد.

حدود یکسال پس از پیروزی انقلاب اسلامی سفارت بزرگ، محصور و کاملاً تحت مراقبت آمریکا در این کشور مورد حمله گسترده مردم واقع شد و مردم آنرا برای مدتی تسخیر کردند. این حرکت که به دنبال تسخیر لانه جاسوسی در آمریکا اتفاق افتاد برای آن کشور بسیار ناگوار بود. کسانی که به مسائل سیاسی پاکستان توجه دارند به خوبی می‌دانند که این حرکت در حالی اتفاق افتاد که اولاً پاکستان همچنان نیازمند کمکهای مالی آمریکا بود، ثانیاً بسیاری از عوامل

جاسوسی آمریکا در ایران بدنبال پیروزی انقلاب اسلامی به پاکستان منتقل شدند و ثالثاً سفارت پاکستان در منطقه‌ای دیپلماتیک، دور از زندگی مردم عادی پاکستان و کاملاً تحت حفاظت واقع گردیده است.

حادثه دوم افسران بلندپایه پاکستانی متشکل از سه نیروی هوایی، زمینی و دریایی به خدمت امام پس از شرفیابی آنها به مکه معظمه بود که معظم‌له پیرامون اسلامخواهی و مبارزه با دشمنان اسلام برای آنان سخنرانی کرده بود. این واقعه نیز حدود یکسال پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ظاهراً مدت کمی پس از حمله مردم به سفارت پاکستان صورت گرفت. بسیار بدیهی است که آمریکا از چنین حرکتی بسیار ناخشنود بود این واقعه نیز مؤید عمق علاقه و توجه اکثریت قاطع مردم پاکستان به امام و انقلاب بود.

و بالاخره حادثه سوم حضور سفیر وقت سفیر پاکستان در زمان دولت بختیار به وزارت خارجه زمان شاه در تهران و برسمیت شناختن انقلاب اسلامی است که این حرکت با واکنش شدید و منفی مقام وقت ایرانی مواجه شده بود.

### ۳-۵- افغانستان

تأثیرات انقلاب اسلامی در این کشور نیز به حدی است که احتیاج به تحقیقات و مطالعات مستقل دارد اما معروفترین و بارزترین تأثیر آن اتحاد و یکپارچگی کلیه گروه‌های مذهبی و سیاسی مبارز علیه ارتش روسیه شوروی سابق بود که با اعجاب و شگفت کل جهان مواجه شد. علی‌رغم جنگ تحمیلی و مصائب بی‌شمار دیگر علیه جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) و مسئولین انقلاب هیچگاه از حمایت‌های سیاسی، انسانی و اسلامی خود به مردم افغانستان دریغ نکردند. مجاهدین افغان آموخته بودند که چگونه مردمی متحد و

یکپارچه با شعار و شعور اسلامی حتی با دست خالی بزرگترین قدرت منطقه‌ای متکی به غرب را شکست دادند. آنها هم بقول امام ما آموختن این رمز بزرگ موفقیت یعنی اتحاد، به مبارزات خود ادامه دادند و ارتش اشغالگر را بیرون راندند.

#### ۴-۵ لبنان و فلسطین

نقش برجسته و ممتاز حزب‌الله در جنوب لبنان به خاطر مقاومت مسلحانه علیه اشغالگران صهیونیسم در جنوب لبنان بر همگان روشن است. این مقاومت‌ها که با وحدت کلمه نیروهای شیعه و حمایت‌های مردم لبنان و پشتیبانی سیاسی جمهوری اسلامی ایران همراه بود و منجر به پیروزی درخشان این حزب در بیرون راندن صهیونیست‌های غاصب از جنوب لبنان شد نمونه بارز الهام‌گیری از انقلاب اسلامی ایران است. علاوه بر آن مخالفت مستمر و ملهم از فرهنگ قرآنی جمهوری اسلامی ایران با جریان خفت‌بار سازش، انزوای تدریجی این جریان، انتفاضه اول، انتفاضه در حال استمرار فعلی، انزوای نسبی جریانات غیراسلامی، اوجگیری مقاومت‌های گسترده مردمی اعم از مرد و زن و جوان و پیر و کودک، بهره‌برداری گسترده از فرهنگ اسلامی و قرآنی و شعارهای مذهبی از دیگر نمونه‌های بارز صدور انقلاب اسلامی است.

انتفاضه دوم فلسطین متأثر از پیروزی حزب‌الله است و منشأ آن بازدید یک صهیونیست تروریست معروف بنام آرین شارول از بیت‌المقدس که در فرهنگ اسلامی نفس حضور چنین عنصری اسانه ادب به این مکان عبادی است و هر دو حرکت مذکور متأثر از انقلاب اسلامی است که خمیرمایه آن اتحاد و همبستگی اسلامی علیه متجاوزین است.

همانگونه که قبلاً اشاره شد انقلاب اسلامی ایران بالاخص با توجه به پیامهای وحدت بخش و بیدارکننده‌اش در بین اکثریت کشورهای اسلامی و غیراسلامی جذبه و تأثیر داشته است. برای حسن ختام به یکی دیگر از اعترافات مستشرقین غربی در این مورد اشاره می‌شود: «رهبران انقلاب اسلامی در ایران علی‌رغم اینکه شیعه هستند و شیعیان صرفاً ۱۵ درصد جمعیت جهانی مسلمانان را تشکیل می‌دهند، هیچگاه جای تردید باقی نگذاشته‌اند که انقلاب آنان نه یک انقلاب شیعی و نه یک انقلاب ایرانی است، بلکه یک انقلاب وحدت‌بخش امت اسلامی (پان‌اسلامیستی) می‌باشد.»<sup>(۱)</sup>

### فهرست منابع

- ۱- صحیفه‌های نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی «ره»)
- ۲- پیام وحدت (مصاحبه‌های دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب)
- ۳- مجله اسلام و غرب شماره ۳۰
- ۴- بنیادگرایی دینی تألیف کلاوس کلینسلر
- ۵- علل ریشه‌ای درگیریهای مسلمانان و هندوها تألیف نگارنده (محمدتقی جمشید بروجردی)
- ۶- مأموریت سیاسی اسلام تألیف پروسور آندریامایر
- ۷- انقلاب به نام الله نوشته دکتر پیتروشول

(۱) صفحه ۱۱ مجله اسلام و غرب، شماره ۳۰، به نقل از اظهارات پروسور لودویک هاگه من استاد کرسی الهیات عملی دانشگاه ورتسمبورگ آلمان.

# علامہ شلتوت مفسری واقع گرا

(ترجمہ مقدمہ تفسیر القرآن الکریم اثر شیخ محمود شلتوت)

مترجم: سید محمد ثقفی





## بسم الله الرحمن الرحيم

شاید، مسلمانان، از همان دوره آغازین اسلام، از آنجا که ضرورت «تفهم» قرآن را ضرورت دینی می‌دانستند و سعی در فهم و ادراک کتاب خدا، برآمدند و تلاش داشتند که آنرا بفهمند و از مفاهیم و اهداف و عنایات آیات الهی سر، در بیاورند!

از طرف دیگر، تبیین و تفسیر آیات، یکی از وظایف اصلی پیامبر بود که کتاب منزل را بر مؤمنان تفسیر نماید و غوامض و اسرار آیات را بر آنان بگشاید! اینکه پیامبر در حق ابن عباس دعا فرمود که: اللهم فقهه فی الدین و علمه التاویل» خدایا نعمت فهمیدن دین و تفسیر قرآن را بر او «ابن عباس، ارزانی فرما» نشان از حرص و ولع مسلمانان به ویژه خبرگانی بمانند ابن عباس، برای فهمیدن قرآن می‌باشد.

شاید علم تفسیر همزمان با قرائت قرآن بوجود آمده است. سیوطی، از ابو عبدالرحمن سلمی، نقل می‌کند: عبدالله بن مسعود (صحابی معروف) و عثمان بن عفان می‌گویند: وقتی چند آید (۱۰آیه) از پیامبر یاد می‌گرفتیم، بر آن بودیم که آنها را همراه «علم و عمل» یاد بگیریم. فتعلمنا القرآن، العلم والعمل جميعا و لهذا

كانوا يبقون فده في حفظ القرآن.<sup>(۱)</sup>

ما، قرآن را توأم با علم و عمل یاد می‌گرفتیم، لذا مدتی در حفظ قرآن درنگ می‌کردیم. ولی دیری نگذشت که انواع تفسیرها در مورد قرآن کریم در تمدن اسلامی پدید آمد و هر کسی کتاب خدا را از منظر خود، مطالعه می‌کرد و از دریچه معلومات خود می‌دید. و لذا تفاسیر مختلفی در زمینه‌های گوناگون ظهور یافت.

محدثان آنرا از طریق «روایت» تفسیر می‌کردند و فیلسوفان بعد عقلانی قرآن را مورد توجه قرار دادند و در مقابل، اصحاب تصوف معانی عرفانی و لطایف ظریف را از آیات قرآنی در آوردند.

بالاخره، هر کسی قرآن را از دریچه معلومات خود، تفسیر می‌کرد و هیچکس آنرا از خود «قرآن» نمی‌پرسید. در این میان، عده‌ای از مفسران واقع‌گرا بودند که «قرآن» را تنها از منظر «قرآن» نگاه می‌کردند و کتاب خدا که تبیان همه‌چیز را دارد، آئینه خود «قرآن» ساختند و به تفسیر آن پرداختند.

شاید، اولین مفسری که این روش را دنبال کرد امام علی بن ابیطالب (ع) بود که در وصف قرآن فرمود: «ینطق بعضه بعضا، ویشهد بعضه علی بعض» بعضی از قرآن برخی دیگر را به حرف می‌آورد و قسمتی، بخش دیگر را شاهد می‌شود.

و این راهی بود که مفسران واقع‌گرا آنرا پیمودند و چنین روشی را در تفسیر قرآن نهادینه کردند. از مفسران پیشین «طبرسی» مؤلف مجمع‌البیان و از متساخران

(۱) جلال‌الدین سیوطی - الاتقان - ج ۴ صفحه ۱۷۵ - طبع مصر.

«علامه طباطبائی» مؤلف المیزان از مفسرانی هستند که این راه را پیموده‌اند. اما در میان عالمان اهل سنت، مفسر عالیقدر، شخصیت اصلاحی قرن حاضر، مرحوم علامه شیخ محمود شلتوت، مفتی دیار مصر، دانشمندی واقع گرا و مفسر بیطرفی است که این راه را پیموده و قرآن را از منظر «قرآن» تفسیر کرده است. او در رادیوی قاهره، در دوران زعامت خود بر دانشگاه الازهر، شبهای جمعه، تفسیر می‌گفت و شنوندگان خود را به «هدایت صحیفه نور» راهنمایی می‌کرد. مجموعه سخنرانی‌های تفسیری او در ۱۰ جزء در مجله‌ای زیر عنوان «تفسیرالقرآن الکریم» چاپ شده است - استاد در مقدمه تفسیرش، روشی را ارائه می‌دهد که نویسنده ترجمه آنرا برای «کنگره تکریم علامه شیخ محمود شلتوت» که از «مجمع التقریب بین المذاهب الاسلامیه» برپا شده است تقدیم می‌دارد. باشد که برگه تقدیری از خدمات این «شخصیت اصلاح‌گر» باشد.

مترجم

### عنایت مسلمین به فهم قرآن

از آغاز فجر اسلام و گسترش نور الهی در پهنه جهان، قرآن کریم، این منبع فیض الهی، مسلمانان تلاش داشتند که آنرا بفهمند و به مضامین و معانی آن پی ببرند. این فهم در همه جوانب قرآن شمول داشت و هر آنچه در رابطه با قرآن بود، از تفسیر لغت و واژه‌ها، درک معانی و فهم مصادیق را در بر می‌گرفت و مسلمانان با همه وجود خود قرآن را حفظ می‌کردند و تلاش در فهم آن داشتند آثار و نتایج پرفیض این گرایش، در زندگی انسانها بخصوص مسلمانان، به ظهور رسید و در همه زمینه عقلانیت و علم و اندیشه، ثمرات شیرینی به بار آمد. علم و اندیشه، عقل و تفکر، دین و ایمان، هنر و فن، قانون و حقوق، فلسفه و اخلاق، سیاست و مدیریت اقتصاد و علم ثروت، از نتایج و ثمرات مثبت این فهم بود که نصیب جامعه مسلمین در طول زمان و عمر تمدن اسلامی شده است.

امروزه کتابخانه‌های اسلامی بلکه کتابخانه‌های جهان از این ذخائر علمی، منابع فکری بهره‌مند است و نه فقط تفسیر قرآن به زبان عربی، بلکه در همه زبانهای دنیا در مجامع فرهنگی تحسین شده است آنجا که اندیشمندان جهان در برابر عظمت قرآن و ذخائر فکری آن سر تسلیم فرود آورند خاضعانه به فهم معانی عمیق آن، عنایت می‌ورزند.

ژول لایوم مؤلف «تفصیل الایات القرآن الحکیم» و ایزوتسو مؤلف ژاپنی «خدا و انسان در قرآن» از نمونه‌های بازر این قبیل دانشمندان است. برای اینکه بتوانیم عمق عنایت مسلمانان را در همه عصرها و زمانها و در

پهنه تمدنها و فرهنگها به وسیله عالمان مسلمان، بفهمیم، جا دارد که به تاریخ اندیشه مسلمین، اشارتی نمائیم و جایگاه تفسیر قرآن را در فرهنگ اسلامی تعیین کنیم.

### علوم گوناگون در خدمت قرآن

هر دانشی که مسلمانان در طول حیات علمی خود، بدان دست یازیده‌اند، انگیزه‌ای برای خدمت به فهم قرآن کریم، داشته است. مثلاً ابداع علم نحو در تحکیم زبان و تصحیح خطای لغوی، در رابطه درست‌خوانی قرآن کریم به وجود آمد. علوم بلاغت که از ممیزات زبان عربی و از جمله زیباییهای آن است به جهت فهم اعجاز قرآن و کشف اسرار ادبی، تتبع مفردات، پیدا کردن شواهد و ضوابط الفاظ، تحدید معانی آنها و صیانت الفاظ قرآن از عوامل تحریف ایجاد شد. علم تجوید و قرائتها برای ضبط ادای حروف و حفظ لهجه‌ها و تصحیح اصوات بود و علم تفسیر، برای فهم معانی، کشف غوامض و درک لطایف عمیق است.

و علم فقه و تشریح، برای استنباط احکام و تبیین اصول قواعد شریعت و روش استنتاج احکام از منابع آنها، ایجاد شد. و علم کلام برای تبیین و توضیح عقاید و روش استدلال آنها و همچنین تاریخ و تحریر تاریخ انبیاء و داستانهای قرآن، انگیزه‌ای از قرآن می‌گرفت و نگارش علم جغرافیای تاریخ و تقویم البلدان از انگیزه سیرو مهاجرت در اکناف زمین، الهام داشت و بالاخره تدوین علوم

تکوین و طبیعت در عصرهای متاخر، از انگیزه کشف اعجازی علمی قرآن در عرصه کائنات، حکایت می‌کرد که «الم تر ان الله یرجی سبحا ثم یؤلف بینہ ثم یجعلہ و کماہا فتری الودق یخرج من خلاله از جمله آیاتی بود که محرک مطالعه کائنات و اکتشاف اسرار فضا- علم فضا شناسی داشت.

و همینطور، از مطالعه آیات قرآنی در زمینه‌های فلکیات و نجوم و حیوان و نبات به ترتیب علمی در حیوان‌شناسی و نجوم و طب و علم گیاه‌شناسی، بوجود آمد که دانشمندان مسلمان بخصوص در قرنهای سوم و چهارم و پنجم هجری، فرآورده‌های علمی زیادی در این زمینه فراهم آورده‌اند.

همه این تحقیقها بدان جهت بود که دانشمندان به اعجاز قرآنی راه یابند و بلاغت وحی را ادراک نمایند و سرانجام خدمتی به کتاب هدایت الهی بنمایند. حتی شعر و قافیه‌سازی نیز برای ارتقای ذوق ادبی و تربیت ملکات شعری بوجود آمد که در سایه آن جمال ادبی قرآنی بهتر فهمیده شود و موسیقی قرآن را در ریتم‌های الحان آیات آن، گوش مسلمین را نوازش دهد و علم عروض و قانونمندی شعر برای آن بود که خلیل بن احمد اثبات کند که گفته‌های مرثکان قریش درباره قرآن محمد گزافی بیش نیست و آیات وحی الهی نه از قبیل بافته‌های شعری است و قطعا محمد، شاعر نبوده و هرگز شعر آموخته نشده است که شعر در شأن پیامبران و پیامبری نیست. «و ما علمناه الشعر و ما ینبئ له».

### اختلاف تفاسیر در پرتو فرهنگ مفسران

به جهت انگیزه‌های مختلف مسلمانان در فهم و تفسیر قرآن، می‌بینیم که در فرهنگ مسلمانان، قرآن، تفسیرهای مختلفی به خود گرفت و به رنگهای مختلفی درآمد. یکی، قرآن را از منظر قواعد نحو تفسیر می‌کرد که انگار هیچ معنایی برجسته‌تر از آن، در قرآن وجود ندارد. دیگری علم بلاغت را مدنظر داشت و سومی فقه را دنبال می‌کرد و همینطور ...

دلیل عمده توجه و عنایت مسلمین به فهم قرآن بیشتر از این جهت است که شاید کسانی موفق به شرح و تفسیر علمی قرآن نشده‌اند و آنرا از طریق دیگر مورد توجه قرار داده و به آن پرداخته‌اند و آن خدمت به قرآن به وسیله هنر و زیبانویسی بوده است. مثلا کسان بسیاری که از خط زیبا برخوردار بوده‌اند، قرآن را با خط زیبا نوشته‌اند و آنرا تذهیب کرده و یا تجلید نموده‌اند و بالاخره کسانی که به هیچیک از این خدمات موفق نبوده‌اند ثروت خود را بر نشر قرآن وقف ساخته‌اند. همه روزه تقریبا همه مساجد مسلمین، شاهد نوعی خدمت قرآنی بوده و مسلمانان در عنایت خود به قرآن لذت برده و ثواب خداوند را امید داشته‌اند.

از همه مهمتر وجود قاریان خوش‌الحان مسلمین که آیات کتاب الهی را هر صبح و شام، عادی و یا از طریق رادیوها، با صدای زیبای خود قرائت می‌کنند و به راستی هنرمندان ماهری هستند که موسیقی قرآنی را رونق می‌بخشند.

از این جهت اگر ادعا نمایم که هیچ کتاب (آسمانی یا زمینی) در میان ملت‌های بمانند قرآن پیروز نشده است سخن گزافی نگفته‌ام. شاید این پیروزی و توفیق

بی نظیر قرآن، زاویه‌ای از عنایت خداوند است که وعده حفظ و جاودان‌سازی آنرا داده است که: «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون»

به نظر ما، حفظ و جاودانگی قرآن تنها به بقای الفاظ و کلمات و خطوط قرآن نیست بلکه خلود و جاودانگی آن به جهت عظمت و گستردگی مفاهیم آن در میان بشر و هزاران هزار انسانهایی باشد که به آن توجه دارند و ادراک و فهم آن سبب بزرگترین حرکت فکری - اجتماعی بوده که بشریت از آن سراغ دارد.

شاید از توفیقات الهی که شامل حال ما شده است، این است که هنوز در عصر ما این کاروان اندیشه هنوز ادامه دارد و به راه خود ادامه می‌دهد و این نشاط روحی (فهم قرآن کریم) بر جامعه اسلامی حکومت دارد و از نسلی به نسل دیگر و از پدران به فرزندان الی ماشاءالله، انتقال می‌یابد تا آنکه خداوند وارث زمین باشد «حتی یرث الله الارض و من علیها و هو خیر الوارثین»

جهان اسلام و مسلمانان با اینکه در کشورهای مختلف زندگی می‌کنند و دارای حکومت‌های متعددی هستند و یا اینکه در برابر دولتهای غربی ضعیف و ناتوانند و علی‌رغم اینکه از نظر علمی به پای آنها نمی‌رسند، و با اینکه دارای فرهنگ‌های مختلف مادی، ادبی، اجتماعی، حقوقی و اقتصادی هستند، هنوز هم به قرآن تمسک می‌جویند و به قداست آن باور دارند و برای خدمت به قرآن با همدیگر همکاری و همیاری می‌کنند.

انشاءالله امروز خواهد آمد که مسلمانان، حکومت قرآن را شاهد باشند که قانون، قانون قرآن باشد، اخلاق، اخلاق قرآن باشد، هدایت، هدایت قرآن باشد.



ما، چنین امید داریم که این روز نزدیک است.<sup>(۱)</sup>

### تنزیه «تفسیر» از روشهای انحرافی

با این عنایت و توجه گسترده‌ای که مسلمین به قرآن داشته‌اند و در این راه، تلاشهای خستگی‌ناپذیری را متحمل شده و از مطلع و سرچشمه وحی، به علوم و فنون زیادی، دست یافته‌اند، با وجود این از یک نکته اساسی غفلت ورزیده‌اند! مسلمانان، شایسته بود که قرآن و تفسیر آنرا از دو روش انحرافی محفوظ می‌داشتند و اصلالت و جلالت و قداست آنرا محترم می‌شمردند این دو روش انحرافی: یکی، استخدام آیات قرآن در تأیید یکی از فرق و مذاهب و اختلافات مذهبی.<sup>(۲)</sup>

و دیگری: استنباط تئوریهای جدید از آیات قرآنی است. در این موضع منی نمی‌خواهم نظر خود را با صراحت، در این دو زمینه، ابراز دارم و اندیشه و فکر و تعقل مسلمانان را در انحراف این دو روش یادشده، به یاری می‌طلبم.

(۱) البته پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس حکومت اسلامی در ایران، تقریباً این پیش‌بینی علامه شلتوت را تحقق بخشید و یک دولت اسلامی و حکومت قرآنی بوجود آمد و ما، حالا در آغاز کاریم و هنوز فاصله زیادی با جامعه حقیقی اسلامی داریم و سیطره اخلاق و فرهنگ اسلامی هنوز بطور کامل جا نیافتاده است. ولی یکی از شرایط بزرگ این جامعه که حکومت اسلامی باشد، تحقق یافته است. مترجم.

(۲) لابد مقصود ایشان این است: که آیات را برخلاف ظاهر برای تأیید بعضی از فرق استخدام می‌کنند والا طبیعی است هر صاحب رایی به قرآن استناد می‌نماید. ناشر

### تفسیر قرآن مطابق مذاهب اسلامی

متأسفانه آنجا که در جهان اسلام، بدعت فرقه‌های دینی، تشاجر مذهبی و کینه قومی و طائفه‌گری آغاز شد و ارباب مذاهب و حاملان لوائی فرقه‌های مختلف در راه تعصبهای مذهبی و سیاسی، با همدیگر به نزاع برخاستند، هر کدام در تأیید مذهب خود، دست به سوی قرآن بردند و ناباورانه ذهنها و اندیشه‌ها را به سوی آیاتی که مطابق مذهب خود تفسیر می‌کردند، متوجه ساختند. انگار که قرآن تنها برای تأیید همین مذهب، نازل شده است، از این جهت اختلاف تفسیری و تعدد مسالک در فهم و تفسیر قرآن پدید آمد.

در این میان، پدیده خطرناک و زیانباری نیز به ظهور آمد و آن تفسیر قرآن به وسیله روایاتی بیگانه و اسرائیلیاتی که راویان تفسیر از اهل کتاب (یهودیان مسلمان شده) و امثال عبدالله بن سلام و کعب الاحبار و وهب بن منبه) دریافت می‌کردند و یا جعلیات دینی قرآن را آن هم بیشتر در داستانهای انبیاء تفسیر می‌نمودند و مجملات قرآن را با تفصیل داستانهای اسرائیلی توضیح می‌دادند که قرآن مثلاً چنان نظری دارد یا چنین عقیده‌ای را تأیید می‌کند.

از این رهگذر بود که حکمات و تاویلات متکلمان و فیلسوفان، به ویژه غالبان اهل تصوف که هر کدام به نوعی مذهب خود را ترویج می‌کردند، به وجود آمد. و تلاش داشتند که قرآن را در تأیید مذهب خود، استخدام نمایند. از این جهت امروزه می‌بینیم که مثلاً آیات قرآنی، بر تأیید فلان مذهبی تفسیر شده و از روند صحیح و غرض طبیعی خود خارج گردیده است. به این ترتیب، قرآن

به جای اینکه متبوع باشد، تابع گردید و به جای اینکه حاکم گردد، خود نیز به پیروی (مذهبی) محکوم شده است.

این حادثه، تقریباً انقلاب یا طوفانی بود غلیظ، طوفانی پرتلاطم و ویرانگر، که بر محور قرآن غبار ضخیمی به وجود آورد که همه عقول و ذهنها را از نور ارشاد و هدایت آن باز داشت و اندیشه‌ها را از فهم حقیقی آیات مانع گردید. بدبختانه آزادی از سنتهای غلط این طوفان (استفاده از جعلیات اسرائیلی) در دوره «تدوین حدیث» پدید آمد و بسیاری از احادیث جعلی و باطل اسرائیلی به متون حدیثی و کتابهای سنت راه یافت و در طول زمان، نوعی لباس قداست به خود پوشید و مقدس گردید، آنچنان که مسلمانان در برابر آنها سرتسلیم فرود آوردند و در دوران ضعف فکری و انحطاط سیاسی به صورت «قضایای مسلم» و عقاید موروثی حتمی درآمدند که کسی توان تشکیک دربار آنها، و تعدی به حریم قداست آنها را نداشته است. این میراث فرهنگی انحرافی، قیدها و زنجیرهائی به عقول و اندیشه‌های مسلمانان زد و جنایت هولناکی بر اندیشه اسلامی مرتکب شد که به محور قرآن و استفاده از هدایت آن، پدید آمد. مسلمانان بر تقلید این کتابها و پیروی از تجزم و دگم آنها عادت کردند و آنچه در این کتابها (از جعلیات و موضوعات آمده بود) عقیده خود ساختند بی‌آنکه میان حق و باطل تمییز دهند و درست را از نادرست زیانبار را از مفید و سودمند، تشخیص دهند. و چنین باور کردند که هیچ مسلمان و مؤمنی حق ندارد که یکی از آنها را انکار نماید و به حریم به حریم قداست آن غبار تردید آورد، و گفتند: دین و عقیده، چیزی است که متقدمان بر آن اعتقاد داشته و آنرا در کتابهای خود،

تدوین کرده‌اند و کتاب خدا را آنگونه تفسیر کرده و آنرا پذیرفته‌اند. ما حق نداریم، (جائی که اعلم‌تر از آنها به امور دین و باهوشتر در فهم کتاب خدا و روشهای استخراج احکام نیستیم) از آنها جلو بیافتیم و باندازه موی باریکی از معتقدات مقبولات خود، دست برداریم و کم و زیاد دربارہ آنها مخالفت ورزیده و تردید کنیم به این ترتیب اندیشه خود را به دیگران (متقدمان) تسلیم کردند و بر خود و اندیشه اسلامی و تفکر بشری جنایت ورزیدند که خود را از لذت فهمیدن و اندیشیدن محروم ساختند و بر دین خود (اسلام) نیز جنایت کردند که چنین اوهام و اباطیلی را باور کردند و آنها را جزئی از دین به حساب آوردند. و از اندیشیدن و فهمیدن قرآن کریم، عقب نشستند و ذهنهای خود را با چنین اوهامی در زمینه تشریح و عقیده و حرام و حلال، پر ساختند و چنین باور کردند، حلال آن است که فلانی (یکی از ائمه مذاهب) در کتاب خود حلال دانسته است و یا فلانی آنرا حرام شمرده است بدبختانه کار به آنجا کشید که بعضی از صاحبان قلم، چنین نوشتند که: «این عقیده در قرآن ثابت است. زیرا فلانی و فلانی بعضی آیات قرآن را چنین تفسیر کرده‌اند و عقیده کذائی را تثبیت نموده‌اند.»

### تفسیر قرآن بر وفق تنوریهای جدید

اما زاویه انحرافی دوم، به این طور است که عده‌ای از گروههای فرهنگی عصر جدید، که با بخشی و قسمتی از علوم عصری آشنائی دارند، و گهگاه با التقاط بخشهایی از تنوریهای علمی و فلسفی بهداشتی و غیرذلک، می‌خواهند

فرهنگ جدید خود را با تفسیری از آیات قرآن بر وفق چنین نظریه‌هائی، ملقمه‌ای را به وجود آوردند و چنین وانمود کنند که ریشه چنین نظریاتی در قرآن (کتاب مقدس مسلمین) نیز آمده است. مثلاً آنها دیدند که قرآن می‌گوید: «ما فرطنا فی الكتاب من شیء» ما، در قرآن، چیزی را ناگفته نگذاشته‌ایم. تصور کردند که بابی را در تفسیر قرآن بکشانید که انگار فتح جدیدی کرده‌اند و قرآن را براساس نظریات جدید تفسیر می‌کنند و آیات قرآنی را با آنچه در علوم طبیعی و کیهانی آمده است تطبیق می‌نمایند و به گمان خود، به قرآن خدمت می‌کنند و شأن اسلام را بالا ببرند و ادعا دارند که رساترین تبلیغ را به نفع اسلام در عرصه‌های علمی و فرهنگی انجام می‌دهند.

اینها به قرآن نگاه کرده‌اند و با این نظریه وزیرساز فکری قرآن را تفسیر می‌کنند. این روش، رابطه آنها را با قرآن خراب کرده و به تصویرها و اندیشه‌هائی رسیده‌اند که کاملاً با اغراض و اهداف قرآن منافات دارد.

مثلاً آنها زمانی که به آیه‌ای بر می‌خورند که از «باران» صحبت می‌کند یا از «ابرها» یا سخنی درباره «رعد و برق» می‌گویند، به همدیگر بشارت می‌دهند که دیدید قرآن، سالها، بلکه قرن‌ها، پیش از علمای طبیعی، از نظریات علمی درباره تکوین ابر و باران و وزش بادهای و کیفیت علم طبقات جو سخن گفته است؟!

یا وقتی که قرآن از «کوهها» از «گیاه» «حیوان» سخن می‌گوید: می‌گویند دین از شگفتیهای قرآن است که از طبیعت و رازهای آن سخن می‌گوید. وقتی می‌بینند که قرآن از «خورشید»، «ماه» ستارگان و نجوم سخن می‌راند، می‌گویند:

این آیات به علمای هیئت ثابت می‌کند که «قرآن، کتاب علمی، دقیقی است»<sup>(۱)</sup>  
 عجیب‌تر اینکه می‌بینیم، بعضی از مفسران آیه «فارتقب یوم تأتی السماء  
 بدخان مبین، یفشی الناس هذا عذاب الیم» سوره دخان / ۱۰  
 پس منتظر باش که روزی در آسمان دود آشکاری می‌آید که مردم را فرا  
 می‌گیرد و آن عذاب دردناکی است.

اینها چنین تفسیر می‌کنند که در عصر حاضر، گازهای سمی و گازهای  
 خفه‌کننده که علم و عقل بشری آنها را تولید کرده و از وسائل و ابزار تخریبی،  
 ناپود کننده جنگی است، منظور قرآن از «دود آشکار» همان گازهای سمی و  
 خفه‌کننده است. غافل از اینکه دنبال آیه می‌گوید: «ربنا اکشف عنا العذاب انّا  
 مؤمنون» «انی لهم الذکری و قد جاء هم رسول مبین، ثم تولوا عنه و قالوا معلم  
 مجنون» دخان / ۱۴

خدایا از ما، عذاب را دفع و برطرف کن، زیرا ما مؤمن هستیم. آیا آنها پند و  
 اندرز را به یاد دارند که رسول خدا و پیامبر یادآور، سراغ آنها آمد و آنها از پیامبر  
 رویگردان شدند و گفتند: او، دیوانه معلمی (آموخته‌شده) ای است!  
 معلوم است که آیه در مورد قیامت است و چنین عتابی درباره منکران نبوت  
 آمده است!

(۱) گرچه نظریه مرحوم علامه شلتوت درباره آیات علمی قرآن، تقریباً درست که قرآن  
 کتاب علمی (دقیقاً) نیست، بلکه کتاب هدایت است. اما نمی‌توان بکلی انکار کرد که  
 قرآن به نکات علمی طبیعت و جهان اشاراتی دارد و آنها را مجموعاً به همان جنبه  
 «هدایتی» خود بیان می‌دارد که خود خالی از دقت نیست. زیرا اتخاذاً روش و متد در  
 اداء سخن و ابلاغ رسالت، خود نیز از ابداعات کیست. مترجم.

در روایت آمده است که مردی پیش عبدالله بن مسعود، صحابی معروف آمد و گفت در مسجد (پیامبر) مردی را دیدم که قرآن را «تفسیر به رأی» می‌کرد! و آیه «فارتقب یوم تاتی السماء بدخان مبین» را چنین تفسیر می‌کرد که: مردم را روز قیامت، دودی فرا می‌گیرد که همگی زکام می‌گیرند!

ابن مسعود گفت: هرکسی باعلمی آشنا باشد، بگوید که من فلان علم را می‌دانم و آنکه نمی‌داند بگوید: الله اعلم.

این آیه در مورد قریش نازل شده است که به عصیان محمد برخاستند پیامبر در مورد آنها نفرین کرد که به سالهای فحطی گرفتار شوند، چنان که حضرت یوسف چنین انجام داد. قریش به فحطی گرفتار شدند تا آنجا که استخوان می‌خورند، مرد به آسمان نگاه می‌کرد و در اثر بی‌آبی بدن، آسمان را همانند دود، مشاهده می‌کرد! عجیب‌تر اینکه بعضی از این مفسران جدید، دست به تفسیر غیبی می‌زنند و به قلمرو علم خداوند که در شأن حضرت حق است، دست درازی می‌کنند. آنجائی که به تفصیل وحی بی‌نازل نشده و خداوند حقیقت آنرا به احدی مکشوف نساخته است!

مثلا آیه «الکتاب المبین» و «الامام المبین» که حسنات و سیئات بندگان در آنجا مضبوط است و در قیامت به مردمان عرضه می‌شود! چنین تفسیر می‌کنند که منظور از اینها، «ضبط صوت هوائی و صداها» است. و می‌گویند: علم در اختراعات بشری چنین ابزاری را تولید کرده است و انسان در زندگی خود و ضبط اصوات از چنین ابزاری استفاده می‌کند. و چه مانع دارد که او، چنین ابزاری

را در حفظ حرکات و سکنتات، و خاطرات و آمال نفسانی خود، استخدام نماید! خداوند جهان را بر مبنای چنین سنن‌ای آفریده است و آن محاسبه نفوس مردم در روز قیامت و عرض اعمال و کردار آنها به خودشان است، همانند ضبط صوتی که همه حرکات مردم را در همه زمینه‌ها، خاطره‌ها، گفته‌ها و کردارها ضبط می‌کند!

و از چنین آیاتی سخن می‌گویند که خداوند «اسرار آنها» را در «غیب محجوب» نگه داشته است.

اما این مفسران از میان دانشمندان، کسانی را پیدا می‌کنند که نظریات اینان را تایید کنند و بر خود می‌بالند که خداوند امثال چنین دانشمندانی را زیاد کند! چنین مفسرانی همانند آن دسته مفسران قدیمی هستند که قرآن بر طبق آراء فلسفی و کلامی، سیاسی خود تفسیر می‌کردند.

هیچ بعید نیست که روزی مفسری از این گونه مفسران بیاید و بگوید که: من، نظریه داروین را از قرآن استخراج کرده و قرآن آنرا تایید می‌کند!

### خطای فاحش در این گرایش تفسیری

قطعاً، این روش در تفسیر قرآن، خطا و اشتباه فاحش است. زیرا قرآن کتاب علمی نیست که از نظریات دقیق علوم و فنون و انواع معارف برای بشر، سخن بگوید.

این روش، اشتباه است زیرا اصحاب و فریفتگان این روش با تکلف و



زحمت زیادی، قرآن را تاویل می‌کند که با اعجاز آن منافات دارد و هرگز ذوق سالم، آنرا نمی‌پذیرد!

این روش، خطا است زیرا اصحاب آن، قرآن را با مسائل علوم زمان تطبیق می‌دهند، در حالی که می‌دانیم نظریات علوم، تفسیر پذیرند و هیچ نظریه‌ای در زمینه علوم، ثابت نیست. زیرا ممکن است نظریه‌های علمی امروز، فردا، خرافات به حساب آید!

اگر ما، قرآن را با این نظریات و تئوریهای جدید تفسیرپذیر، تطبیق دهیم، قرآن را در معرض تفسیر قرار داده‌ایم و باید آثار خطا و اشتباه را در آن بپذیریم! و خود را در دفاع از چنین تئوریهایی در تنگنا قرار دهیم.

بیائید، قرآن را به عظمت و جلالت خود واگذاریم و قداست و مهابت آنرا نگه داریم. و به این نکته اساسی توجه داشته باشیم که اگر: قرآن به اسرار آفرینش و پدیده‌های طبیعت اشاراتی دارد، قطعاً هدف آن انگیزه برای تأمل و نظر بیشتر در آیات الهی است که آنها را بفهمیم و ادراک کنیم که ایمانمان ازدیاد پذیرد. قطعاً قرآن هرگز با قطعیات ثابت علوم و حقایق عقل‌پذیر منافات و تناقض نخواهد داشت.

از رسول خدا درباره «هلال» پرسیدند که علت چیست که هلال ابتداء بمانند یک «نخ» است، سپس بزرگ شده، دایره‌ای و کامل می‌شود؟! و سپس دوباره ناقص شده و ضعیف می‌گردد و به حالت اولی می‌رسد؟!.

چرا «ماه» به یک حالت نمی‌ماند؟!

آیه نازل شد که: یسألونک عن الالهة؟ قل هی مواقیت للناس و الحجج، و لیس السیر ان تأتوا البیوت من ظهورها و لکن البر من اتقی و أتوا البیوت من ابوابها و اتقوا الله لعلکم تتقون» بقره/۱۸۹

نظیر چنین سؤالی در مورد «روح» نیز آمده است: خداوند می گوید:  
«و یسألونک عن الروح قل الروح من امر ربی و ما اوتیتم من العلم الا قلیلاً»  
اسراء/۸۵

در هر دو مورد درباره «هلال» و «روح» می پرسند، اما خداوند به سؤال پاسخ نمی دهد و از آثار آنها سخن می گوید!  
این روش، نشان می دهد که قرآن کتاب علمی نیست که از حقایق طبیعت سخن بگوید، بلکه قرآن کتاب هدایت است که می خواهد بشر را اصلاح کند و قانون خداوند را بیان نماید.  
امیدوارم که تفسیری که در پیشرو دارید، مسلمانان از آن بهره ها بگیرند و هدایت های قرآنی را دریابند. «رینا اتنا من لدنک رحمه و هیئ لنا من امرنا رشدا»  
صدق الله العلی العظیم.

محمود شلتوت

**بیانیه اختتامیه کنگره بین المللی آیت الله بروجردی  
و علامه شیخ محمود شلتوت**

تهران - دی ماه ۱۳۷۹



## بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه ومن والاه.

به دعوت کریمانه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، هیأت عالی رتبه دانشگاه شریف الازهر در کشور برادر جمهوری عربی مصر و به نمایندگی از مجمع پژوهش‌های اسلامی آن دانشگاه و به دستور امام سید طنطاوی شیخ الازهر شریف و با عضویت قائم مقام شیخ دانشگاه شریف الازهر و مفتی کشور مصر و گروهی از اعضاء مجمع پژوهش‌های اسلامی، به مناسبت برگزاری کنگره بزرگداشت دو عالم بزرگ حضرت آیت الله العظمی بروجردی و علامه شیخ محمود شلتوت رضوان الله علیهما دیداری از تهران بعمل آورد.

این کنگره که از ۱۹ تا ۲۱ دیماه ۱۳۷۹ - ۱۳ تا ۱۵ شوال المکرم ۱۴۲۱، به مدت سه روز در تهران و قم برگزار شد با پیام مهم حضرت آیت الله خامنه‌ای حفظه الله رهبر معظم انقلاب اسلامی آغاز شد که در آن تأکید فرموده بودند که هدف از این بزرگداشت، تکریم خدمات بزرگی است که این دو عالم جهان اسلام بروجردی و شلتوت به امت اسلامی تقدیم داشته‌اند، امتی که امروز بیش از هر زمان دیگر، نیازمند وحدت و تقریب است و مردان دین و سیاست، چنانچه آن تلاش را ادامه می‌دادند، امروز شاهد اختلافات دردناک میان مسلمین نبودیم و فاجعه فلسطین به این شکل رعب آور رخ نمی‌داد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام خود همگان را به تلاش برای رویارویی با امواج فتنه‌ها، از راه پایبندی به قرآن کریم و سنت قطعی پیامبر اکرم (ص) دعوت کرده‌اند.

شرکت کنندگان در کنگره پیام ارزشمند رهبر معظم انقلاب اسلامی را به عنوان یکی از اسناد کنگره به شمار آوردند.

همچنین علاوه بر نماینده رئیس جمهوری اسلامی ایران، گروهی از علمای برجسته، شخصیت‌های فرهنگی و اساتید دانشگاه‌های ایران نیز شرکت جسته، مقالات چکیده مطالعات و پژوهش‌های ارائه شده به کنگره قرائت شد. در طول برگزاری کنگره دو نشست پیرامون تقریب و وحدت و نیز انتفاضه شکوهمند فلسطین برگزار شد و فعالیتهای کنگره در فضایی آکنده از منطق عملی و برادری اسلامی انجام گردید که نتایج آن بطور خلاصه به شرح زیر بیان می‌شود.

شرکت کنندگان کنگره، دیدار مهم و تاریخی علمای الازهر شریف و حوزه علمیة مقدس قم و تهران را ارج نهاده، آن را ضرورتی حتمی برای غنی ساختن فرهنگ، اندیشه و فقه اسلامی و عمق بخشیدن به اندیشه تقریب مذاهب اسلامی و تبادل اطلاعات و تجربیات در زمینه‌های مختلف فکری، اجتماعی و اقتصادی دانستند که می‌تواند وحدت، عزت و کرامت مسلمانان و دستیابی آنان به جایگاه مطلوب تمدنی خویش را تحقق بخشد.

آنها همچنین مراتب تقدیر خود را از کوششهای دو عالم و مرجع بزرگ، آیت الله العظمی بروجردی و شیخ محمود شلتوت، به خاطر تلاشهای سترگ آنان در راه وحدت مسلمین، ابراز داشتند و آنان را الگو و نمونه‌ای دانستند که باید مورد توجه و پیروی سایرین باشد، آنان همچنین خواستار نشر اندیشه‌ها و تالیفات

آنان و سایر پیشینیان از علما و اندیشمندان مسلمان در زمینه‌های اندیشه تقریب شدند.

شرکت کنندگان در کنگره به انتفاضه شکوهمند فلسطین درود می فرستند و خواستار حمایت و تأیید آن با همه ابزارهای ممکن هستند و تلاشهای جاری برای سلب حقوق ملت فلسطین در آزادی همه سرزمین خود به ویژه قدس شریف را محکوم کرده، خواستار تحریم کالاهای تولیدی حامیان اصلی رژیم غاصب صهیونیستی و آشنا ساختن امت اسلامی با روحیه مقاومت و اراده نیرومند در رویارویی با اشغال و اهانت به مقدسات اسلامی در فلسطین شدند.

شرکت کنندگان تلاشهای مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در ایران و فعالیت‌های مختلف آن را در زمینه‌های علمی و فرهنگی برای تحکیم روابط برادری مسلمین ستودند و تأسیس دانشگاه مذاهب اسلامی در تهران را مورد تقدیر قرار دادند و توسعه آن و ایجاد دانشگاههای مشابه را در مراکز علمی دیگر برای آشنایی بیشتر مسلمین با میراث علمی مشترکشان خواستار شدند. آنان همچنین پاسخ مثبت مجمع بررسیهای اسلامی وابسته به دانشگاه الازهر و تلاش‌هایش در زمینه‌های تقریب و حمایت از وحدت اسلامی را ارج نهادند و کوششهای مراجع تقلید و علمای پیشتاز و معاصر را در زمینه وحدت اسلامی مورد تقدیر قرار دادند و خواستار نشر افکار آنان و ترویج فرهنگ تقریب و روح برادری و همبستگی بین مسلمانان شدند.

شرکت کنندگان در زمینه‌های علمی خواستار دعوت به ازدیاد همکاری مشترک در راه تألیف دایرة المعارف‌های علمی و تطبیقی در زمینه‌های تفسیر و فقه و غیر آن شدند و از الازهر شریف درخواست کردند که این کنگره را در سال

۱۴۲۳ به مناسبت چهلمین سال درگذشت مرحوم علامه شیخ محمود شلتوت با همکاری مجمع تقریب برگزار نماید تا از پیشتازان حرکت تقریب امثال عبدالمجید سلیم، عبدالعزیز عیسی، محمد المدنی، علامه کاشف الغطاء، سید عبدالحسین شرف الدین و سایر بزرگان تقدیر نمایند.

شرکت کنندگان در کنگره همچنین بر ضرورت تبادل استاد و دانشجو و کتابها و شیوه‌های درسی بین دانشگاهها و مؤسسات تأکید ورزیدند.

در پایان کنگره، شرکت کنندگان نهایت تشکر و تقدیر خود را از امام شیخ محمد سید طنطاوی بخاطر اهتمام فراوانش به موضوع وحدت و تقریب و پیگیری مشکلات و مسائل مسلمانان ابراز داشتند.

و نیز هیأت نمایندگی ازهر شریف سپاس و تقدیر خود را به پیشگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای به خاطر عنایت ویژه به کنگره و پیام مهمشان در افتتاحیه آن تقدیم کردند.

این هیأت همچنین از مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و دبیر کل آن آیت الله محمد واعظ زاده خراسانی و شورای عالی آن و نیز کلیه مسئولان جمهوری اسلامی ایران به خاطر پذیرائی و مهمان نوازی گرم و برادرانه آنان تشکر کرده از خداوند متعال برای کلیه مسلمانان عزت و سربلندی و پیروی از کتاب خدا و سنت پیامبرش درخواست نموده برای کلیه علمای درگذشته مخصوصاً رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی (ره) رحمت و رضوان ابدی درخواست نمودند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته